

## کتاب ارمیانی

کلام ارمیا بن حلقیا از کاهنانی که در عناتوت در زمین بنیامین بودند.

۲ که کلام خداوند در ایام یوشیا بن آمون پادشاه یهودا در سال سیزدهم از سلطنت او بر وی نازل شد.

۳ و در ایام یهو یا قیم بن یوشیا پادشاه یهودا تا آخر سال یازدهم صدقیان بن یوشیا پادشاه یهودا نازل میشد تا زمانی که اورشلیم در ماه پنجم به اسیری برده شد.

### رسالت ارمیا

پس کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«بل از آنکه تورا در شکم صورت بندم تو را شناختم و قبل از بیرون آمدن از رحم تو را تقدیس نمودم و تو را نبی امته قرار دادم.»

پس گفتم: «های خداوند یهوه اینک من تکلم کردن را نمی دانم چونکه طفل هستم.» اما خداوند مرا گفت: «گو من طفل هستم، زیرا هر جایی که تو را بفرستم خواهی رفت و هر چه تورا امر فرمایم تکلم خواهی نمود.»

۸ از ایشان مترس زیرا خداوند میگوید: من باتو هستم و تو را رهایی خواهم داد.»  
 آنگاه خداوند دست خود را دراز کرده، دهان مرا لمس کرد و خداوند به من گفت:  
 «اینک کلام خود را در دهان تو نهادم.»

۱۰ بدان که تورا امروز بر امته و ممالک مبعوث کردم تا از ریشه بر کنی و منهدم سازی و هلاک کنی و خراب نمایی و بنا نمایی و غرس کنی.»  
 پس کلام خداوند بر من نازل شده، گفت: «ی از میاچه میبینی؟ گفتم: «اخیهای از درخت بادام میبینم.»

خداوند مرا گفت: «یکو دیدی زیرا که من بر کلام خود دیده بانی میکنم تا آن را به انجام رسانم.»

پس کلام خداوند بار دیگر به من رسیده، گفت: «ه چیز میبینی؟» گفتم: «یگی جوشنده میبینم که رویش از طرف شمال است.»

و خداوند مرا گفت: «لای از طرف شمال بر جمیع سکنه این زمین منبسط خواهد شد. ۱۵ زیرا خداوند میگوید اینک من جمیع قبایل ممالک شمالی را خواهم خواند و ایشان آمده، هر کس کرسی خود را در دهنه دروازه اورشلیم و بر تمامی حصارهایش گرداگرد و به ضد تمامی شهرهای یهودا بر پا خواهد داشت. ۱۶ و بر ایشان احکام خود را در باره همه شرارتشان جاری خواهم ساخت چونکه مرا ترک کردند و برای خدایان غیر بخور سوزانیدند و اعمال دستهای خود را سجده نمودند. ۱۷ پس تو کمر خود را ببند و برخاسته، هر آنچه را من به تو امر فرمایم به ایشان بگو و از ایشان هراسان مباش، مباد تورا پیش روی ایشان مشوش سازم. ۱۸ زیرا اینک من تورا امر و ز شهر حصار دار و ستون آهنین و حصارهای برنجین به ضد تمامی زمین برای پادشاهان یهودا و سروران و کاهنانش و قوم زمین ساختم. ۱۹ و ایشان با تو جنگ خواهند کرد اما بر تو غالب نخواهند آمد، زیرا خداوند می گوید: من با تو هستم و تورا هائی خواهم داد.»

### پیروی خدایان غیر

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«رووبه گوش اورشلیم ندا کرده، بگو خداوند چنین میگوید: غیرت جوانی تو و محبت نامزد شدن تورا حینی که از عقب من در بیابان و در زمین لمبز رع میخرا امید ی برایت به خاطر میآورم.»

۳ اسرائیل برای خداوند مقدس و نو بر محصول او بود. خداوند میگوید: آنانی که او را بخورند مجرم خواهند شد و بلا بر ایشان مستولی خواهد گردید. «ای خاندان یعقوب و جمیع قبایل خانواده اسرائیل کلام خداوند را بشنوید! خداوند چنین میگوید: «دران شما در من چه بیانصافی یافتند که از من دوری ورزیدند و اباطیل را پیروی کرده، باطل شدند؟»

و نگفتند: یهوه کجاست که ما را از زمین مصر بر آورد و ما را در بیابان و زمین ویران و پراز حفرهها و زمین خشک و سایه موت و زمینی که کسی از آن گذر نکند و آدمی در آن ساکن نشود رهبری نمود؟

ومن شمارا به زمین بستانها آوردم تا میوهها و طیبات آن را بخورید، اما چون داخل آن شدید زمین مرا نجس ساختید و میراث مرا مکروه گردانیدید.

۸ کاهنان نگفتند: یهوه بجاست و خوانندگان تورات مرا نشناختند و شبانان بر من عاصی شدند و انبیا برای بعل نبوت کرده، در عقب چیزهای بیفایده رفتند.

۹ بنابراین خداوند میگوید: بار دیگر با شما خاصمه خواهم نمود و پسران پسران شما خاصمه خواهم کرد.

۱۰ پس به جزیره های کتیم گذر کرده، ملاحظه نماید و به قیدار فرستاده به دقت تعقل نماید و دریافت کنید که آیا حادثه های مثل این واقع شده باشد؟

که آیا هیچ امتی خدایان خویش را عوض کرده باشند با آنکه آنها خدا نیستند؟ اما قوم من جلال خویش را به آنچه فایده های ندارد عوض نمودند.

۱۲ پس خداوند می گوید: ای آسمانها از این متحیر باشید و به خود لرزیده، به شدت مشوش شوید!

زیرا قوم من دو کار بد کرده اند. مرا که چشمه آب حیاتم ترک نموده و برای خود حوضها کند هاند، یعنی حوضهای شکسته که آب را نگاه ندارد.

۱۴ آیا اسرائیل غلام یا خانه زاد است پس چرا غارت شده باشد؟

شیران زیان بر او غرش نموده، آواز خود را بلند کردند و زمین او را ویران ساختند و شهرهایش سوخته و غیر مسکون گردیده است.

۱۶ و پسران نوف و تخفنیس فرق تورا شکست هاند.

۱۷ آیا این را بر خویشتن وارد نیوردی چونکه یهوه خدای خود را حینی که تورا رهبری مینمود ترک کردی؟

والان تورا باراه مصر چه کار است تا آب شیحور را بنوشی؟ و تورا باراه آشور چه کار است تا آب فرات را بنوشی؟»

خداوند یهوه صبا یوت چنین میگوید: «راست تو، تورا تنبیه کرده و ارتداد تو، تورا تو بیخ نموده است پس بدان و بین که این امر زشت و تلخ است که یهوه خدای خود را ترک نمودی و ترس من در تو نیست.»

۲۰ زیرا از زمان قدیم یوغ تور اشکستم و بندهای تورا گسیختم و گفתי بندگی نخواهم نمود زیرا بر هر تل بلند و زیر هر درخت سبز خوابیده، زنا کردی.

۲۱ و من تورا مواصیل و تخم تمام نیکو غرس نمودم پس چگونه نهال مویبگانه برای من گردیدهای؟

پس اگر چه خویشتن را با اشنان بشویی و صابون برای خود زیاده بکاری، اما خداوند بیوه میگوید که گناه تو پیش من رقم شده است.

۲۳ چگونه میگوینی که نجس نشدم و در عقب بعلم نرفتم؟ طریق خویش رادروادی بنگر و به آنچه کردی اعتراف نمای شتر تیز رو که در راههای خود می دوی! مثل گور خرهستی که به بیابان عادت داشته، در شهوت دل خود با در او میکشد. کیست که از شهوتش او را برگرداند؟ آنانی که او را میطلبند خسته نخواهند شد و او را در ماهش خواهند یافت.

۲۵ پای خود را از برهنگی و گلوی خویش را از تشنگی باز دار. اما گفתי نی امید نیست زیرا که غریبان را دوست داشتم و از عقب ایشان خواهم رفت.

۲۶ مثل دزدی که چون گرفتار شود نجل گردد. همچنین خاندان اسرائیل با پادشاهان و سروران و کاهنان و انبیای ایشان نجل خواهند شد.

۲۷ که به چوب میگویند تو پدر من هستی و به سنگ که تو مرا از آیدهای زیرا که پشت به من دادند و نه رو. اما در زمان مصیبت خود میگویند: بر خیز و ما را نجات ده.

۲۸ پس خدایان تو که برای خود ساختی بجایند؟ ایشان در زمان مصیبت بر خیزند و تورا نجات دهند. زیرا کهای یهودا خدایان توبه شماره شهرهای تومی باشند.» خداوند میگوید: «ابا من مخاصمه مینمایید جمیع شما بر من عاصی شده اید.

۳۰ پسران شما را عبث زده ام زیرا که تا دیب رانمی پذیرند. شمشیر شما مثل شیر درنده انبیای شما را هلاک کرده است.

۳۱ ای شما که اهل این عصر میباشید کلام خداوند را بفهمید! آیا من برای اسرائیل مثل بیابان یا زمین ظلمت غلیظ شده ام؟ پس قوم من چرا میگویند که روسای خود شده ایم و بار دیگر نزد تو نخواهیم آمد.

آیاد و شیزه زیور خود را یا عروس آرایش خود را فراموش کند؟ اما قوم من روزهای بیشمار مرا فراموش کرده‌اند.

۳۳ چگونه راه خود را می‌یابی سازی تا محبت را بطلی؟ بنا بر این زنان بدرانیز به راه‌های خود تعلیم دادی.

۳۴ در دام‌های تونیز خون جان فقیران بیگانه یافته شد. آنها را در نقب زدن نیافتم بلکه بر جمیع آنها.

۳۵ و می‌گویی: چونکه بیگانه هستم غضب او از من برگردانیده خواهد شد. اینک به سبب گفتنت که گناه نکرد هام بر تو داوری خواهم نمود.

۳۶ چرا اینقدر می‌شتابی تاراه خود را تبدیل نمایی؟ چنانکه از آشور نجل شدی همچنین از مصر نیز نجل خواهی شد.

۳۷ از این نیز دست‌های خود را بر سرت نهاده، بیرون خواهی آمد. چونکه خداوند اعتماد تو را خوار کرده است پس از ایشان کامیاب نخواهی شد.»

و می‌گوید: «گر مرد، زن خود را طلاق دهد و او از وی جدا شده، زن مرد دیگری بشود آیا باردیگر به آن زن رجوع خواهد نمود؟ مگر آن زمین بسیار ملوث نخواهد شد؟ لیکن خداوند می‌گوید: تو بایاران بسیار زنا کردی اما نزد من رجوع نما.

۲ چشمان خود را به بلندیها برافراز و ببین که کدام جا است که در آن باتو هم خواب نشده‌اند. برای ایشان بسراهمان(ن) عرب در بیابان نشستی و زمین را به زنا و بدرفتاری خود ملوث ساختی.

۳ پس بارشها باز داشته شد و باران بهاری نیامد و تو را جبین زن زانیه بوده، حیار از خود دور کردی.

۴ آیا از این به بعد مرا صد انخواهی زد کهای پدر من، تو یار جوانی من بودی؟ آیا غضب خود را تا به ابد خواهد نمود و آن را تا به آخر نگاه خواهد داشت؟ اینک این را گفتی اما اعمال بدر ایجا آورده، کامیاب شدی.»

بنی وفایی اسرائیل

و خداوند در ایام یوشیاد شاه به من گفت: «یا ملاحظه کردی که اسرائیل مرتد چه

کرده است؟ چگونه به فراز هر کوه بلند و زیر هر درخت سبز رفته در آنجا زنا کرده است؟  
و بعد از آنکه همه این کارها را کرده بود من گفتم نزد من رجوع نما، اما رجوع نکرد و خواهر  
خائن او یهودا این را بدید.

۸ و من دیدم با آنکه اسرائیل مرتد زنا کرد و از همه جهات او را بیرون کردم و طلاق نامهای  
به وی دادم لکن خواهر خائن او یهودا نترسید بلکه او نیز رفته، مرتکب زنا شد.

۹ و واقع شد که به سبب سهل انگاری او در زنا کاریش زمین ملوث گردید و او با سنگها  
و چوبها زنا نمود.

۱۰ و نیز خداوند میگوید: با وجود این همه، خواهر خائن او یهودا نزد من با تمامی دل خود  
رجوع نکرد بلکه باریا کاری.»

پس خداوند مرا گفت: «اسرائیل مرتد خویشتن را از یهودای خائن عادل تر نموده است.

۱۲ لهدا برو این سخنان را بسوی شمال ندا کرده، بگو: خداوند میگوید: ای اسرائیل  
مرتد رجوع نما! و بر تو غضب نخواهم نمود زیرا خداوند میگوید: من روف هستم و تا به ابد  
خشم خود را نگاه نخواهم داشت.

۱۳ فقط به گاهانت اعتراف نما که بر یهوه خدای خویش عاصی شدی و راههای خود  
را زیر هر درخت سبز برای بیگانگان منشعب ساختی و خداوند میگوید که شما آواز مرا  
نشنیدید.

۱۴ پس خداوند میگوید: ای پسران مرتد رجوع نمائید زیرا که من شوهر شما هستم و  
از شما یک نفر از شهری و دو نفر از قبیلهای گرفته، شمارا به صهیون خواهم آورد.

و به شما شبانان موافق دل خود خواهم داد که شمارا به معرفت و حکمت خواهند چرانید.  
«خداوند میگوید که چون در زمین افزوده و بارور شوید در آن ایام بار دیگر تابوت عهد  
یهوه را به زبان نخواهند آورد و آن به خاطر ایشان نخواهد آمد و آن را ذکر نخواهند کرد و آن  
را زیارت نخواهند نمود و بار دیگر ساخته نخواهد شد.

۱۷ زیرا در آن زمان اورشلیم را کرسی یهوه خواهند نامید و تمامی امتها به آنجا به جهت  
اسم یهوه به اورشلیم جمع خواهند شد و ایشان بار دیگر پیروی سرکشی دلهای شریر خود  
را نخواهند نمود.

۱۸ و در آن ایام خاندان یهودا با خاندان اسرائیل راه خواهند رفت و ایشان از زمین شمال به آن زمینی که نصیب پدران ایشان ساختم با هم خواهند آمد.

۱۹ و گفتم که من تو را چگونه در میان پسران قرار دهم و زمین مرغوب و میراث زیبا ترین امتهارا به تو دهم؟ پس گفتم که مرا پدر خواهی خواند و از من دیگر مرتد نخواهی شد.

۲۰ خداوند میگوید: هر آینه مثل زنی که به شوهر خود خیانت ورزد همچنین شمای خاندان اسرائیل به من خیانت ورزیدی.

۲۱ آواز گریه و تضرعات بنی اسرائیل از بلندیها شنیده میشود زیرا که راههای خود را منحرف ساخته و یهوه خدای خود را فراموش کرده اند.

۲۲ ای فرزندان مرتد بازگشت نمائید و من ارتدادهای شمارا شفا خواهم داد.» (عی گویند: «ینک نزد تو میآیم زیرا که تو یهوه خدای ما هستی».

۲۳ به درستی که از دحام کوهها از تلها باطل میباشد. زیرا به درستی که نجات اسرائیل در یهوه خدای ما است.

۲۴ و نجالت مشقت پدران ما، یعنی رمه و گله و پسران و دختران ایشان را از طفولیت ماتلف کرده است.

۲۵ در نجالت خود میخواستیم و رسوایی ما، ما را می پوشاند زیرا که هم ما و هم پدران ما از طفولیت خود تا امروز به یهوه خدای خویش نگاه ورزیده و آواز یهوه خدای خویش را شنیدهایم.»

### خداوند میگوید: «ای اسرائیل اگر

بازگشت نمایی، اگر نزد من بازگشت نمایی و اگر جاسات خود را از خود دور نمایی پراکنده نخواهی شد.

۲ و به راستی و انصاف و عدالت به حیات یهوه قسم خواهی خورد و امتها خویشتن را به او مبارک خواهند خواند و به وی نخر خواهند کرد.»

### بلا از طرف شمال

زیرا خداوند به مردان یهودا و اورشلیم چنین میگوید: «مینهای خود را شیار کنید و در میان خارها مکارید.

۴ ای مردان یهودا و ساکنان اورشلیم خویشان را برای خداوند مختون سازید و غلفه دلهای خود را دور کنید مباد احدت خشم من به سبب بدی اعمال شما مثل آتش صادر شده، افروخته گردد و کسی آن را خاموش نتواند کرد.

۵ در یهودا اخبار نمایید و در اورشلیم اعلان نموده، بگویند و در زمین کرنا بنوازید و به آواز بلند ندا کرده، بگویند که جمع شوید تا به شهرهای حصاردار داخل شویم.

۶ علی بسوی صهیون برافزاید و برای پناه فرار کرده، توقف ننمایید زیرا که من بلایی و شکستی عظیم از طرف شمال میآورم.

۷ شیرازی پیشه خود برآمده و هلاک کننده امته حرکت کرده، از مکان خویش درآمده است تا زمین تور و ایران سازد و شهرهای خراب شده، غیر مسکون گردد.

۸ از این جهت پلاس پوشیده، ماتم گیرید و ولوله کنید زیرا که حدت خشم خداوند از ما برنگشته است.

۹ و خداوند میگوید که در آن روز دل پادشاه و دل سروران شکسته خواهد شد و کاهنان متحیر و انبیا مشوش خواهند گردید.

پس گفتم: «های خداوند یهوه! به تحقیق این قوم و اورشلیم را بسیار فریب دادی زیرا گفتمی شمار اسلامی خواهد بود و حال آنکه شمشیر به جان رسیده است.»

در آن زمان به این قوم و یهودیه اورشلیم گفته خواهد شد که باد سموم از بلندیهای بیابان بسوی دختر قوم من خواهد وزید و برای افشاندن و پاک کردن خرم من.

۱۲ باد شدید از اینها برای من خواهد وزید و من نیز الان در ایشان داوری خواهم فرمود.

۱۳ اینک او مثل ابر میآید و اربابه های او مثل گرد باد و اسپهای او از عقاب تیز و ترند. وای بر ما زیرا که غارت شده ایم.

۱۴ ای اورشلیم دل خود را از شرارت شست و شو کن تا نجات یابی! تا به کی خیالات فاسد تو در دلت بماند؟

زیرا آوازی از دان اخبار مینماید و از کوهستان افرایم به مصیبتی اعلان میکند.

امته را اطلاع دهید، هان به ضد اورشلیم اعلان کنید که محاصره کنندگان از ولایت



بعیدی آیند و به آواز خود به ضد شهرهای یهود اندامی کنند.  
 ۱۷ خداوند میگوید که مثل دیده بانان مزرعه او را احاطه میکنند چونکه بر من فتنه  
 انگیزخته است.

۱۸ راه تو و اعمال تو این چیزها را بر تو وارد آورده است. این شرارت تو به حدی تلخ  
 است که به دلت رسیده است.

احشای من احشای من، پرده های دل من از درد سفته شد و قلب من در اندروم مشوش  
 گردیده، ساکت نتوانم شد چونکه تو ای جان من آواز کرنا و نعره جنگ را شنیدهای.  
 ۲۰ شکستگی بر شکستگی اعلان شده زیرا که تمام زمین غارت شده است و خیمه های  
 من بگفته و پرده هایم ناگهان به تاراج رفته است.

۲۱ تا به کی علم را ببینم و آواز کرنا را بشنوم؟

چونکه قوم من احمقند و مرا نمی شناسند و ایشان، پسران ابله هستند و هیچ فهم ندارند.  
 برای بدی کردن ما هر ندلیکن به جهت نیکوکاری هیچ فهم ندارند.

بسوی زمین نظر انداختم و اینک تهی و ویران بود و بسوی آسمان و هیچ نور نداشت.

۲۴ بسوی کوهها نظر انداختم و اینک متزلزل بود و تمام تلها از جا متحرک میشد.

۲۵ نظر کردم و اینک آدمی نبود و تمامی مرغان هوا فرار کرده بودند.

۲۶ نظر کردم و اینک بوستانها بیابان گردیده و همه شهرها از حضور خداوند و از حدت  
 خشم وی خراب شده بود.

زیرا خداوند چنین میگوید: «ما می زمین خراب خواهد شد لیکن آن را بالکل فانی نخواهم  
 ساخت.»

۲۸ از این سبب جهان ماتم خواهد گرفت و آسمان از بالا سیاه خواهد شد زیرا که این  
 را گفتم و اراده نمودم و پیشیمان نخواهم شد و از آن بازگشت نخواهم نمود.»

از آواز سواران و تیراندازان تمام اهل شهر فرار میکنند و به جنگلهای داخل میشوند و بر صخرهها  
 برمی آیند و تمامی شهرها ترک شده، احدی در آنها ساکن نمی شود.

۳۰ و توحینی که غارت شوی چه خواهی کرد؟! اگر چه خویشتن را به فرم ملبس سازی  
 و به زیورهای طلا بیارایی و چشمان خود را از سرمه جلادهی لیکن خود را عبث زبیبی

دادهای چونکه یاران تو تو را خوار شمرده، قصد جان تو دارند. ۳۱ زیرا که آوازی شنیدم مثل آواز زنی که در دزه دارد و تنگی مثل زنی که نخست زاده خویش را بزاید یعنی آواز دختر صهیون را که آه میکشد و دستهای خود را دراز کرده، میگوید: وای بر من زیرا که جان من به سبب قاتلان بیپوش شده است.

### عادلی نیست

«رکوحه های اورشلیم گردش کرده، ببینید و بفهمید و در چهار سو هایش تفتیش نمائید که آیا کسی را که به انصاف عمل نماید و طالب راستی باشد توانید یافت تا من آن را بیامرزم؟ و اگر چه بگویند: قسم به حیات یهوه، لیکن به دروغ قسم میخورند.»

ای خداوند آیا چشمان تو راستی نگران نیست؟ ایشان را زدی اما محزون نشدند. و ایشان را تلافی نمودی اما نخواستند تا دیب را بپذیرند. رویهای خود را از صخره سختتر گردانیدند و نخواستند بازگشت نمایند.

۴ و من گفتم: «درستی که اینان فقیرند و جاهل هستند که راه خداوند و احکام خدای خود را نمی دانند.

۵ پس نزد بزرگان میروم و بایشان تکلم خواهم نمود زیرا که ایشان طریق خداوند و احکام خدای خود را میدانند.» لیکن ایشان متفق بوجع را شکسته و بندها را گسیخته اند.

۶ از این جهت شیری از جنگل ایشان را خواهد کشت و گرگ بیابان ایشان را تاراج خواهد کرد و پلنگ بر شهرهای ایشان در کمین خواهد نشست و هر که از آنها بیرون رود دریده خواهد شد، زیرا که تقصیرهای ایشان بسیار و ارتدادهای ایشان عظیم است. «گونه تو را برای این بیامرزم که پسرانت مرا ترک کردند و به آنچه خدا نیست قسم خوردند و چون من ایشان را سیر نمودم مرتکب زنا شدند و در خانه های فاحشه ها ازدحام نمودند. ۸ مثل اسبان پرورده شده مست شدند که هر یکی از ایشان برای زن همسایه خود شیهه میزند.

و خداوند میگوید: «با به سبب این کارها عقوبت نخواهم رسانید و آیا جان من از چنین طایفهای انتقام نخواهد کشید؟»

بر حصار هایش برآید و آنها را خراب کنید اما بالکل هلاک مکنید و شاخه هایش را قطع

نمایید زیرا که از آن خداوند نیستند.

خداوند میگوید: «راینه خاندان اسرائیل و خاندان یهودا به من به شدت خیانت ورزید هاند.»  
خداوند را انکار نموده، میگویند که او نیست و بلا به ما نخواهد رسید و شمشیر و قحط را نخواهیم دید.

۱۳ و انبیا باد میشوند و کلام در ایشان نیست پس به ایشان چنین واقع خواهد شد.

۱۴ بنا بر این یهوه خدای صبا یوت چنین میگوید: «ونکه این کلام را گفتید همانا من کلام خود را در دهان تو آتش و این قوم را هیزم خواهم ساخت و ایشان را خواهد سوزانید.»  
خداوند میگوید: «ی خاندان اسرائیل، اینک من امتی را از دور بر شما خواهم آورد. امتی که زور آورند و امتی که قدیمند و امتی که زبان ایشان را نمی دانی و گفتار ایشان را نمی فهمی.»

۱۶ ترکش ایشان قبر گشاده است و جمیع ایشان جبارند.

۱۷ و خرمن و نان تورا که پسران و دخترانت آن را می باید بخورند خواهند خورد و گوسفندان و گاوان تورا خواهند خورد و انگور ها و انجیر های تورا خواهند خورد و شهر های حصار دار تورا که به آنها توکل مینمایی با شمشیر هلاک خواهند ساخت.»

لیکن خداوند میگوید: «آن روز هانیز شمارا بالکل هلاک نخواهم ساخت.»

۱۹ و چون شما گویند که یهوه خدای ما چرا تمامی این بلاها را بر ما وارد آورده است آنگاه توبه ایشان بگوازی جهت که مرا ترک گردید و خدایان غیر را در زمین خویش عبادت نمودید. پس غریبان را در زمینی که از آن شما نباشد بندگی خواهید نمود.

«این رابه خاندان یعقوب اخبار نمایید و به یهودا اعلان کرده، گویند کههای قوم جاهل و بی فهم که چشم دارید اما نمی بینید و گوش دارید اما نمی شنوید این را بشنوید.»

۲۲ خداوند می گوید آیا از من نمی ترسید و آیا از حضور من نمی لرزید که ریگ رابه قانون جاودانی، حد دریا گذاشتهام که از آن نتواند گذشت و اگر چه امواجش متلاطم شود غالب نخواهد آمد و هر چند شورش نماید اما از آن تجاوز نمی تواند کرد؟

اما این قوم، دل فتنه انگیز و متمرد دارند. ایشان فتنه انگیز خسته و رفته اند.

- ۲۴ و در دلهای خود نمی گویند که از یهوه خدای خود بترسیم که باران اول و آخر را در موسمش میبخشد و هفته های معین حصا در ابه جهت مانگه میدارد.
- ۲۵ خطایای شمالین چیزها را دور کرده و گاهان شمالین کوبی را از شما منع نموده است.
- ۲۶ زیرا در میان قوم من شریران پیدا شده اند که مثل کمین نشستن صیادان در کمین میشینند. دامها گسترانیده، مردم را صید میکنند.
- ۲۷ مثل قفسی که پر از پرندگان باشد، همچنین خانه های ایشان پر از فریب است و از این جهت بزرگ و دولتمند شده اند.
- ۲۸ فربه و در خشنده میشوند و در اعمال زشت هم از حد تجاوز میکنند. دعوی یعنی دعوی یتیمان را فیصل نمی دهند و با وجود آن کامیاب میشوند و فقیران را دادرسی نمی کنند.
- ۲۹ و خداوند میگوید: آیا به سبب این کارها عقوبت نخواهم رسانید و آیا جان من از چنین طایفه های انتقام نخواهد کشید؟
- امری عجیب و هولناک در زمین واقع شده است.
- ۳۱ انبیایه دروغ نبوت میکنند و کاهنان به واسطه ایشان حکمرانی مینمایند و قوم من این حالت را دوست میدارند و شما در آخرین چه خواهید کرد؟»

### محاصره اورشلیم

- ای بنی بنیامین از اورشلیم فرار کنید و کرنا را در تقویم بنوازید و علامتی بر بیت هکاریم برافرازدید زیرا که بلائی از طرف شمال و شکست عظیمی رو خواهد داد.
- ۲ و من آن دختر جمیل و لطیف یعنی دختر صهیون را منقطع خواهم ساخت.
- ۳ و شبانان با گله های خویش نزدی خواهند آمد و خیمه های خود را گرداگرد او برپا نموده، هر یک در جای خود خواهند چرانید.
- ۴ با او جنگ را مهیاسازید و برخاسته، در وقت ظهر برآیم. وای بر ما زیرا که روز رو به زوال نهاده است و سایه های عصر دراز میشود.
- ۵ بر خیزید! و در شب برآیم تا قصر هایش را منهدم سازیم.

۶ زیرا که یهوه صباوت چنین می فرماید: «رختان را قطع نموده، مقابل اورشلیم سنگر برپا نمایید. زیرا این است شهری که سزاوار عقوبت است چونکه اندرونش تمام ظلم است.  
 ۷ مثل چشمهای که آب خود را می جوشاند همچنان او شرارت خویش را می جوشاند. ظلم و تاراج در اندرونش شنیده میشود و بیماریها و جراحات دایم در نظر من است.  
 ۸ ای اورشلیم، تادیب را بپذیر مبادا جان من از تو بیزار شود و تو را ویران و زمین غیر مسکون گردانم.»

یهوه صباوت چنین میگوید که «قیه اسرائیل را مثل موخوشه چینی خواهند کرد پس مثل کسبیکه انگور میچیند دست خود را بر شاخه هایش برگردان.»  
 کیستند که به ایشان تکلم نموده، شهادت دهم تا بشنوند. هان گوش ایشان ناخوتون است که نتواند شنید. اینک کلام خداوند برای ایشان عاگردیده است و در آن رغبت ندارند.

۱۱ و من از حدت خشم خداوند پر شده ام و از خود داری خسته گردیدم پس آن رادر کوچها بر اطفال و بر مجلس جوانان باهم بریز. زیرا که شوهر و زن هر دو گرفتار خواهند شد و شیخ با دیرینه روز.

۱۲ و خانهها و مزرعهها و زنان ایشان باهم از آن دیگران خواهند شد زیرا خداوند میگوید که «ست خود را به ضد ساکنان این زمین دراز خواهم کرد.»

۱۳ چونکه جمیع ایشان چه نبرد و چه بزرگ، پراز طمع شده اند و همگی ایشان چه نبی و چه کاهن، فریب را بعمل میآورند.

۱۴ و جراحات قوم مراندک شفایی دادند، چونکه میگویند سلامتی است، سلامتی است با آنکه سلامتی نیست.»

ایا چون مرتکب رجاسات شدند نجل گردیدند؟ نی ابد نجل نشدند بلکه حیار احساس نمودند. بنابراین خداوند میگوید که «رمیان افتادگان خواهند افتاد و حینی که من به ایشان عقوبت رسانم خواهند لغزید.»

خداوند چنین میگوید: «رطریق‌ها بایستید و ملا حظه نمایید و در باره طریق‌های قدیم سؤال نمایید که طریق نیکو کدام است تا در آن سلوک نموده، برای جان خود راحت بیابید، لیکن ایشان جواب دادند که در آن سلوک نخواهیم کرد.

۱۷ و من یاسانان بر شما گاشتم) ه میگفتند: (به آواز کرنا گوش دهید، اما ایشان گفتند گوش نخواهیم داد.

۱۸ پسای امت هابشنوید و ای جماعت آنچه را که در میان ایشان است بدانید! ای زمین بشنو اینک من بلایی بر این قوم میآورم که شره خیالات ایشان خواهد بود زیرا که به کلام من گوش ندادند و شریعت مرا نیز ترک نمودند.

۲۰ چه فایده دارد که بخور از سبا و قصب الذریره از زمین بعید برای من آورده میشود. قربانی‌های سوختنی شما مقبول نیست و ذبایح شما پسندیده من نیست.

بنابرین خداوند چنین میگوید: «ینک من پیش روی این قوم سنگهای لغزش دهنده خواهم نهاد و پدران و پسران باهم از آنها لغزش خواهند خورد و ساکن زمین با همسایه‌هاش هلاک خواهند شد.»

خداوند چنین میگوید: «ینک قومی از زمین شمال میآورم و امتی عظیم از اقصای زمین خواهند برخاست.

۲۳ و کمان و نیزه خواهند گرفت. ایشان مردان ستمکیش میباشند که ترحم

ندارند. به آواز خود مثل دریا شورش خواهند نمود و پراسبان سوار شده، مثل مردان جنگی به ضد تو ای دختر صهیون صف آرای خواهند کرد.»

آوازه این را شنیدیم و دستهای ماسست گردید. تنگی و درد مثل زنی که میزاید ما را در گرفته است.

۲۵ به صحرا بیرون میشود و به راه مروید زیرا که شمشیر دشمنان و خوف از هر طرف است.

۲۶ ای دختر قوم من یلاس بیوش و خویشتر را در خاکستر بغلطان. ماتم پسر یگانه و نوحه گری تلخ برای خود بکن زیرا که تاراج کننده ناگهان بر ما میآید.

۲۷ تو را در میان قوم خود امتحان کننده و قلعه قرار دادم تا راههای ایشان را بفهمی و امتحان کنی.

۲۸ همه ایشان سخت متمرّد شدند و برای تمامی کردن گردش میکنند. برنج و آهن میباشند و جمیع ایشان فساد کنند هاند.

۲۹ دم پرزور میدمد و سرب در آتش فانی میگردد و قالگربث قال میگذازد زیرا که شریران جدا نمی شوند.

۳۰ نقره ترک شده نامیده میشوند زیرا خداوند ایشان را ترک کرده است.

### بطالت خدایان غیر

کلامی که از جانب خداوند به ارمیا نازل شده، گفت:

«در وازه خانه خداوند بایست و این کلام را در آنجا ندا کرده، بگو: ای تمامی یهودا که به این دروازه ها داخل شده، خداوند را سجده مینمایید کلام خداوند را بشنوید.

۳ یهوه صبیوت خدای اسرائیل چنین میگوید: طریقه ها و اعمال خود را اصلاح کنید و من شمارا در این مکان ساکن خواهم گردانید.

۴ به سخنان دروغ تو کل مینمایید و مگوید که هیکل یهوه، هیکل یهوه، هیکل یهوه این است.

۵ زیرا اگر به تحقیق طریقه ها و اعمال خود را اصلاح کنید و انصاف را در میان یکدیگر بعمل آورید،

و بر غریبان و یتیمان و بیوه زنان ظلم ننمایید و خون بیگانهان را در این مکان نریزید و خدایان غیر را به جهت ضرر خویش پیروی ننمایید،

آنگاه شمارا در این مکان در زمین که به پدران شما از ازل تا به ابد دادا هم ساکن خواهم گردانید.

۸ اینک شما به سخنان دروغی که منفعت ندارد توکل مینمایید.

۹ آیا مرتکب دزدی و زنا و قتل نمی شوید و به دروغ قسم نمی خورید و برای بعل بخور نمی سوزانید؟ و آیا خدایان غیر را که نمی شناسید پیروی نمی نمایید؟

و داخل شده، به حضور من در این خانهای که به اسم من مسمی است میایستید و میگوید که به گردن تمام این رجاسات سپرده شده ایم.

۱۱ آیا این خانهای که به اسم من مسمی است در نظر شما مغاره دزدان شده است؟ و

خداوند میگوید: اینک من نیز این را دیدهام.

۱۲ لکن به مکان من که در شیلو بود و نام خود را اول در آنجا قرار داده بودم بروید و آنچه را که به سبب شرارت قوم خود اسرائیل به آنجا کرده ام ملاحظه نمایید.

۱۳ پس حال خداوند میگوید: از آنرو که تمام این اعمال را بجا آوردید با آنکه من صبح زود برخاسته، به شما تکلم نموده، سخن راندم اما نشنیدید و شمارا خواندم اما جواب ندادید.

۱۴ از این جهت به این خانهای که به اسم من مسمی است و شما به آن توکل دارید و به مکانی که به شما و به پدران شما دادم به نوعی که به شیلو عمل نمودم عمل خواهم کرد.

۱۵ و شمارا از حضور خود خواهم راند به نوعی که جمیع برادران شما یعنی تمام ذریت افرایم را راندم.

۱۶ پس تو برای این قوم دعا مکن و به جهت ایشان آواز تضرع و استغاثه بلند منما و نزد من شفاعت مکن زیرا که من تو را اجابت نخواهم نمود.

۱۷ آیا آنچه را که ایشان در شهرهای یهودا و کوچه های اورشلیم میکنند نمی بینی؟

پسران، هیزم جمع میکنند و پدران، آتش میافروزند و زنان، خمیر می سرشند تا قرصها برای ملکه آسمان بسازند و هدایای ریختنی برای خدایان غیر ریخته مرمت می سازند.

۱۹ اما خداوند میگوید آیا مرمت می سازند؟ نی بلکه خویشان راتار و پهای خود را رسوا سازند.

۲۰ بنابراین خداوند یهوه چنین میگوید: اینک خشم و غضب من بر این مکان بر انسان و بر هیام و بر درختان صحرا و بر محصول زمین ریخته خواهد شد و افروخته شده، خاموش نخواهد گردید.

«هوه صباوت خدای اسرائیل چنین میگوید: قربانی های سوختنی خود را بر ذبایح خویش مزید کنید و گوشت بخورید.

۲۲ زیرا که به پدران شما سخن نگفتم و در روزی که ایشان را از زمین مصر بیرون آوردم آنها را در باره قربانی های سوختنی و ذبایح امر نفرمودم.

۲۳ بلکه ایشان را به این چیز امر فرموده، گفتم که قول مرا بشنوید و من خدای شما خواهم



بود و شما قوم من خواهید بود و بهر طریقی که به شما حکم نمایم سلوک نمائید تا برای شما نیکو باشد.

۲۴ اما ایشان نشنیدند و گوش خود را فرانداشتند بلکه بر حسب مشورتها و سرکشی دل شیر خود رفتار نمودند و به عقب افتادند و پیش نیامدند.

۲۵ از روزی که پدران شما از زمین مصر بیرون آمدند تا امروز جمیع بندگان خود انبیا را نزد شما فرستادم بلکه هر روز صبح زود برخاسته، ایشان را ارسال نمودم.

۲۶ اما ایشان نشنیدند و گوش خود را فرانداشتند بلکه گردن خویش را سخت نموده، از پدران خود بدتر عمل نمودند.

۲۷ پس تو تمامی این سخنان را به ایشان بگو اما تو را نخواهند شنید و ایشان را بخوان اما ایشان تو را جواب نخواهند داد.

۲۸ و به ایشان بگو: اینان قومی میباشند که قول یهوه خدای خویش را نمی شنوند و تادیب نمی پذیرند زیرا راستی ناپدید گردیده و از دهان ایشان قطع شده است.

۲۹ ی اورشلیم (موی خود را تراشیده، دور بینداز و بر بلندیاها و از نوحه برافراز زیرا خداوند طبقه مغضوب خود را رد و ترک نموده است.

### وادی حنوم

«ونکه خداوند میگوید بنی یهود آنچه را که در نظر من ناپسند است بعمل آوردند و رجاسات خویش را در خانههای که به اسم من مسمی است برپا نموده، آن را نجس ساختند.

۳۱ و مکانهای بلند خود را در توفت که در وادی ابن حنوم است بنا نمودند تا پسران و دختران خویش را در آتش بسوزانند که من اینکار را امر نفرموده بودم و بخاطر خویش نیاورده.

۳۲ بنابراین خداوند میگوید: اینک روزها میآید که آن بار دیگر به توفت و وادی ابن حنوم مسمی نخواهد شد بلکه به وادی قتل و در توفت دفن خواهند کرد تا جایی باقی نماند.

۳۳ و لاشهای این قوم خوراکی مرغان هوا و جانوران زمین خواهد بود و کسی آنها را نخواهد ترسانید.

۳۴ و از شهرهای یهود او کوچههای اورشلیم آواز شادمانی و آواز خوشی و صدای داماد و صدای عروس را ناپدید خواهد ساخت زیرا که آن زمین ویران خواهد شد.»

### خداوند میگوید که «ران زمان

استخوانهای پادشاهان یهودا و استخوانهای سرورانش و استخوانهای کهنه و استخوانهای انبیا و استخوانهای سکنه اورشلیم را از قبرهای ایشان بیرون خواهند آورد.

۲ و آنها را پیش آفتاب و ماه و تمامی لشکر آسمان که آنها را دوست داشته و عبادت کرده و پیروی نموده و جستجو و بجده کرده اند پهن خواهند کرد و آنها را جمع نخواهند نمود و دفن نخواهند کرد بلکه بر روی زمین سرگین خواهد بود.

۳ و یهوه صبا یوت میگوید که تمامی بقیه این قبیله شیر که باقی میمانند در هر مکانی که باقیمانده باشند و من ایشان را بسوی آن رانده باشم مرگ را بر حیات ترجیح خواهند داد.

### گاه و مجازات

«ایشان را بگو خداوند چنین میفرماید: اگر کسی بیفتد آیا نخواهد برخاست و اگر کسی مرتد شود آیا بازگشت نخواهد نمود؟

پس چرا این قوم اورشلیم به ارتداد دایمی مرتد شده اند و به فریب متمسک شده، از بازگشت نمودن ابامی نمایند؟

من گوش خود را فراداشته، شنیدم اما براستی تکلم نمودند و کسی از شرارت خویش توبه نکرده و نگفته است چه کرده ام بلکه هر یک مثل اسبی که به جنگ میدود به راه خود رجوع میکند.

۷ لفاق نیز در هوا موسم خود را می داند و فاخته و پرستوک و کلنک زمان آمدن خود را نگاه میدارند لیکن قوم من احکام خداوند را نمی دانند.

۸ چگونه میگوید که ما حکیم هستیم و شریعت خداوند با ما است. به تحقیق قلم کاذب کاتبان به دروغ عمل مینماید.

۹ حکیمان شرمنده و مدهوش و گرفتار شده اند. اینک کلام خداوند را ترک نمود هاند پس چه نوع حکمتی دارند.

۱۰ بنابراین زنان ایشان را به دیگران خواهیم داد و مزرعه های ایشان را به مالکان دیگر. زیرا که جمیع ایشان چه خرد و چه بزرگ پرا ز طمع میباشند و همگی ایشان چه نبی و چه کاهن

به فریب عمل مینمایند.

۱۱ و جراحات قوم مرا اندک شفایی داد هاند چونکه میگویند سلامتی است، سلامتی است، با آنکه سلامتی نیست.

۱۲ آیا چون مرتکب رجاسات شدند نجمل گردیدند؟ فی ابد نجمل نشدند بلکه حیار احساس نمودند بنا بر این خداوند می گوید: در میان افتادگان خواهند افتاد و حینی که من به ایشان عقوبت رسانم خواهند لغزید.»

خداوند میگوید: «ایشان را بالکل تلف خواهم نمود که نه انگور بر موونه انجیر بر درخت انجیر یافت شود و برگها پرموده خواهد شد و آنچه به ایشان بدهم از ایشان زایل خواهد شد.» پس ما چرا مینشینیم؟ جمع بشوید تا به شهرهای حصاردار داخل شویم و در آنها ساکت باشیم. زیرا که یهوه خدای ما را ساکت گردانیده و آب تلخ به مانوشانیده است زانرو که به خداوند نگاه ورزیدهایم.

۱۵ برای سلامتی انتظار کشیدیم اما هیچ خیر حاصل نشد و برای زمان شفا و اینک آشفستگی پدید آمد.

۱۶ صهیل اسبان او از دان شنیده شد و از صدای شیهه زور آوایش تمامی زمین متزلزل گردید زیرا که آمد هاند و زمین و هر چه در آن است و شهر و ساکنانش را خورد هاند.

۱۷ زیرا خداوند میگوید: «ینک من در میان شما مارها و افعیها خواهم فرستاد که آنها را افسون نتوان کرد و شمارا خواهند گزید.»

کاش که از غم خود تسلی مییافتم. دل من در اندرونم ضعف بهم رسانیده است.

۱۹ اینک آواز تضرع دختر قوم من از زمین دور میآید که آیا خداوند در صهیون نیست و مگر پادشاهش در آن نیست پس چرا خشم مرا به تبهای خود و اباطیل بیگانه به هیجان آوردند؟

موسم حصاد گذشت و تابستان تمام شد و مانجات نیافتیم.

۲۱ به سبب جراحات دختر قوم خود مجروح شده و ماتم گرفته ام و حیرت مرا فرو گرفته است.

۲۲ آیا بلسان در جلعاد نیست و طیبی در آن نی؟ پس دختر قوم من چرا شفا نیافته است؟

کاش که سر من آب میبود و چشمانم

چشمه اشک. تار و زو شب برای کشتگان دختر قوم خود گریه می کردم.

۲ کاش که در بیابان منزل مسافران می داشتم تا قوم خود را ترک کرده، از نزد ایشان میرفتم چونکه همگی ایشان زنا کار و جماعت خیانت کارند.

۳ زبان خویش را مثل کمان خود به دروغ میکشند. در زمین قوی شده اند اما نه برای راستی زیرا خداوند میگوید: «ز شرارت به شرارت ترقی میکنند و مرا نمی شناسند.» هر یک از همسایه خویش با حذر یا شید و به هیچ برادر اعتماد ننمایید زیرا هر برادر را زیا در می آورد و هر همسایه به تمامی گردش میکند.

۵ و هر کس همسایه خود را فریب میدهد و ایشان را راستی تکلم نمی نمایند و زبان خود را به دروغ گویی آموخته اند و از بجز رفتاری خسته شده اند.

۶ خداوند میگوید که «سکن تو در میان فریب است و از مکر خویش نمی خواهند که مرا بشناسند.»

بنابراین یهوه صبا یوت چنین میگوید: «ینک من ایشان را قال گذاشته، امتحان خواهم نمود. زیرا به خاطر دختر قوم خود چه توانم کرد؟

زبان ایشان تیر مهلک است که به فریب سخن میراند. به زبان خود با همسایه خویش سخنان صلاحاً میز میگویند، اما در دل خود برای او کین میگذارند.» پس خداوند میگوید: «با به سبب این چیزها ایشان را عقوبت نرسانم و آیا جانم از چنین قومی انتقام نکشد؟»

برای کوهها گریه و نوحه گری و برای مرتعهای بیابان ماتم برپا می کنم زیرا که سوخته شده است و احدی از آنها گذر نمی کند و صدای مواشی شنیده نمی شود. هم مرغان هوا و هم بهایم فرار کرده و رفته اند.

۱۱ و اورشلیم را به توده ها و ماوای شغالها مبدل می کنم و شهرهای یهودا و ایران و غیر مسکون خواهم ساخت.

۱۲ کیست مرد حکیم که این را بفهمد و کیست که دهان خداوند به وی سخن گفته باشد تا از این چیزها اخبار نماید که چرا زمین خراب و مثل بیابان سوخته شده است که احدی از آن گذر نمی کند.

پس خداوند میگوید: «ونکه شریعت مرا که پیش روی ایشان گذاشته بودم ترک کردند و آواز مرا نشنیدند و در آن سلوک ننمودند، بلکه پیروی سرکشی دل خود را نمودند، و از عقب بعلم که پدران ایشان آنها را به ایشان آموختند رفتند.»

از این جهت یهوه صبیوت خدای اسرائیل چنین میگوید: «ینک من افسنتین را خوراک این قوم خواهم ساخت و آب تلخ به ایشان خواهم نوشانید.»

۱۶ ایشان را در میان امت هابی که ایشان و پدران ایشان آنها را شناختند پراکنده خواهم ساخت و شمشیر را در عقب ایشان خواهم فرستاد تا ایشان را هلاک نمایم.»

یهوه صبیوت چنین میگوید: «فکر کنید و زنان نوحه گرا بخوانید تا بیابند و در پی زنان حکیم بفرستید تا بیابند.»

و ایشان تعجیل نموده، برای ما ماتم برپا کنند تا چشمان ما اشکها بریزد و مرگان ما آب جاری سازد.

۱۹ زیرا که آواز نوحه گری از صهیون شنیده میشود که چگونه غارت شدیم و چه بسیار نجل گردیدیم چونکه زمین را ترک کردیم و مسکنهای ما ما را بیرون انداختهاند.

۲۰ پسای زنان، کلام خداوند را بشنوید و گوشهای شما کلام دهان او را بپذیرد و شما به دختران خود نوحه گری را تعلیم دهید و هر زن به همسایه خویش ماتم را.

۲۱ زیرا موت به پنجره های ما برآمده، به قصرهای ما داخل شده است تا اطفال را از بیرون و جوانان را از چهارسوها منقطع سازد.

خداوند چنین میگوید: «گو که لاشهای مردمان مثل سرگین بر روی صحرا و مانند بافه در عقب دروگرافتاده است و کسی نیست که آن را برچیند.»

خداوند چنین میگوید: «کیم، از حکمت خود نخرنماید و جبار، از تنومندی خویش

مفتخر نشود و دولتند از دولت خود افتخار نکنند.  
 ۲۴ بلکه هر که نخر نماید از این نخر بکند که فهم دارد و مرا میشناسد که من یهوه هستم  
 که رحمت و انصاف و عدالت را در زمین بجامیآ ورم زیرا خداوند میگوید در این چیزها مسرور  
 میباشم.»

خداوند میگوید: «ینک ایامی میآید که ناخختونان را باخختونان عقوبت خواهیم رسانید.  
 ۲۶ یعنی مصر و یهودا و اودوم و بنی عمون و موآب و آنانی را که گوشه های موی خود را می  
 تراشند و در صحرا ساکنند. زیرا که جمیع این امتهای ناخختونند و تمامی خاندان اسرائیل  
 در دل ناخختونند.»

### خداوند و بتها

ای خاندان اسرائیل کلامی را که خداوند به شما میگوید بشنوید!  
 خداوند چنین میگوید: «ریق امتهای اید مگیرید و از علامات افلاک مترسید زیرا که  
 امتهای آنها میترسند.

۳ چونکه رسوم قومها باطل است که ایشان درختی از جنگل با تبر می برند که صنعت  
 دستهای نجار میباشد.

۴ و آن راه نقره و طلا زینت داده، بامیخ و چکش محکم میکنند تا متحرک نشود.  
 ۵ و آنها مثل مترس در بوستان خیار میباشند که سخن غمی توانند گفت و آنها را میباید  
 برداشت چونکه راه غمی توانند رفت. از آنها مترسید زیرا که ضرر نتوانند رسانید و  
 قوت نفع رسانیدن هم ندارند.»

ای یهوه مثل تو کسی نیست! تو عظیم هستی و اسم تو در قوت عظیم است!  
 ای پادشاه امتها کیست که از تو ترسد زیرا که این به تو میشاید چونکه در جمیع حکیمان  
 امتهای در تمامی ممالک ایشان مانند تو کسی نیست.

۸ جمیع ایشان وحشی و احمق میباشند تا دیب اباطیل (چوب) است.  
 ۹ نقره کوبیده شده از ترشیش و طلا از اوفاز که صنعت صنعتگر و عمل دستهای زرگر  
 باشد میآورند. لاجورد و ارغوان لباس آنها و همه اینها عمل حکمت پیشگان است.  
 ۱۰ اما یهوه خدای حق است و او خدای حی و پادشاه سرمدی میباشد. از غضب

اوزمین متزلزل میشود و امتها قهر او را متحمل نتوانند شد.  
 ۱۱ به ایشان چنین بگوید: «دایانی که آسمان وزمین را نساخته اند از روی زمین و از زیر آسمان تلف خواهند شد.»

اوزمین رابه قوت خود ساخت و ربع مسکون رابه حکمت خویش استوار نمود و آسمان رابه عقل خود گسترانید.

۱۳ چون آوازی دهد غوغای آبهادر آسمان پدید میآید. ابرها از اقصای زمین برمی آورد و بر قها برای باران میسازد و یاد را از خزانه های خود بیرون میآورد.

۱۴ جمیع مردمان و وحشیانند و معرفت ندارند و هر که تمثالی میسازد نجل خواهد شد. زیرا که بت ریخته شده او دروغ است و در آن هیچ نفس نیست.

۱۵ آنها باطل و کار مسخرگی میباشند در روزی که به محاکمه میآیند تلف خواهند شد. او که نصیب یعقوب است مثل آنها نمی باشد. زیرا که او سازنده همه موجودات است و اسرائیل عصای میراث وی است و اسم او یهوه صباوت میباشند.

ای که در تنگی ساکن هستی، بسته خود را از زمین بردار!

زیرا خداوند چنین میگوید: «ینک من این مرتبه ساکنان این زمین را از فلاخن خواهانداخت و ایشان رابه تنگ خواهیم آورد تا بفهمند.»

وای بر من بهسبب صدمه من.

خیمه من خراب شد و تمامی طنابهای من گسیخته گردید، پسرا من بیرون رفته، نایاب شدند. کسی نیست که خیمه مرا پهن کند و پرده های مرا برپا نماید.

۲۱ زیرا که شبانان وحشی شده اند و خداوند را طلب نمی نمایند بنابراین کامیاب نخواهند شد و همه گله های ایشان پراکنده خواهد گردید.

۲۲ اینک صدای خبری میآید و اضطراب عظیمی از دیار شمال. تاشهرهای یهودا را ویران و ماوای شغالها سازد.

### دعای ارمیا

ای خداوند میدانم که طریق انسان از آن او نیست و آدمی که راه میرود قادر بر هدایت قدمهای خویش نمی باشد.

۲۴ ای خداوند مرا تادیب نما ما به انصاف و نه به غضب خود مباد امر اذلیل سازی.

۲۵ غضب خویش را بر امت هائی که تورا نمی شناسند بریز. و بر قبیله هائی که اسم تو را نمی خوانند، زیرا که ایشان یعقوب را خوردند و او را بلعیده، تباہ ساختند و مسکن او را خراب نمودند.

### شکستن عهد

این است کلامی که از جانب خداوند به ارمیا نازل شده، گفت:  
«لام این عهد را بشنوید و به مردان یهودا و ساکنان اورشلیم بگویید.

۳ و توبه ایشان بگویید و به خدای اسرائیل چنین میگوید: ملعون باد کسی که کلام این عهد را نشنود.

۴ که آن را به پدران شما در روزی که ایشان را از زمین مصر از کوره آهنین بیرون آوردم امر فرموده، گفتم قول مرا بشنوید و موافق هر آنچه به شما امر بفرمایم آن را بجا بیاورید تا شما قوم من باشید و من خدای شما باشم.

۵ و تا قسمی را که برای پدران شما خوردم و فغانم که زمین را که به شیر و عسل جاری است چنانکه امروز شده است به ایشان بدهم.» پس من در جواب گفتم: «ای خداوند آمین.»

پس خداوند مرا گفت: «مأم این سخنان را در شهرهای یهودا و کوچه های اورشلیم ندا کرده، بگو که سخنان این عهد را بشنوید و آنها را بجا آورید.

۷ زیرا از روزی که پدران شما را از زمین مصر بر آوردم تا امروز ایشان را تا کید سخت نمودم و صبح زود برخاسته، تا کید نموده، گفتم قول مرا بشنوید.

۸ اما نشنیدند و گوش خود را فرانداشتند بلکه پیروی سرکشی دل شیر خود را نمودند. پس تمام سخنان این عهد را بر ایشان وارد آوردم چونکه امر فرموده بودم که آن را وفا نمایند اما وفا نمودند.»

و خداوند مرا گفت: «تنهای در میان مردان یهودا و ساکنان اورشلیم پیدا شده است.

۱۰ به خطایای پدران پیشین خود که از شنیدن این سخنان ابا نمودند برگشتند و ایشان خدایان غیر را پیروی نموده، آنها را عبادت نمودند. و خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهدی را که با پدران ایشان بسته بودم شکستند.»



بنابراین خداوند چنین میگوید: «ینک من بلایی را که از آن نتواند درست برایشان خواهم آورد. و نزد من استغاثه خواهند کرد اما ایشان را اجابت نخواهم نمود.

۱۲ و شهرهای یهودا و ساکنان اورشلیم رفته، نزد خدایانی که برای آنها بخور میسوزانیدند فریاد خواهند کرد اما آنها در وقت مصیبت ایشان هرگز ایشان را نجات نخواهند داد. ۱۳ زیرا کهای یهودا شماره خدایان تو بقدر شهرهای تو میباشد و بر حسب شماره کوجه های اورشلیم مذبح های رسوایی برپا داشتید یعنی مذبحها به جهت بخور سوزانیدن برای بعل.

۱۴ پس تو برای این قوم در عامکن و به جهت ایشان آواز تضرع و استغاثه بلند نماز را که چون در وقت مصیبت خویش مراجخوانند ایشان را اجابت نخواهم نمود.

۱۵ محبوبه مراد در خانه من چه کار است چونکه شرارت ورزیده است. آیات تضرعات و گوشت مقدس میتواند گناه تو را از تو دور بکند؟ آنگاه میتوانستی وجد نمایی،» خداوند تو را زیون شاداب که به میوه نیکو خوشنما باشد مسمی نموده. اما به آواز غوغای عظیم آتش در آن افروخته است که شاخه هایش شکسته گردید.

۱۷ زیرا یهوه صبا یوت که تو را غرس نموده بود بلایی بر تو فرموده است به سبب شرارتی که خاندان اسرائیل و خاندان یهودا به ضد خویشان کردن و برای بعل بخور سوزانیده، خشم مرا به هیجان آوردند.

#### نقشه بضدارمیا

و خداوند مرا تعلیم داد پس دانستم. آنگاه اعمال ایشان را به من نشان دادی.

۱۹ و من مثل بره دست آموز که به مذبح بر ندم. و غمی دانستم که تدبیرات به ضد من نموده، میگفتند: «رخت را با میوه اش ضایع سازیم و آن را از زمین زندگان قطع نماییم تا اسمش دیگر مذکور نشود.»

اما یهوه صبا یوت که داور عادل و امتحان کننده باطن و دل هستی، بشود که انتقام کشیدن تو را از ایشان ببینم زیرا که دعوی خود را نزد تو ظاهر ساختم.

لذا خداوند چنین میگوید: «رباره اهل عناتوت که قصد جان تو دارند و میگویند به

نام یهوه نبوت مکن مباد از دست ما کشته شوی.  
 از این جهت یهوه صبا یوت چنین میگوید: اینک بر ایشان عقوبت خواهم رسانید. و  
 جوانان ایشان به شمشیر خواهند مرد و پسران و دختران ایشان از گرسنگی هلاک خواهند  
 شد.  
 ۲۳ و برای ایشان بقیهای نخواهد ماند زیرا که من براهل عناتوت در سال عقوبت ایشان  
 بلایی خواهم رسانید.»

### شکایت ارمیا

ای خداوند تو عادل تر هستی از اینکه من باتو محاجه نمایم. لیکن درباره احکامت  
 باتو سخن خواهم راند. چرا راه شیران بر خوردار میشود و جمیع خیانتکاران ایمن  
 میباشند؟

تو ایشان را غرس نمودی پس ریشه زدند و نغو کرده، میوه نیز آوردند. توبه دهان  
 ایشان نزدیک، اما از قلب ایشان دور.

۳ اما تو ای خداوند مرا میشناسی و مرادیده، دل مرا نزد خود امتحان کرده ای. ایشان  
 را مثل گوسفندان برای ذبح بیرون کش و ایشان را به جهت روز قتل تعیین نما.

۴ زمین تابه کی ماتم خواهند نمود و گیاه تمامی صحرا خشک خواهد ماند. حیوانات  
 و مرغان به سبب شرارت ساکنانش تلف شده اند زیرا میگویند که و آخرت ما را نخواهد  
 دید.

### جواب خداوند

ا اگر وقتی که با پیادگان دویدی تو را خسته کردند پس چگونه با اسبان میتوانی برابری کنی؟  
 و هر چند در زمین سالم، ایمن هستی در طغیان اردن چه خواهی کرد؟

زیرا که هم برادرانت و هم خاندان پدرت به تو خیانت نمودند و ایشان نیز در عقب تو صدای  
 بلند میکنند پس اگر چه سخنان نیکو به تو بگویند ایشان را باور مکن.

من خانه خود را ترک کرده، میراث خویش را دور انداختم. و محبوبه خود را  
 به دست دشمنانش تسلیم نمودم.

۸ و میراث من مثل شیر جنگل برای من گردید. و به ضد من آواز خود را بلند کرد از  
 این جهت از او نفرت کردم.

۹ آیا میراث من برایم مثل مرغ شکاری رنگارنگ که مرغان دور او را گرفته باشند شده است؟ بروید و جمیع حیوانات صحرا را جمع کرده، آنها را بیاورید تا بخورند.

۱۰ شبانان بسیار تا کستان مرا خراب کرده، میراث مرا پایمال نمودند. و میراث مرغوب مرا به بیابان ویران میدل ساختند.

۱۱ آن را ویران ساختند و آن ویران شده نزد من ماتم گرفته است. تمامی زمین ویران شده، چونکه کسی این را در دل خود راه نمی دهد.

۱۲ بر تمامی بلندیهای صحرا، تاراج کنندگان هجوم آوردند زیرا که شمشیر خداوند از کنار زمین تا کنار دیگرش هلاک میکند و برای هیچ بشری ایمنی نیست.

۱۳ گندم کاشتند و خار درویدند، خویشتن را به رنج آورده، نفع نبردند. و از محصول شما به سبب حدت خشم خداوند نجمل گردیدند.

خداوند در باره جمیع همسایگان شریر خود که ضرر میرسانند به ملکی که قوم خود اسرائیل را مالک آن ساخته است چنین میگوید: «ینک ایشان را از آن زمین برمی کنم و خاندان یهود را از میان ایشان برمی کنم».

۱۵ و بعد از برکندن ایشان رجوع خواهم کرد و برایشان ترحم خواهم نمود و هر کس از ایشان را به ملک خویش و هر کس را به زمین خود باز خواهم آورد.

۱۶ و اگر ایشان طریق های قوم مرا نیکو یاد گرفته، به اسم من یعنی به حیات یهوه قسم خورند چنانکه ایشان قوم مرا تعلیم دادند که به بعل قسم خورند، آنگاه ایشان در میان قوم من بنا خواهند شد.

۱۷ اما اگر نشنوند آنگاه آن امت را بالکل برکنده، هلاک خواهم ساخت، «کلام خداوند این است».

### کمر بند گنایی

خداوند به من چنین گفت که «رو و کمر بند گنایی برای خود بخور و آن را به کمر خود ببند و آن را در آب فرو مبر.»

پس کمر بند را موافق کلام خداوند خریدم و به کمر خود بستم.

۳ و کلام خداوند بار دیگر به من نازل شده، گفت:

«این کمر بند را که خریدی و به کمر خود بستی بگیری و به فرات رفته، آن را در شکاف صخره پنهان کن.»

پس رفتم و آن را در فرات بر حسب آنچه خداوند به من فرموده بود پنهان کردم.

۶ و بعد از مروریام بسیار خداوند مرا گفت: «رخاسته، به فرات برو و کمر بندی را که تو را امر فرمودم که در آنجا پنهان کنی از آنجا بگیری.»

پس به فرات رفتم و کنده کمر بند را از جایی که آن را پنهان کرده بودم گرفتم و اینک کمر بند پوسیده و لایق هیچکار نبود.

و کلام خداوند به من نازل شده، گفت:

«داوند چنین میفرماید: تکبر یهودا و تکبر عظیم اورشلیم را همچون تباه خواهم ساخت.

۱۰ و این قوم شریری که از شنیدن قول من ابا نموده، سرکشی دل خود را پیروی مینمایند و در عقب خدایان غیر رفته، آنها را عبادت و سجده میکنند، مثل این کمر بندی که لایق هیچکار نیست خواهند شد.

۱۱ زیرا خداوند میگوید: چنانکه کمر بند به کمر آدمی میچسبد، همچنان تمامی خاندان اسرائیل و تمامی خاندان یهودا را به خویشتن چسبانیدم تا برای من قوم واسم و نفروزینت باشند اما نشنیدند.

۱۲ پس این کلام را به ایشان بگو: یهوه خدای اسرائیل چنین میگوید: هر مشک از شراب پر خواهد شد و ایشان به تو خواهند گفت: مگر ما نمی دانیم که هر مشک از شراب پر خواهد شد؟

پس به ایشان بگو: خداوند چنین میگوید: جمیع ساکنان این زمین را با پادشاهانی که بر کرسی داود مینشینند و کاهنان و انبیا و جمیع سکنه اورشلیم را به مستی پر خواهم ساخت.

۱۴ و خداوند میگوید: ایشان را یعنی پدران و پسران را با یکدیگر بهم خواهانداخت. از هلاک ساختن ایشان شفقت و رافت و رحمت نخواهم نمود.»

### هشدار در مورد اسارت

بشنوید و گوش فرا گیرید و مغرور مشوید زیرا خداوند تکلم مینماید.

- ۱۶ برای یهوه خدای خود جلال را توصیف نماید قبل از آنکه تاریکی را پدید آورد و پایهای شمایل کوههای ظلمت بلغزد. و چون منتظر نور باشید آن رابه سایه موت مبدل ساخته، به ظلمت غلیظ تبدیل نماید.
- ۱۷ واگر این را نشنوید، جان من در خفا بهسبب تکبر شما گریه خواهد کرد و چشم من زار زار گریسته، اشکها خواهد ریخت از این جهت که گله خداوند به اسیری برده شده است.
- ۱۸ به پادشاه و ملکه بگو: «ویشن رافروتن ساخته، بنشینید زیرا که افسرهای تاجهای جلال شما افتاده است.
- شهرهای جنوب مسدود شده، کسی نیست که آنها را مفتوح سازد. و تمامی یهودا اسیر شده، بالکل به اسیری رفته است.
- ۲۰ چشمان خود را بلند کرده، آنانی را که از طرف شمال میآیند بنگرید. گلهای که به توداده شد و گوسفندان زیبایی تو جکا است؟
- اما چون او یاران را به حکمرانی تو نصب کند چه خواهی گفت؟ چونکه تو ایشان را بر ضرر خود آموخته کردهای. آیا دردها مثل زنی که میزاید تو را فرو نخواهد گرفت؟ و اگر در دل خود گویی این چیزها چرا به من واقع شده است، (دانکه بهسبب کثرت گناهات دامنهات گشاده شده و پاشنه هایت به زور برهنه گردیده است.
- ۲۳ آیا حبشی، پوست خود را تبدیل تواند نمود یا بلنگ، پیسه های خویش را؟ آنگاه شما نیز که به بدی کردن معتاد شده اید نیکویی توانید کرد؟
- و من ایشان را مثل کاه که پیش روی باد صحرا رانده شود پراکنده خواهم ساخت،»
- خداوند میگوید: «رعه تو و نصیبی که از جانب من برای تو پیوده شده این است، چونکه مرا فراموش کردی و به دروغ اعتماد نمودی.
- ۲۶ پس من نیز دامنهات را پیش روی تو منکشف خواهم ساخت و رسوایی تو دیده خواهد شد.
- ۲۷ فسق و شبیه های تو و زشتی زنا کاری تو و رجاسات تو را بر تلهای بیابان مشاهده نمودم. و ای بر تو ای اورشلیم تابه کی دیگر ظاهر نخواهی شد!»

کلام خداوند که در باره خشک سالی به ارمیانازل شد.

«هودانوحه گری میکند و دروازه هایش کاهیده شده، ماتمکنان بر زمین میشینند و فریاد او در شلیم بالا میرود.

۳ و شرفای ایشان صغیران ایشان را برای آب میفرستند و نزد حفره های روند آب نمی یابند و باظرفهای خالی برگشته، نخل و رسو امیشوند و سرهای خود را می پوشانند.  
۴ به سبب اینکه زمین منسحق شده است چونکه باران بر جهان نباریده است. فلاحان نخل شده، سرهای خود را می پوشانند.

۵ بلکه غزالهانی در صحرا میزاینند (و) ولاد خود را (رک میکنند چونکه هیچ گیاه نیست.  
۶ و گورخران بر بلندیه ایستاده، مثل شغالها برای باد دم میزنند و چشمان آنها کاهیده میگردد چونکه هیچ علفی نیست.»

ای خداوند اگر چه گاهان ما بر ما شهادت میدهد اما به خاطر اسم خود عمل نمازیرا که ارتدادهای ما بسیار شده است و به تو گناه ورزیده ایم.

۸ ای تو که امید اسرائیل و نجات دهنده او در وقت تنگی میباشی چرا مثل غریبی در زمین و مانند مسافری که برای شبی خیمه میزند شده ای؟

چرا مثل شخص متحیر و مانند جباری که نمی تواند نجات دهد هستی؟ اما تو ای خداوند در میان ما هستی و ما به نام تو نامیده شدیم پس ما را ترک منما.

خداوند به این قوم چنین میگوید: «ایشان به آواره گشتن چنین مایل بود هاند و پایهای خود را باز نداشتند. بنابراین خداوند ایشان را مقبول نمود و حال عصیان ایشان را به یاد

آورده، نگاه ایشان را جزا خواهد داد.»

و خداوند به من گفت: «رای خیریت این قوم دعا منما!

چون روزه گیرند ناله ایشان را نخواهم شنید و چون قربانی سوختنی و هدیه آردی گذرانند ایشان را قبول نخواهم فرمود بلکه من ایشان را به شمشیر و قحط و و باهلاک خواهم ساخت.»

پس گفتم: «های خداوند یهوه اینک انبیا به ایشان میگویند که شمشیر را خواهید دید و قحطی به شما نخواهد رسید بلکه شمارا در این مکان سلامتی پایدار خواهم داد.»

پس خداوند مرا گفت: «ین انبیا به اسم من به دروغ نبوت میکنند. من ایشان را

نفر ستادم و به ایشان امری نفر مودم و تکلم ننمودم، بلکه ایشان به رویاهای کاذب و سحر و بطالت و مکردهای خویش برای شمانبوت میکنند.

۱۵ بنابراین خداوند در باره این انبیا که به اسم من نبوت میکنند و من ایشان را نفر ستادم و میگویند که شمشیر و قحط در این زمین نخواهد شد میگوید که این انبیا به شمشیر و قحط کشته خواهند شد.

۱۶ و این قومی که برای ایشان نبوت میکنند در کوچه‌های اورشلیم به سبب قحط و شمشیر انداخته خواهند شد و کسی نخواهد بود که ایشان و زنان ایشان و پسران و دختران ایشان را دفن کند زیرا که شرارت ایشان را بر ایشان خواهم ریخت.

۱۷ پس این کلام را به ایشان بگو: چشمان من شبانهر و زاشک میریزد و آرامی ندارد زیرا که آن دو شیزه یعنی دختر قوم من به شکستگی عظیم و صدمه بینهایت سخت شکسته شده است.

۱۸ اگر به صحرا بیرون روم اینک کشتگان شمشیر و اگر به شهر داخل شوم اینک بیماران از گرسنگی، زیرا که هم انبیا و کهنه در زمین تجارت میکنند و هیچ نمی دانند.»

آیا بودار ابا لکل ترک کرده‌ای و آیا جانت صهیون را مکره داشته است؟ چرا ما را چنان زده‌ای که برای ماهیچ علاجی نیست؟ برای سلامتی انتظار کشیدیم اما هیچ خیری نیامد و برای زمان شفا و اینک اضطراب پدید آمد.

۲۰ ای خداوند به شرارت خود و به عصیان پدران خویش اعتراف مینمایم زیرا که به تو نگاه ورزیده‌ایم.

۲۱ به خاطر اسم خود ما را در منما. کرسی جلال خویش را خوار مسمار. عهد خود را که با ما بستیم به یاد آورده، آن را مشکن.

۲۲ آیا در میان ابا طیل امتهاستند که باران ببارانند و آیا آسمان میتواند بارش بدهد؟ مگر تو ای یهوه خدای ما همان نیستی و به تو امیدوار هستیم چونکه تو فاعل همه اینکارها میباشی.

و خداوند مرا گفت: «گرچه هم موسی و سموئیل به حضور من میایستادند جان من به این قوم مایل نمی شد. ایشان را از حضور من دور انداز تا بیرون روند.

۲ واگر به تو بگویند به بجای برن رویم، به ایشان بگو: خداوند چنین میفرماید: آنکه مستوجب موت است به موت و آنکه مستحق شمشیر است به شمشیر و آنکه سزاوار قحط است به قحط و آنکه لایق اسیری است به اسیری.

۳ و خداوند میگوید: برایشان چهار قسم خواهم گماشت: یعنی شمشیر برای کشتن و سگان برای دریدن و مرغان هوا و حیوانات صحرا برای خوردن و هلاک ساختن.

۴ و ایشان را در تمامی ممالک جهان مشوش خواهم ساخت. به سبب منسی این حزقیایادشاه یهودا و کارهایی که او در اورشلیم کرد.

۵ زیرا ای اورشلیم کیست که بر تو ترحم نماید و کیست که برای تو ماتم گیرد و کیست که یک سو برود تا از سلامتی تو پرسد؟

خداوند میگوید: چونکه تو مرا ترک کرده، به عقب برگشتی من نیز دست خود را بر تو دراز کرده، تو را هلاک ساختم زیرا که از پشیمان شدن بیزار گشتم.

۷ و ایشان را در دروازه های زمین با غربال خواهم بیخت و قوم خود را بی اولاد ساخته، هلاک خواهم نمود چونکه از راههای خود بازگشت نکردند.

۸ بیوه زنان ایشان برایم از ریگ دریا زیاد شده اند، پس برایشان در وقت ظهر بر مادر جوانان تاراج کننده های خواهم آورد و ترس و آشفتگی را بر شهر ناگهان مستولی خواهم گردانید.

۹ زاینده هفت ولد زبون شده، جان بداد و آفتاب او که هنوز روز باقی بود غروب کرد و او نخل و رسوا گردید. و خداوند میگوید: من بقیه ایشان را پیش روی دشمنان ایشان به شمشیر خواهم سپرد.

و ای بر من که تو ای مادرم مرا در جنگ جو و نزاع کننده های برای تمامی جهان زایدی. نه به ربوادادم و نه به ربوا گرفتم. معهدا هر یک از ایشان مر العنت میکنند.

۱۱ خداوند میگوید: «لبنه تو را برای نیکویی رها خواهم ساخت و هر آینه دشمن رادر وقت بلا و در زمان تنگی نزد تو متذلل خواهم گردانید.

۱۲ آیا آهن میتواند آهن شمالی و برنج را بشکند؟



توانگری و خزینه هایت رانه به قیمت، بلکه به همه گناهانت و در تمامی حدودت به تاراج خواهیم داد.

۱۴ و تو را همراه دشمنانت به زمینی که نمی دانی خواهیم کوچانید زیرا که ناری در غضب من افروخته شده شمارا خواهد سوخت.»

ای خداوند تو این را میدانی پس مر ایباد آورده، از من تفقد نما و انتقام مرا از ستمکارانم بگیر و به دیر غضبی خویش مرا تلف منما و بدان که به خاطر تور سوائی را کشیدهام.

۱۶ سخنان تو یافت شد و آنها را خوردم و کلام تو شادی و ابتهاج دل من گردید. زیرا که به نام تو ای یهوه خدای صبا یوت نامیده شده‌ام.

۱۷ در مجلس عشرت کنندگان نشستم و شادی نمودم. به سبب دست توبه تنهایی نشستم زیرا که مرا از خشم مملو ساختی.

۱۸ درد من چرا دایمی است و جراحت من چرا مهلک و علاج ناپذیر می‌باشد؟ آیات تو برای من مثل چشمه فریبنده و آب ناپایدار خواهی شد؟

بنابراین خداوند چنین میگوید: «گر باز گشت نمایی من بار دیگر تو را به حضور خود قایم خواهم ساخت و اگر نفایس را از ردایل بیرون کنی، آنگاه تو مثل دهان من خواهی بود و ایشان نزد تو خواهند برگشت و تو نزد ایشان باز گشت نخواهی نمود.

۲۰ و من تو را برای این قوم دیوار برنجین حصار دار خواهم ساخت و با تو جنگ خواهند نمود، اما بر تو غالب نخواهند آمد زیرا خداوند میگوید: من برای نجات دادن ورهانیان تو با تو هستم.

۲۱ و تو را از دست شیران خواهم رهانید و تو را از کف ستمکیشان فدیة خواهم نمود.»

### روزنلا

و کلام خداوند بر من نازل شده، گفت:

«رای خود زنی مگیر و تو را در این مکان پسران و دختران نباشد.

۳ زیرا خداوند در باره پسران و دخترانی که در این مکان مولود شوند و در باره مادرانی که ایشان را بزایند و پدرانی که ایشان را در این زمین تولید نمایند چنین میگوید:

به بیماریهای مهلک خواهند مرد. برای ایشان ماتم نخواهند گرفت و دفن نخواهند شد بلکه بر روی زمین سرگین خواهند بود. و به شمشیر و قسط تباه خواهند شد و لاشهای ایشان غذای مرغان هوا و وحوش زمین خواهد بود.

۵ زیرا خداوند چنین میگوید: به خانه نوحه گری داخل مشو و برای ماتم گرفتن زرو و برای ایشان تعزیت منمازیرا خداوند میگوید که سلامتی خود یعنی احسان و مراحم خویش را از این قوم خواهم برداشت.

۶ هم بزرگ و هم کوچک در این زمین خواهند مرد و دفن نخواهند شد. و برای ایشان ماتم نخواهند گرفت و خویشان را مجرد نخواهند ساخت و موی خود را نخواهند تراشید.

۷ و برای ماتم گری نان را پاره نخواهند کرد تا ایشان را برای مردگان تعزیت نمایند و کاسه تعزیت را با ایشان برای پدر یا مادر ایشان هم نخواهند نوشید.

۸ و توبه خانه بزم داخل مشو و با ایشان برای اکل و شرب منشین.

۹ زیرا که یهوه صباوت خدای اسرائیل چنین میگوید: اینک من در ایام شما و در نظر شما آواز خوشی و آواز شادمانی و آواز داماد و آواز عروس را از این مکان خواهم برداشت.

۱۰ و هنگامی که همه این سخنان را به این قوم بیان کنی و ایشان از تو بپرسند که خداوند از چه سبب تمامی این بلای عظیم را به ضد ما گفته است و عصیان و گناهی که به یهوه خدای خود ورزیدهایم چیست؟

آنگاه توبه ایشان بگو: خداوند میگوید: از این جهت که پدران شما مرا ترک کردند و خدایان غیر را پیروی نمودند، آنها را عبادت و سجده نمودند و مرا ترک کرده، شریعت مرا نگاه نداشتند. ۱۲ و شما از پدران خویش زیاده شرارت ورزیدید چونکه هر یک از شما سرکشی دل شریر خود را پیروی نمودید و به من گوش نگرفتید.

۱۳ بنابراین من شمار از این زمین به زمینی که شما و پدران شما ندانستاید خواهانم و اخت و در آنجا شبانه روز خدایان غیر را عبادت خواهید نمود زیرا که من بر شما ترحم نخواهم نمود.

«نابر این خداوند میگوید: اینک ایامی میآید که بار دیگر گفته خواهد شد قسم به حیات

یهوه که بنیاسرائیل را از زمین مصر بیرون آورد.

۱۵ بلکه قسم به حیات یهوه که بنیاسرائیل را از زمین شمال و همه زمینهایی که ایشان را به آنها رسانده بود بر آورد. زیرا من ایشان را به زمینی که به پدران ایشان داد هام باز خواهم آورد.

۱۶ خداوند میگوید: اینک ماهی گیران بسیار را خواهم فرستاد تا ایشان را صید نمایند و بعد از آن صیادان بسیار را خواهم فرستاد تا ایشان را از هر کوه و هر تل و از سوراخهای صخره ها شکار کنند.

۱۷ زیرا چشم نام بر همه راههای ایشان است و آنها از نظر من پنهان نیست و عصیان ایشان از چشمان من مخفی نی.

۱۸ و من اول عصیان و گناهان ایشان را مکافات مضاعف خواهم رسانید چونکه زمین مرا به لاشهای رجاسات خود ملوث نموده و میراث مرا به مکروهات خویش مملو ساخته اند.» ای خداوند که قوت من و قلعه من و در روز تنگی پناهگاه من هستی! امتها از کرانهای زمین نزد تو آمده، خواهند گفت: پدران ما جز دروغ و باطیل و چیزهایی را که فایده نداشت وارث هیچ نشدند.

۲۰ آیا میشود که انسان برای خود خدایان بسازد و حال آنکه آنها خدا نیستند؟ «نار این هان این مرتبه ایشان را عارف خواهم گردانید بلی دست خود و جبروت خویش را معروف ایشان خواهم ساخت و خواهند دانست که اسم من یهوه است.»

«ناه یهودا به قلم آهنین و نوک الماس مرقوم است. و بر لوح دل ایشان و بر شاخهای مذبح های شما منقوش است.

۲ مادامی که پسران ایشان مذبح های خود و اشیریم خویش را نزد درختان سبز و پرتلهای بلند یاد میدارند،

ای کوه من که در صحرا هستی توانگری و تمامی خزاین تو را به تاراج خواهم داد و مکان های بلند تو را نیز به سبب گناهی که در همه حدود خود ورزیدهای.

۴ و تو از خودت نیز ملک خویش را که به تو داد هام بیزار خواهی گذاشت و دشمنانت

رادرز مینی که نمی دانی خدمت خواهی نمود زیرا آتشی در غضب من افروختیاید که  
تابه ابد مشتعل خواهد بود.»

و خداوند چنین میگوید: «لعون باد کسیکه بر انسان توکل دارد و بشر را اعتماد خویش  
سازد و دلش از یهوه منحرف باشد.

۶ و او مثل درخت عمر در بیابان خواهد بود و چون نیکویی آید آن را نخواهد دید بلکه  
در مکان های خشک بیابان در زمین شوره غیر مسکون ساکن خواهد شد.»  
مبارک باد کسیکه بر خداوند توکل دارد و خداوند اعتماد او باشد.

۸ او مثل درخت نشانده بر کنار آب خواهد بود که ریشه های خویش را بسوی نهر پهن  
میکند و چون گرمای باد نخواد ترسید و برگش شاداب خواهد ماند و در خشکسالی  
اندیشه نخواهد داشت و از آوردن میوه باز نخواهد ماند.

۹ دل از همه چیز فریبنده تراست و بسیار مریض است کیست که آن را بداند؟  
«ن یهوه تفتیش کننده دل و آزماینده گرده ها هستم تا بهر کس بر حسب راه هایش و  
بر وفق ثمره اعمالش جزا دهم.»

مثل کبک که بر تختهایی که نهاده باشد بنشیند، همچنان است کسیکه مال را به بی انصافی  
جمع کند. در نصف روز هایش آن را ترک خواهد کرد و در آخرت خود احمق  
خواهد بود.

۱۲ موضع قدس ما کرسی جلال و از ازل مرتفع است.

۱۳ ای خداوند که امید اسرائیل هستی همگانی که تو را ترک نمایند نجل خواهند شد.  
آنانی که از من منحرف شوند در زمین مکتوب خواهند شد چونکه خداوند را که چشمه  
آب حیات است ترک نمود هاند.

۱۴ ای خداوند مرا شفا بده، پس شفا خواهم یافت. مرا نجات بده، پس ناجی  
خواهم شد زیرا که تو تسبیح من هستی.

۱۵ اینک ایشان به من میگویند: «لام خداوند کجاست؟ الان واقع بشود.»

و اما من از بودن شبان برای پیروی تو تعجیل نمودم و تو میدانی که یوم بلارا نخواستم. آنچه  
از لبهایم بیرون آمده به حضور تو ظاهر بود.

۱۷ برای من باعث ترس مباش که در روز بلا ملجای من تویی.

۱۸ ستمکاران من نخل شوند اما من نخل نشوم. ایشان هراسان شوند اما من هراسان نشوم. روزیلا برابر ایشان بیاور و ایشان را به هلاکت مضاعف هلاک کن.

### تقدیس سبت

خداوند به من چنین گفت که: «روز ددروازه پسران قوم که پادشاهان یهود از آن داخل میشوند و از آن بیرون میروند و نزد همه دروازه های اورشلیم بایست.

۲۰ و به ایشان بگو: ای پادشاهان یهود و تمامی یهودا و جمیع سکنه اورشلیم که از این دروازه ها داخل میشوید کلام خداوند را بشنوید!

خداوند چنین میگوید: برخیزتن با حذر باشید و در روز سبت هیچ باری حمل نکنید و آن را داخل دروازه های اورشلیم مسازید.

۲۲ و در روز سبت هیچ باری از خانه های خود بیرون میاورید و هیچ کار مکنید بلکه روز سبت را تقدیس نماید چنانکه به پدران شما امر فرمودم.»

اما ایشان نشنیدند و گوش خود را فرانداشتند بلکه گردنهای خود را سخت ساختند تا نشنوند و تادیب را نپذیرند.

۲۴ و خداوند می گوید: «گرما حقیقت بشنوید و در روز سبت، هیچ باری از دروازه های این شهر داخل نسازید و روز سبت را تقدیس نموده، هیچ کار در آن نکنید،

آنگاه پادشاهان و سروران بر کرسی داود نشستند و بر اربابها و اسبان سوار شده، ایشان و سروران ایشان مردان یهودا و ساکنان اورشلیم از دروازه های این شهر داخل خواهند شد و این شهر تا به ابد مسکون خواهد بود.

۲۶ و از شهرهای یهودا و از نواحی اورشلیم و از زمین بنیامین و از همواری و کوهستان و جنوب خواهند آمد و قربانی های سوختنی و ذبایح و هدایای آردی و بخور خواهند آورد و ذبایح تشکر را به خانه خداوند خواهند آورد.

۲۷ و اگر ما انشیده روز سبت را تقدیس نمایم و در روز سبت باری برداشته، به شهرهای اورشلیم داخل سازید آنگاه در دروازه های آتشی خواهم افروخت که قصرهای اورشلیم را خواهد سوخت و خاموش نخواهد شد.»

## خانه کوزهگر

- کلامی که از جانب خداوند به ارمیا نازل شده، گفت:
- «رخیز و به خانه کوزهگر فرود آی که در آنجا کلام خود را به تو خواهم شنوایم.»
- پس به خانه کوزهگر فرود شدم و اینک او پرچرخها کار میکرد.
- ۴ و ظرفی که از گل میساخت در دست کوزهگر ضایع شد پس دوباره ظرفی دیگر از آن ساخت بطوری که به نظر کوزهگر پسند آمد که بسازد.
- ۵ آنگاه کلام خداوند به من نازل شده، گفت:
- «داوند میگوید: ای خاندان اسرائیل آیا من مثل این کوزهگر باشم عمل نتوانم نمود زیرا چنانکه گل در دست کوزهگر است، همچنان شما ای خاندان اسرائیل در دست من میباشید.
- ۷ هنگامی که درباره امتی یا مملکتی برای کردن و منهدم ساختن و هلاک نمودن سخن گفته باشم،
- اگر آن امتی که درباره ایشان گفته باشم از شرارت خویش بازگشت نمایند، آنگاه از آن بلایی که به آوردن آن قصد نمودهام خواهم برگشت.
- ۹ و هنگامی که درباره امتی یا مملکتی به جهت بنا کردن و غرس نمودن سخن گفته باشم، اگر ایشان در نظر من شرارت ورزند و قول مرا نشنوند آنگاه از آن نیکویی که گفته باشم که برای ایشان بکنم خواهم برگشت.
- ۱۱ الان مردان یهود اوساکن اورشلیم را خطاب کرده، بگو که خداوند چنین میگوید: اینک من به ضد شما بلایی میامیزم و قصدی به خلاف شما مینمایم. پس شما هر کدام از راه زشت خود بازگشت نمائید و راهها و اعمال خود را اصلاح کنید.
- ۱۲ اما ایشان خواهند گفت: امید نیست زیرا که افکار خود را پیروی خواهیم نمود و هر کدام موافق سرکشانی دل شری خود رفتار خواهیم کرد.
- ۱۳ بنا بر این خداوند چنین میگوید: در میان امتها سوال کنید کیست که مثل این چیزها را شنیده باشد؟ و شیزه اسرائیل کار بسیار زشت کرده است.

۱۴ آیا برف لبنان از صخره صحرا باز ایستد یا آبهای سرد که از جای دور جاری میشود خشک گردد؟

زیرا که قوم من مرا فراموش کرده برای اباطیل بخور میسوزانند و آنها ایشان را از راههای ایشان یعنی از طریق های قدیم می لغزانند تا در کوره راهها به راههایی که ساخته نشده است راه بروند.

۱۶ تازمین خود را مایه حیرت و سخریه ابدی بگردانند به حدی که هر که از آن گذر کند متحیر شده، سر خود را خواهد جنبانید.

۱۷ من مثل باد شرقی ایشان را از حضور دشمنان پراکنده خواهم ساخت و در روز مصیبت ایشان پشت رابه ایشان نشان خواهم داد و نه رورا.»

آنگاه گفتند: «یابید تابه ضدار میا تدبیرها نمائیم زیرا که شریعت از کاهنان و مشورت از حکیمان و کلام از انبیاضاع نخواهد شد پس بیاید تا اورابه زبان خود بزیم و هیچ سخنش را گوش ندهیم.»

ای خداوند مرا گوش بده و آواز دشمنان مرا بشنو!

آیابدی به عوض نیکویی ادا خواهد شد زیرا که حفرهای برای جان من کنده اند. بیاد آور که چگونه به حضور تو ایستاده بودم تا در باره ایشان سخن نیکو گفته، حدت خشم تورا از ایشان بگردانم.

۲۱ پس پسران ایشان رابه قطبسپار و ایشان رابه دم شمشیر تسلیم نمودن زنان ایشان، بیاولاد و بیوه گردند و مردان ایشان به سختی کشته شوند و جوانان ایشان، در جنگ به شمشیر مقتول گردند.

۲۲ و چون فوجی برایشان ناگهان پیوری نعرهای از خانه های ایشان شنیده شود زیرا به جهت گرفتار کردن حفرهای کنده اند و دامها برای پایهایم پنهان نموده.

۲۳ اما تو ای خداوند تمامی مشورتهایی را که ایشان به قصد جان من نمود هاند میدانی. پس عصیان ایشان را میا مرزو نگاه ایشان را از نظر خویش محوم ساز بلکه ایشان به حضور تو لغزانیده شوند و در حین غضب خویش، با ایشان عمل نما.

خداوند چنین گفت: «رو کوزه سفالین از کوزه گری بخور و بعضی از مشایخ قوم و مشایخ

- کهنه راهمراه خود بردار.
- ۲ و به وادی ابن هنوم که نزد دهنه دروازه کوز هگران است بیرون رفته، سخنانی را که به تو خواهم گفت در آنجا ندا کن.
- ۳ و بگو: ای پادشاهان یهودا و سکنه اورشلیم کلام خداوند را بشنوید! یهوه صبا یوت خدای اسرائیل چنین میگوید: اینک بر این مکان چنان بلایی خواهم آورد که گوش هر کس که آن را بشنود صدا خواهد کرد.
- ۴ زانو که مرا ترک کردند و این مکان را خوار شمردند و بخورد آن برای خدایان غیر که نه خود ایشان و نه پدران ایشان و نه پادشاهان یهودا آنها را شناخته بودند سوزانیدند و این مکان را از خون بیگانهان مملو ساختند.
- ۵ و مکان های بلند برای بعل بنا کردند تا پسران خود را به جای قربانی های سوختنی برای بعل بسوزانند که من آن را امر نفرموده و نگفته و در دلم نگذاشته بود.
- ۶ بنابراین خداوند میگوید: اینک ایامی میآید که این مکان به توفت یابه وادی ابن هنوم دیگر نامیده نخواهد شد بلکه به وادی قتل.
- ۷ و مشورت یهودا و اورشلیم را در این مکان باطل خواهم گردانید و ایشان را از حضور دشمنان ایشان و به دست آنانی که قصد جان ایشان دارند خواهند باخت و لاشهای ایشان را خوراک مرغان هوا و حیوانات زمین خواهم ساخت.
- ۸ و این شهر را مایه حیرت و سخریه خواهم گردانید به حدی که هر که از آن عبور کند متحیر شده، به سبب جمیع بلا یایش سخریه خواهد نمود.
- ۹ و گوشت پسران ایشان و گوشت دختران ایشان را به ایشان خواهم خورانید و در محاصره و تنگی که دشمنان ایشان و جویندگان جان ایشان بر ایشان خواهند آورد، هر کس گوشت همسایه خود را خواهد خورد.
- ۱۰ آنگاه کوزه را به نظر آنانی که همراه تو میروند بشکن.
- ۱۱ و ایشان را بگو: یهوه صبا یوت چنین میگوید: به نوعی که کسی کوزه کوز هگرا میشکند و آن را دیگر اصلاح نتوان کرد همچنان این قوم و این شهر را خواهم شکست و ایشان را در توفت دفن خواهند کرد تا جایی برای دفن کردن باقی نماند.



۱۲ خداوند میگوید: به این مکان و به ساکنانش چنین عمل خواهم نمود و این شهر را مثل توفت خواهم ساخت.

۱۳ و خانه‌های اورشلیم و خانه‌های پادشاهان یهودا مثل مکان توفت نجس خواهد شد یعنی همه خانه‌هایی که بر بام‌های آنها بخور برای تمامی لشکر آسمان سوزانید و هدایای ریختنی برای خدایان غیر ریختند.»

پس ارمیا از توفت که خداوند او را به جهت نبوت کردن به آنجا فرستاده بود باز آمد و در صحن خانه خداوند ایستاده، به تمامی قوم گفت:

«هوه صبا یوت خدای اسرائیل چنین میگوید: اینک من بر این شهر و بر همه قریه‌هایش، تمامی بلایا را که در بارهاش گفتم وارد خواهم آورد زیرا که گردن خود را ساخت گردانیده، کلام مرا نشنیدند.»

### ارمیا و فشحور

۱ و فشحور بن امیر کاهن که ناظر اول خانه خداوند بود، ارمیانی را که به این امور نبوت می‌کرد شنید.

۲ پس فشحور ارمیای نبی رازده، او را در کندهای که نزد دروازه عالی بنیامین که نزد خانه خداوند بود گذاشت.

۳ و در فردای آن روز فشحور ارمیا را از کنده بیرون آورد و ارمیای او را گفت: «داوند اسم تو را نه فشحور بلکه ماجور مسایب خوانده است.»

۴ زیرا خداوند چنین میگوید: اینک من تو را موثر ترس خودت و جمیع دوستانت میگردانم و ایشان به شمشیر دشمنان خود خواهند افتاد و چشمانت خواهد دید و تمامی یهودا را به دست پادشاه بابل تسلیم خواهم کرد که او ایشان را به بابل به اسیری برده، ایشان را به شمشیر به قتل خواهد رسانید.

۵ و تمامی دولت این شهر و تمامی مشقت آن را و جمیع نفایس آن را تسلیم خواهم کرد و همه خزانه‌های پادشاهان یهودا را به دست دشمنان ایشان خواهم سپرد که ایشان را غارت کرده و گرفتار نموده، به بابل خواهند برد.

۶ و تو ای فشحور با جمیع سکنه خانه‌ات به اسیری خواهی درفت. و تو با جمیع

دوستانت که نزد ایشان به دروغ نبوت کردی، به بابل داخل شده، در آنجا خواهید مرد و در آنجا دفن خواهید شد.»

### شکایت ارمیا

ای خداوند مرا فریفتی پس فریفته شدم. از من زور آور تبرودی و غالب شدی. تمامی روز مضحکه شدم و هر کس مرا استهزا میکند.

۸ زیرا هر گاه می‌خواهم تکلم نمایم ناله می‌کنم و به ظلم و غارت ندا مینمایم. زیرا کلام خداوند تمامی روز برای من موجب عار و استهزا گردیده است.

۹ پس گفتم که او را ذکر نخواهم نمود و بار دیگر به اسم او سخن نخواهم گفت، آنگاه در دل من مثل آتش افروخته شد و در استخوانهایم پسته گردید و از خود داری خسته شده، باز نتوانستم ایستاد.

۱۰ زیرا که از بسیاری مذمت شنیدم و از هر جانب خوف بود و جمیع اصدقای من گفتند براوشکایت کنید و ما شکایت خواهیم نمود و مراقب لغزیدن من میباشند) میگویند) که شاید او فریفته خواهد شد تا بروی غالب آمده، انتقام خود را از او بکشیم.

۱۱ لیکن خداوند با من مثل جبار قاهر است از این جهت ستمکاران من خواهند لغزید و غالب نخواهند آمد و چونکه به فطانت رفتار ننمودند به رسوایی ابدی که فراموش نخواهند شد بینهایت نجل خواهند گردید.

۱۲ اما ای یهوه صبا یوت که عادلان را می آزمایی وگردها و دلها را مشاهده میکنی، بشود که انتقام تو را از ایشان ببینم زیرا که دعوی خویش را نزد تو کشف نمودم.

۱۳ برای خداوند بسراپید و خداوند را تسبیح بخوانید زیرا که جان مسکینان را از دست شریران رهایی داده است.

ملعون باد روزی که در آن مولود شدم و مبارک مباد روزی که مادرم مرا زاید.

۱۵ ملعون باد کسی که پدر مرا مرده داد و گفت که برای تو ولد نرینه‌ای زاید شده است و او را بسیار شادمان گردانید.

۱۶ و آنکس مثل شهرهایی که خداوند آنها را شفقت ننموده و از گون ساخت بشود و فریادی در صبح و نعره‌های در وقت ظهر بشنود.

- ۱۷ زیرا که مرا از رحم نکشت تا مادرم قبر من باشد و رحم او همیشه آبستن مانده.
- ۱۸ چرا از رحم بیرون آمدم تا مشقت و غم را مشاهده نمایم و روزهایم در نجات تلف شود؟

### رد تقاضای صدقیا

کلامی که به ارمیا از جانب خداوند نازل شد وقتی که صدقیا پادشاه، فشحور بن ملکیا و صفنیا بن معسیای کاهن رازدوی فرستاده، گفت:

«رای ما از خداوند مسألت نما زیرا که نبوکدرصر پادشاه بابل با ما جنگ میکند شاید که خداوند موافق کارهای عجیب خود با ما عمل نماید تا او را ما برگردد.»

و ارمیا به ایشان گفت: «ه صدقیا چنین بگوید:

یهوه خدای اسرائیل چنین میفرماید: اینک من اسلحه جنگ را که به دست شماست و شما با آنها پادشاه بابل و کلدانیانی که شمارا از بیرون دیوارها محاصره نمود هاند جنگ میکنند برمی گردانم و ایشان را در اندرون این شهر جمع خواهم کرد.

۵ و من به دست دراز و بازوی قوی و به غضب و وحدت و خشم عظیم با شما مقاتله خواهم نمود.

۶ و ساکنان این شهر را هم از انسان و هم از بهایم خواهم زد که به و بای سخت خواهند مرد.

۷ و خداوند میگوید که بعد از آن صدقیا پادشاه یهودا و بندگانش و این قوم یعنی آنانی را که از و با و شمشیر و قحط در این شهر باقیمانده باشند به دست نبوکدرصر پادشاه بابل و به دست دشمنان ایشان و به دست جویندگان جان ایشان تسلیم خواهم نمود تا ایشان را به دم شمشیر یکشد و او بر ایشان رافت و شفقت و ترحم نخواهد نمود.

۸ و به این قوم بگو که خداوند چنین میفرماید: اینک من طریق حیات و طریق موت را پیش شما می گذارم؛

هر که در این شهر بماند از شمشیر و قحط و وبا خواهد مرد، اما هر که بیرون رود و به دست کلدانیانی که شمارا محاصره نموده اند بیفتد، زنده خواهد ماند و جاننش برای او غنیمت خواهد شد.

۱۰ زیرا خداوند میگوید: من روی خود را بر این شهر به بدی و نه به نیکویی برگردانیدم

و به دست پادشاه بابل تسلیم شده، آن را به آتش خواهد سوزانید.

«در باره خاندان پادشاه یهودا بگو کلام خداوند را بشنوید:

ای خاندان داود خداوند چنین میفرماید: با مدد ان به انصاف داوری نماید و مغضوبان را از دست ظالمان برهانید مباد احدت خشم من به سبب بدی اعمال شما مثل آتش صادر

گردد و مشتعل شده، خاموش کنندهای نباشد.

۱۳ خداوند میگوید: ای ساکنه وادی وای صحره هامون که میگویند کیست که به ضد ما فرود آید و کیست که به مسکنهای ما داخل شود اینک من به ضد تو هستم.

۱۴ و خداوند میگوید بر حسب ثمره اعمال شما به شما عقوبت خواهم رسانید و آتشی در جنگل (این هر) خواهم افروخت که تمامی حوالی آن را خواهد سوزانید.»

### داوری پادشاهان شیر

خداوند چنین گفت: «خانه پادشاه یهودا فرود آید و در آنجا به این کلام متکلم شو

و بگو: ای پادشاه یهودا که بر کرسی داود نشستی، تو و بندگانت و قومت که به این دروازهها داخل میشوند کلام خداوند را بشنوید:

خداوند چنین میگوید: انصاف و عدالت را اجرا دارید و مغضوبان را از دست ظالمان برهانید و بر غریب و یتیمان و پیهوزنان ستم و جور ننمایید و خون بیگانهان را در این مکان مریزید.

۴ زیرا اگر این کار را بجا آورید همانا پادشاهانی که بر کرسی داود بنشینند، از دروازه های این خانه داخل خواهند شد و هر یک با بندگان و قوم خود برابر آنها و اسبان سوار خواهند گردید.

۵ اما اگر این سخنان را نشنوید خداوند میگوید که به ذات خود قسم خوردم که این خانه خراب خواهد شد.

۶ زیرا خداوند در باره خاندان پادشاه یهودا چنین میگوید: اگر چه تو نزد من جلعاد و قله لبنان میباشی لیکن من تو را به بیابان و شهرهای غیر مسکون مبدل خواهم ساخت.

۷ و بر تو خراب کنندگان که هر یک با آتش باشد معین می کنم و ایشان بهترین سروهای

آزاد تو را قطع نموده، به آتش خواهند افکند.

۸ وامت های بسیار چون از این شهر عبور نمایند به یکدیگر خواهند گفت که خداوند به این شهر عظیم چرا چنین کرده است.

۹ و جواب خواهند داد از این سبب که عهدیهوه خدای خود را ترک کردند و خدایان غیر را بنجده و عبادت نمودند.

«رای مرده گریه ننماید و برای او ماتم مگیرید. زار زار بگریید برای او که می رود زیرا که دیگر مراجعت نخواهد کرد و زمین مولد خویش را نخواهد دید.

۱۱ زیرا خداوند در باره شلوم بن یوشیا پادشاه یهودا که بجای پدر خود یوشیا پادشاه شده و از این مکان بیرون رفته است چنین می گوید که دیگر به اینجا بر نخواهد گشت.

۱۲ بلکه در مکانی که او را به اسیری برده اند خواهد مرد و این زمین را باز نخواهد دید. «ای بر آن کسی که خانه خود را به بیانصافی و کوشکهای خویش را به ناحق بنا می کند که از همسایه خود بجان خدمت میگیرد و مزدش را به او نمی دهد.

۱۴ که میگوید خانه وسیع و اطاقهای مروح برای خود بنا میکنم و پنجرهها برای خویشتن میشکافند و قف (آن را از سر و آزاد میپوشاند و با شنجرف رنگ میکند.

۱۵ آیا از این جهت که با سر و های آزاد مکارمت مینمائی، سلطنت خواهی کرد؟ آیا قدرت اکل و شرب نمی نمود و انصاف و عدالت را بجائی آورد، آنگاه برایش سعادت تندی میبود؟ فقیر و مسکین را د ادرسی مینمود، آنگاه سعادت تندی میشد. مگر شناختن من این نیست؟ خداوند میگوید:

اما چشمان و دل تو نیست جز برای حرص خودت و برای ریختن خون بیگانهان و برای ظلم و ستم تا آنها را بجای آوری.

۱۸ بنابراین خداوند در باره یهویا قیم بن یوشیا پادشاه یهودا چنین میگوید: که برایش

ماتم نخواهند گرفت و نخواهند گفت: آهای برادر من یا آهای خواهر و نوحه نخواهند کرد و نخواهند گفت: آهای آقایان جلال وی.

۱۹ کشیده شده و بیرون از دروازه های اورشلیم بجای دور انداخته شده به دفن الاغ مدفون خواهد گردید.

«فرازلبنان برآمده، فریاد برآور و آواز خود را در باشان بلند کن. و از عباریم فریاد کن زیرا که جمیع دوستانت تلف شده‌اند.»

۲۱ در حین سعادت تمدنی توبه تو سخن گفتم، اما گفتم گوش نخواهم گرفت. همین از طفولیت عادت تو بوده است که به آواز من گوش ندهی.

۲۲ باد تمامی شبانانت را خواهد چرانید و دوستانت به اسیری خواهند رفت. پس در آن وقت به سبب تمامی شرارتت نخل و رسو خواهی شد.

۲۳ ای که در لبنان ساکن هستی و آشیانه خویش را در سروهای آزاد میسازی! هنگامی که المهاودرد مثل زنی که میزاید تو را فرو گیرد چه قدر بر تو افسوس خواهند کرد؟ یهوه میگوید: به حیات من قسم که اگر چه کنیا هوا بن یهویا قیم پادشاه یهودا خاتم بردست راست من میبود هر آینه تو را از آنجا می‌کنم.

۲۵ و تو را به دست آنانی که قصد جان تو دارند و به دست آنانی که از ایشان ترسانی و به دست نبوکدرصر پادشاه بابل و به دست کلدانیان تسلیم خواهی نمود.

۲۶ و تو و مادر تو را که تو را زاید، به زمین غربی که در آن تولد نیافتید خواهانداخت که در آنجا خواهید مرد.

۲۷ اما به زمینی که ایشان بسیار آرزو دارند که به آن برگردند مراجعت نخواهند نمود.»  
ایا این مرد کنیا هو ظریفی خوار شکسته می‌باشد و یا ظریفی ناپسندیده است؟ چرا او با اولادش به زمینی که آن را نمی‌شناسند انداخته و افکنده شده‌اند؟  
ای زمینای زمینای زمین، کلام خداوند را بشنو!

خداوند چنین می‌فرماید: «بن شخص رایبا و لادو کسیکه در روزگار خود کامیاب نخواهد شد بنویس، زیرا که هیچکس از ذریت وی کامیاب نخواهد شد و بر کرسی داود نخواهد نشست، و یار دیگر در یهودا سلطنت نخواهد نمود.»

### بقیه وفادار

خداوند میگوید: «ای بر شبانانی که گله مرتع مرا هلاک و پراکنده می‌سازند.»  
بنابراین، یهوه خدای اسرائیل درباره شبانانی که قوم مرا می‌چرانند چنین میگوید: «ما گله مرا پراکنده ساخته و رانده‌اید و به آنها توجه نمودهایم. پس خداوند میگوید اینک

من عقوبت بدی اعمال شما را بر شما خواهم رسانید.

۳ و من بقیه گله خویش را از همه زمینهای که ایشان را به آنها رسانده‌ام جمع خواهم کرد و ایشان را به آغل‌های ایشان باز خواهم آورد که بار و رو بسیار خواهند شد.

۴ و برای ایشان شبانانی که ایشان را بچرانند بر پا خواهم نمود که بار دیگر ترسان و مشوش نخواهند شد و مفقود نخواهند گردید.» قول خداوند این است.

خداوند میگوید: «ینک ایامی می‌آید که شاخهای عادل برای داود برپا می‌کنم و پادشاهی سلطنت نمود، به فطانت رفتار خواهد کرد و انصاف و عدالت را در زمین بجا خواهد داشت.

۶ در ایام وی یهود نجات خواهد یافت و اسرائیل با امنیت ساکن خواهد شد و آسیبی که به آن نامیده میشود این است: یهوه صد قینو) هوه عدالت ما.

□ بنابراین خداوند میگوید: اینک ایامی می‌آید که دیگر نخواهند گفت قسم به حیات یهوه که بنیاسرائیل را از زمین مصر بر آورد.

۸ بلکه قسم به حیات یهوه که ذریت خاندان اسرائیل را از زمین شمال و از همه زمینهای که ایشان را به آنها رسانده بود بیرون آورده، رهبری نموده است و در زمین خود ساکن خواهند شد.»

### انبیای دروغین

به سبب انبیادل من در اندرونم شکسته و همه استخوانهایم مسترخی شده است، مثل شخص مست و مانند مرد مغلوب شراب از جهت خداوند و از جهت کلام مقدس او گردیدم.

۱۰ زیرا که زمین پر از زنا کاران است و به سبب لعنت زمین ماتم میکند و مرتع‌های بیابان خشک شده است زیرا که طریق ایشان بد و توانایی ایشان باطل است.

۱۱ چونکه هم انبیا و هم کاهنان منافقانند و خداوند میگوید: شرارت ایشان را هم در خانه خود یافتام.

۱۲ بنابراین طریق ایشان مثل جایهای لغزنده در تاریکی غلیظ برای ایشان خواهد بود که ایشان رانده شده در آن خواهند افتاد. زیرا خداوند میگوید که «رسال عقوبت ایشان بلا بر ایشان عارض خواهم گردانید.

- ۱۳ و در انبیای سامره حماقتی دیدهام که برای بعل نبوت کرده، قوم من اسرائیل را گمراه گردانید هاند.
- ۱۴ و در انبیای اورشلیم نیز چیز هولناک دیدم. مرتکب زنا شده، به دروغ سلوک مینمایند و دستهای شریران را تقویت میدهند مبادا هر یک از ایشان از شرارت خویش بازگشت نماید. و جمیع ایشان برای من مثل سدوم و ساکنان آن مانند عموره گردیده اند،»
- بنابر این یهوه صباوت درباره آن انبیا چنین میگوید: «ینک من به ایشان افسنتین خواهم خورائید و آب تلخ به ایشان خواهم نوشانید زیرا که از انبیای اورشلیم نفاق در تمامی زمین منتشر شده است.»
- یهوه صباوت چنین میگوید: «سخنان این انبیایی که برای شمانبوت میکنند گوش مدهید زیرا شمارا به بطالت تعلیم میدهند و رویای دل خود را بیان میکنند و نه از دهان خداوند.»
- ۱۷ و به آنانی که مرا حقیر میشمارند پیوسته میگویند: خداوند میفرماید که برای شما سلامتی خواهد بود و به آنانی که به سرکشی دل خود سلوک مینمایند میگویند که بلا به شما نخواهد رسید.
- ۱۸ زیرا کیست که به مشورت خداوند واقف شده باشد تا ببیند و کلام او را بشنود و کیست که به کلام او گوش فراداشته، استماع نموده باشد.
- ۱۹ اینک باد شدید غضب خداوند صادر شده و گردبادی دور میزند و بر سر شریران فرود خواهد آمد.
- ۲۰ غضب خداوند تا مقاصد دل او را بجانیاورد و به انجام نرساند بر نخواهد گشت. در ایام آخرین رانیکو خواهید فهمید.
- ۲۱ من این انبیا را نفرستادم لیکن دویدند. به ایشان سخن نگفتم اما ایشان نبوت نمودند.
- ۲۲ اما اگر در مشورت من قایم میمانند، کلام مرا به قوم من بیان میکردند و ایشان را از راه بد و از اعمال شریر ایشان برمی گردانیدند.
- ۲۳ یهوه میگوید: آیا من خدای نزدیک هستم و خدای دورنی؟
- و خداوند میگوید: آیا کسی خویشتن را در جای مخفی پنهان تواند نمود که من او را نبینم



مگر من آسمان وزمین را مملوئی سازم؟ کلام خداوند این است.

۲۵ سخنان انبیارا که به اسم من کاذبانه نبوت کردند شنیدم که گفتند خواب دیدم خواب دیدم.

۲۶ این تابه کی در دل انبیایی که کاذبانه نبوت میکنند خواهد بود که انبیای فریب دل خودشان میباشند،

که به خوابهای خویش که هر کدام از ایشان به همسایه خود باز میگویند خیال دارند که اسم مرا از یاد قوم من ببرند، چنانکه پدران ایشان اسم مرا برای بعل فراموش کردند.

۲۸ آن نبیای که خواب دیده است خواب را بیان کند و آن که کلام مرا دارد کلام مرا برستی بیان نماید. خداوند میگوید که ابا گندم چه کار است؟»

و خداوند میگوید: «یا کلام من مثل آتش نیست و مانند چکشی که صخره را خرد می کند؟»  
 لذا خداوند میگوید: «ینک من به ضد این انبیایی که کلام مرا از یکدیگر میدزدند هستم.»  
 و خداوند میگوید: «ینک من به ضد این انبیا هستم که زبان خویش را بکار برده، میگویند: او گفته است.»

و خداوند میگوید: «ینک من به ضد اینان هستم که به خوابهای دروغ نبوت میکنند و آنها را بیان کرده، قوم مرا به دروغها و خیالهای خود گمراه مینمایند. و من ایشان را نفرستادم و ما مورنکردم پس خداوند می گوید که به این قوم هیچ نفع نخواهند رسانید.

۳۳ و چون این قوم یانی یا کاهنی از تو سوال نموده، گویند که وحی خداوند چیست؟ پس به ایشان بگو: کدام وحی؟ قول خداوند این است که شمارا ترک خواهم نمود.

۳۴ و آن نبی یا کاهن یا قومی که گویند وحی یهوه، همانا بر آن مرد و بر خانهاش عقوبت خواهم رسانید.

۳۵ و هر کدام از شما به همسایه خویش و هر کدام به برادر خود چنین گویند که خداوند چه جواب داده است و خداوند چه گفته است؟

لیکن وحی یهوه را دیگر ذکر ننمایید زیرا کلام هر کس وحی او خواهد بود چونکه کلام خدای حی یعنی یهوه صباوت خدای ما را منحرف ساختهاید.

۳۷ و به نبی چنین بگو که خداوند به تو چه جواب داده و خداوند به تو چه گفته است؟  
 و اگر میگویند: وحی یهوه، پس یهوه چنین میفرماید چونکه این سخن یعنی وحی یهوه را گفتید  
 با آنکه نزد شما فرستاده، فرمودم که وحی یهوه را مگویند،  
 لهذا اینک من شما را بالکل فراموش خواهم کرد و شما را با آن شهری که به شما و به پدران  
 داده بودم از حضور خود دور خواهم انداخت.  
 ۴۰ و عار بدی و رسوایی جاودانی را که فراموش نخواهد شد بر شما عارض خواهم گردانید.»

### دو سبد انجیر

و بعد از آنکه نبوکدرصر پادشاه بابل یکنیا بن یهوه یاقیم پادشاه یهودا را بار و سای یهودا و  
 صنعتگران و آهنگران از اورشلیم اسیر نموده، به بابل برد، خداوند دو سبد انجیر را که پیش  
 هیکل خداوند گذاشته شده بود به من نشان داد  
 که در سبد اول، انجیر بسیار نیکو مثل انجیر نوبر بود و در سبد دیگر انجیر بسیار بد بود که  
 چنان زشت بود که نمی شود خورد.  
 ۳ و خداوند مرا گفت: «ای ارمیا چه میبینی؟» گفتم: «انجیر. اما انجیرهای نیکو،  
 بسیار نیکو است و انجیرهای بد بسیار بد است که از بدی آن را نمی توان خورد.»  
 و کلام خداوند به من نازل شده، گفت:

«هوه خدای اسرائیل چنین میگوید: مثل این انجیرهای خوب همچنان اسیران یهودا  
 را که ایشان را از اینجا به زمین کلدانیان برای نیکویی فرستادم منظور خواهم داشت.  
 ۶ و چشمان خود را بر ایشان به نیکویی خواهم انداخت و ایشان را به این زمین باز خواهم  
 آورد و ایشان را بنا کرده، منهدم نخواهم ساخت و غرس نموده، ریشه ایشان را نخواهم  
 کند.  
 ۷ و دلی به ایشان خواهم بخشید تا مرا بشناسند که من یهوه هستم و ایشان قوم من خواهند  
 بود و من خدای ایشان خواهم بود، زیرا که به تمامی دل بسوی من بازگشت خواهند نمود.»  
 خداوند چنین میگوید: «ثل انجیرهای بد که چنان بد است که نمی توان خورد، البته همچنان  
 صدقی پادشاه یهودا و روسای او و بقیه اورشلیم را که در این زمین باقیمانده اند و آتانی را که

در مصر ساکنان تسلیم خواهیم نمود.

۹ ایشان را در تمامی ممالک زمین مایه تشویش و بلا و در تمامی مکان هایی که ایشان را رانده ام عار و ضرر بالمثل و مسخره و لعنت خواهیم ساخت.

۱۰ و در میان ایشان شمشیر و ققط و وبا خواهیم فرستاد تا از زمینی که به ایشان و به پدران ایشان داده ام نابود شوند.»

### هفتاد سال اسارت

کلامی که در سال چهارم به یوایم بن یوشیا، پادشاه یهودا که سال اول نبوکدرصر پادشاه بابل بود بر او میاد باره تمامی قوم یهودا نازل شد.

۲ و ارمیای نبی تمامی قوم یهودا و جمیع سکنه اورشلیم را به آن خطاب کرده، گفت: «ز سال سیزدهم یوشیا بن آمون پادشاه یهودا تا امروز که بیست و سه سال باشد کلام خداوند بر من نازل میشد و من به شما سخن میگفتم و صبح زود برخاسته، تکلم مینمودم اما شما گوش نمی دادید.

۴ و خداوند جمیع بندگان خود انبیار از دشت فرستاد و صبح زود برخاسته، ایشان را ارسال نمود اما نشنیدید و گوش خود را فراتر گرفتید تا استماع نمایید.

۵ و گفتند: هر یک از شما از راه بد خود و اعمال شریر خویش بازگشت نمایید و در زمینی که خداوند به شما و به پدران شما از ازل تا به ابد بخشیده است ساکن باشید.

۶ و از عقب خدا بان غیر نروید و آنها را عبادت و سجده ننمایید و به اعمال دستهای خود غضب مرا به هیجان میاورید مباد ایر شما بلا برسانم.»

اما خداوند میگوید: «را اطاعت نمودید بلکه خشم مرا به اعمال دستهای خویش برای بلای خود به هیجان آوردید.»

بنابراین یهوه صبا یوت چنین میگوید: «ونکه کلام مرا نشنیدید،

خداوند میگوید: اینک من فرستاده، تمامی قبایل شمال را باینده خود نبوکدرصر پادشاه بابل گرفته، ایشان را بر این زمین و بر ساکنانش و بر همه امت هایی که به اطراف آن میباشند خواهیم آورد و آنها را بالکل هلاک کرده، دهشت و مسخره و خرابی ابدی خواهیم ساخت.

۱۰ واز میان ایشان آواز شادمانی و آواز خوشی و صدای داماد و صدای عروس و صدای آسیا و روشنایی چراغ را نابود خواهیم گردانید.

۱۱ و تمامی این زمین خراب و ویران خواهد شد و این قوم هفتاد سال پادشاه بابل را بنده گی خواهند نمود.»

و خداوند میگوید که «عدا از انقضای هفتاد سال من بر پادشاه بابل و بر آن امت و بر زمین کلدانیان عقبوت نگاه ایشان را خواهیم رسانید و آن را به خرابی ابدی مبدل خواهیم ساخت. ۱۳ و بر این زمین تمامی سخنان خود را که به ضد آن گفتهام یعنی هر چه در این کتاب مکتوب است که از میان آن رادرباره جمیع امتها نبوت کرده است خواهیم آورد.

۱۴ زیرا که امت های بسیار و پادشاهان عظیم ایشان را بنده خود خواهند ساخت و ایشان را موافق افعال ایشان و موافق اعمال دستهای ایشان مکافات خواهیم رسانید.»  
سه غضب خدا

زانرو که یهوه خدای اسرائیل به من چنین گفت که «اسه شراب این غضب را از دست من بگیر و آن را به جمیع امت هایی که تو را نزد آنها می فرستم بنوشان.

۱۶ تا بپاشامند و به سبب شمشیری که من در میان ایشان میفرستم توان شوند و دیوانه گردند.»

پس کاسه را از دست خداوند گرفتم و به جمیع امت هایی که خداوند مرا نزد آنها فرستاد نوشانیدم.

۱۸ یعنی به اورشلیم و شهرهای یهودا و پادشاهانش و سرورانش تا آنها را خرابی و دهشت و سخریه و لعنت چنانکه امروز شده است گردانم.

۱۹ و به فرعون پادشاه مصر و بندگانش و سرورانش و تمامی قومش.  
۲۰ و به جمیع امت های مختلف و به جمیع پادشاهان زمین عوص و به همه پادشاهان زمین فلسطینیان یعنی اشقلون و غزه و عقرون و بقیه اشدود.

۲۱ و به ادوم و موآب و بنی عمون.

۲۲ و به جمیع پادشاهان صور و همه پادشاهان صیدون و به پادشاهان جزایری که به آن طرف دریامیاشند.

۲۳ و به ددان و تیمابوز و به همگانی که گوشه های موی خود را می تراشند.

۲۴ و به همه پادشاهان عرب و به جمیع پادشاهان امت‌های مختلف که در بیابان ساکنند.

۲۵ و به جمیع پادشاهان زم‌ری و همه پادشاهان عیلام و همه پادشاهان مادی.

۲۶ و به جمیع پادشاهان شمال‌خواه قریب و خواه بعید هر یک با مجاور خود و به تمامی ممالک جهان که بر روی زمینند. و پادشاه شیشک بعد از ایشان خواهد آشامید.

و به ایشان بگو: یهوه صبا یوت خدای اسرائیل چنین میفرماید: «نوشید و مست شوید و قی کنید تا از شمشیری که من در میان شما می‌فرستم بیفتید و بر نخیزید.

۲۸ و اگر از گرفتن کاسه از دست تو نوشیدنش ابا نمایند آنگاه به ایشان بگو: یهوه صبا یوت چنین میگوید: البته خواهید نوشید.

۲۹ زیرا اینک من به رسانیدن بلا بر این شهری که به اسم من مسمی است شروع خواهم نمود و آیا شما بالکل بی‌عقوبت خواهید ماند؟ بی‌عقوبت نخواهید ماند زیرا یهوه صبا یوت میگوید که من شمشیری بر جمیع ساکنان جهان مامور می‌کنم.

۳۰ پس توبه تمامی این سخنان بر ایشان نبوت کرده، به ایشان بگو: خداوند از اعلیٰ علین غرش مینماید و از مکان قدس خویش آواز خود را میدهد و به ضد مرتع خویش به شدت غرش مینماید و مثل آنانی که انگور را می‌افشند، بر تمامی ساکنان جهان نعره میزند، و صدابه کرانهای زمین خواهد رسید زیرا خداوند را با امتداد عوی است و او بر هر ذی جسد داوری خواهد نمود و شیران را به شمشیر تسلیم خواهد کرد، «قول خداوند این است. یهوه صبا یوت چنین گفت:» ینک بلا از امت به امت سرایت میکند و یاد شدید عظیمی از کرانهای زمین برانگیخته خواهد شد.»

و در آن روز کشتگان خداوند از کران زمین تا کران دیگرش خواهند بود. برای ایشان ماتم نخواهند گرفت و ایشان را جمع نخواهند کرد و دفن نخواهند نمود بلکه بر روی زمین سرگین خواهند بود.

۳۴ ای شبانان و لوله‌نمایید و فریاد بر آورید. وای روسای گله بغلطید زیرا که ایام کشته شدن شمار رسیده است و من شمارا پراکنده خواهم ساخت و مثل ظرف مرغوب خواهید افتاد.

۳۵ و ملجبرای شبانان و مفر برای روسای گله نخواهد بود.

۳۶ هین فریاد شبانان و نعره روسای گله! زیرا خداوند مرتعهای ایشان را ویران ساخته است.  
 ۳۷ و مرتعهای سلامتی بهسبب حدت خشم خداوند خراب شده است.  
 ۳۸ مثل شیر پیشه خود را ترک کرده است زیرا که زمین ایشان بهسبب خشم هلاک کننده و بهسبب حدت غضبش ویران شده است.

### تهدیدارمیا

در ابتدای سلطنت یهو یا قیم بن یوشیا پادشاه یهود این کلام از جانب خداوند نازل شده، گفت:

«داوند چنین میگوید: در صحن خانه خداوند بایست و به ضد تمامی شهرهای یهودا که به خانه خداوند برای عبادت میآیند همه سخنانی را که تو را امر فرمودم که به ایشان بگویی بگو و سخن نمیکنی.»

۳ شاید بشنوند و هر کس از راه بد خویش برگردد تا از بلایی که من قصد نمودهام که بهسبب اعمال بد ایشان به ایشان برسانم پشیمان گردم.

۴ پس ایشان را بگو: خداوند چنین میفرماید: اگر به من گوش ندهید و در شریعت من که پیش شما نهادهام سلوک ننمایید،

و اگر کلام بندگانم انبیارا که من ایشان را نزد شما فرستادم اطاعت ننمایید با آنکه من صبح زود بر خاسته، ایشان را ارسال نمودم اما شما گوش نگرفتید.

۶ آنگاه این خانه را مثل شیله خواهد ساخت و این شهر را برای جمیع امت های زمین لعنت خواهیم گردانید.»

و کاهنان و انبیا و تمامی قوم، این سخنان را که ارمیا در خانه خداوند گفت شنیدند.  
 ۸ و چون ارمیا از گفتن هر آنچه خداوند او را مامور فرموده بود که به تمامی قوم بگوید فارغ شد، کاهنان و انبیا و تمامی قوم او را گرفته، گفتند: «لبته خواهی مرد.»

۹ چرا به اسم یهوه نبوت کرده، گفتی که این خانه مثل شیله خواهد شد و این شهر خراب و غیر مسکون خواهد گردید؟ «پس تمامی قوم در خانه خداوند نزد ارمیا جمع شدند.»

و چون روسای یهود این چیزها را شنیدند از خانه پادشاه به خانه خداوند برآمده، به دهنه دروازه جدید خانه خداوند نشستند.

۱۱ پس کاهنان و انبیا، روسا و تمامی قوم را خطاب کرده، گفتند: «بن شخص مستوجب قتل است زیرا چنانکه به گوشهای خود شنیدید به خلاف این شهر نبوت کرد.»  
پس ارمیا جمیع سروران و تمامی قوم را مخاطب ساخته، گفت: «داوند مرا فرستاده است تا همه سخنانی را که شنیدید به ضد این خانه و به ضد این شهر نبوت نمایم.

۱۳ پس الان راهها و اعمال خود را اصلاح نمایید و قول یهوه خدای خود را بشنوید تا خداوند از این بلایی که در باره شما فرموده است پشیمان شود.

۱۴ اما من اینک در دست شما هستم موافق آنچه در نظر شما پسند و صواب آید بعمل آرید.

۱۵ لیکن اگر شما مرابه قتل رسانید یقین بدانید که خون بیگانه‌ای را بر خویش تن و بر این شهر و ساکنانش وارد خواهید آورد. زیرا حقیقت خداوند مرا نزد شما فرستاده است تا همه این سخنان را به گوش شما برسانم.»

آنگاه روسا و تمامی قوم به کاهنان و انبیا گفتند که «بن مرد مستوجب قتل نیست زیرا به اسم یهوه خدای ما به ما سخن گفته است.»

و بعضی از مشایخ زمین برخاسته، تمامی جماعت قوم را خطاب کرده، گفتند که «یکای مورثتی در ایام حزقیای پادشاه یهودان نبوت کرد و به تمامی قوم یهود اتکلم نموده، گفت: یهوه صبا یوت چنین میگوید که صهیون را مثل مزرعه شیبار خواهند کرد و اورشلیم خراب شده، کوه این خانه به بلندیهای جنگل مبدل خواهد گردید.

۱۹ آیا حزقیای پادشاه یهود و تمامی یهود او را کشتند؟ نی بلکه از خداوند بترسید و نزد خداوند استدعا نمود و خداوند از آن بلایی که در باره ایشان گفته بود پشیمان گردید. پس مابلای عظیمی بر جان خود وارد خواهیم آورد.»

و نیز شخصی اوریا نام ابن شمعیا از قریت یعاریم بود که به نام یهوه نبوت کرد و او به ضد این شهر و این زمین موافق همه سخنان ارمیا نبوت کرد.

۲۱ و چون یهوه یاقیم پادشاه و جمیع شجاعانش و تمامی سرورانش سخنان او را شنیدند پادشاه قصد جان او نمود و چون او را این را شنید بترسید و فرار کرده، به مصر رفت.

۲۲ ویهو یاقیم پادشاه کسان به مصر فرستاد یعنی الناتان بن عکبور و چند نفر را با او به مصر (مصر) رستاد.  
 □□ وایشان اوریا را از مصر بیرون آورده، او را نزد یهو یاقیم پادشاه رسانیدند و او را به شمشیر کشته، بدن او را به قبرستان عوام الناس انداخت.  
 ۲۴ لیکن دست اخیقام بن شافان با او را میا بود تا او را به دست قوم نسیارند که او را به قتل رسانند.

### اطاعت از نبوکدنصر

در ابتدای سلطنت یهو یاقیم بن یوشیا پادشاه یهود این کلام از جانب خداوند بر او میانازل شده، گفت:  
 خداوند به من چنین گفت: «ندها و یوغها برای خود بساز و آنها را برگردن خود بگذار.  
 ۳ و آنها را نزد پادشاه ادم و پادشاه موآب و پادشاه بنی عمون و پادشاه صور و پادشاه صیدون به دست رسولانی که به او شلیم نزد صدقیا پادشاه یهودا خواهند آمد بفرست.  
 ۴ و ایشان را برای آقایان ایشان امر فرموده، بگو یهوه صبا یوت خدای اسرائیل چنین میگوید: به آقایان خود بدین مضمون بگو یید:  
 من جهان و انسان و حیوانات را که بر روی زمینند به قوت عظیم و بازوی افراشته خود آفریدم و آن را بهر که در نظر من پسند آمد بخشیدم.  
 ۶ و الان من تمامی این زمینها را به دست بنده خود نبوکدنصر پادشاه بابل دادم و نیز حیوانات صحرا را به او بخشیدم تا او را بندگی نمایند.  
 ۷ و تمامی امتهای او را و پسرش و پسر پسرش را خدمت خواهند نمود تا وقتی که نوبت زمین او نیز برسد. پس امتهای بسیار و پادشاهان عظیم او را بنده خود خواهند ساخت.  
 ۸ و واقع خواهد شد که هر امتی و مملکتی که نبوکدنصر پادشاه بابل را خدمت نمایند و گردن خویش را زیر یوغ پادشاه بابل نگذارند خداوند میگوید: که آن امت را به شمشیر و قحط و وبا سزا خواهم داد تا ایشان را به دست او هلاک کرده باشم.  
 ۹ و اما شما به انبیا و فالگیران و خواب بینندگان و ساحران و جادوگران خود که به شما



حرف میزنند و میگویند پادشاه بابل را خدمت منماید گوش مگیرید.  
 ۱۰ زیرا که ایشان برای شما کاذبانه نبوت میکنند تا شمار از زمین شما دور نمایند و من شمار پراکنده سازم تا هلاک شوید.

۱۱ اما آن امتی که گردن خود را زیر یوغ پادشاه بابل بگذارند و او را خدمت نمایند خداوند میگوید که آن امت را در زمین خود ایشان مقیم خواهم ساخت و آن رازرع نموده، در آن ساکن خواهند شد.»

و به صدقی پادشاه یهودا همه این سخنان را بیان کرده، گفتم: «ردنهای خود را زیر یوغ پادشاه بابل بگذارید و او را و قوم او را خدمت نمایند تا زنده بمانید.

۱۳ چرا تو و قومت به شمشیر و قسطو و با میزید چنانکه خداوند در باره قومی که پادشاه بابل را خدمت نمایند گفته است.

۱۴ و گوش مگیرید به سخنان انبیایی که به شما میگویند: پادشاه بابل را خدمت نمایند زیرا که ایشان برای شما کاذبانه نبوت میکنند.

۱۵ زیرا خداوند میگوید: من ایشان را نفر ستادم بلکه ایشان به اسم من به دروغ نبوت میکنند تا من شمار انخراج کنم و شما با انبیایی که برای شما نبوت مینمایند هلاک شوید.»

و به کاهنان و تمامی این قوم نیز خطاب کرده، گفتم: «داوند چنین میگوید: گوش مگیرید

به سخنان انبیایی که برای شما نبوت کرده، میگویند اینک ظروف خانه خداوند بعد از اندک مدتی از بابل باز آورده خواهد شد زیرا که ایشان کاذبانه برای شما نبوت میکنند.

۱۷ ایشان را گوش مگیرید بلکه پادشاه بابل را خدمت نمایند تا زنده بمانید. چرا این شهر خراب شود؟

و اگر ایشان انبیا میباشند و کلام خداوند با ایشان است پس الان از یهوده صبیوت استدعا بکنند تا ظروفی که در خانه خداوند و در خانه پادشاه یهودا و اورشلیم باقی است به بابل برده نشود.

۱۹ زیرا که یهوده صبیوت چنین میگوید: در باره ستونها و دریاچه و پایه ها و سایر ظروفی که در این شهر باقیمانده است،

و نیوکد نصر پادشاه بابل آنها را حینی که یکنیا بن یهویا قیم پادشاه یهودا و جمیع شرفایه و اورشلیم را از اورشلیم به بابل برد نگرفت.

۲۱ به درستی که یهوه صبا یوت خدای اسرائیل در باره این ظرو فی که در خانه خداوند و در خانه پادشاه یهودا و اورشلیم باقیمانده است چنین میگوید:  
 که آنها به بابل برده خواهد شد و خداوند میگوید تا روزی که از ایشان تفقد نمایم در آنجا خواهد ماند و بعد از آن آنها را بیرون آورده، به این مکان باز خواهیم آورد.»

### حنینانی کاذب

و در همان سال در ابتدای سلطنت صدقی پادشاه یهودا در ماه پنجم از سال چهارم واقع شد که حننیا بن عزور نبی که از جبعون بود مراد در خانه خداوند در حضور کاهنان و تمامی قوم خطاب کرده، گفت:

«هوه صبا یوت خدای اسرائیل بدین مضمون تکلم نموده و گفته است من یوغ پادشاه بابل را شکستهام.

۳ بعد از انقضای دو سال من همه طرف های خانه خداوند را که نبوکدنصر پادشاه بابل از این مکان گرفته، به بابل برده اینجا باز خواهیم آورد.

۴ و خداوند میگوید من بکنیا بن یهویا قیم پادشاه یهودا و جمیع اسیران یهودا را که به بابل رفته اند به اینجا باز خواهیم آورد زیرا که یوغ پادشاه بابل را خواهیم شکست.»

آنگاه ارمینانی به حننیا نبی در حضور کاهنان و تمامی قومی که در خانه خداوند حاضر بودند گفت؛

پس ارمینانی گفت: «میں خداوند چنین بکند و خداوند سخنانت را که به آنها نبوت کردی استوار نماید و ظروف خانه خداوند و جمیع اسیران را از بابل به اینجا باز یآورد.

۷ لیکن این کلام را که من به گوش تو و به سمع تمامی قوم میگویم بشنو:

انبیایی که از زمان قدیم قبل از من و قبل از تو بوده اند در باره زمینهای بسیار و ممالک عظیم به جنگ و بلا و و بانوبت کرده اند.

۹ اما آن نبیای که بسلامتی نبوت کنده گر کلام آن نبی واقع گردد، آنگاه آن نبی معروف خواهد شد که خداوند فی الحقیقه او را فرستاده است.»

پس حننیا نبی یوغ را از گردن ارمینانی گرفته، آن را شکست.

۱۱ و حنیا به حضور تمامی قوم خطاب کرده، گفت: «داوند چنین میگوید: بهمین طوری یوغ نبوکدنصر پادشاه بابل را بعد از انقضای دو سال از گردن جمیع امتها خواهم شکست»، و ارمیانی به راه خود رفت.

و بعد از آنکه حنیا نبی یوغ را از گردن ارمیانی شکسته بود کلام خداوند بر ارمیانازل شده، گفت:

«رو و حنیانی را بگو: خداوند چنین میگوید: یوغهای چوبی را شکستی اما بجای آنها یوغهای آهنین را خواهی ساخت.

۱۴ زیرا که یوه صبا یوت خدای اسرائیل چنین میگوید: من یوغی آهنین بر گردن جمیع این امتها نهادم تا نبوکدنصر پادشاه بابل را خدمت نمایند پس او را خدمت خواهند نمود و نیز حیوانات صحرا را به او دادم.»

آنگاه ارمیانی به حنیانی گفت: «ی حنیابشنو! خداوند تو را نفرستاده است بلکه تو این قوم را و امیداری که به دروغ توکل نمایند.

۱۶ بنابراین خداوند چنین میگوید: اینک من تو را از روی این زمین دور میاندازم و تو امسال خواهی مرد زیرا که سخنان فتنه انگیزه ضد خداوند گفتی»، پس در ماه هفتم همانسال حنیانی مرد.

### رساله ارمیا به اسیران بابل

این است سخنان رساله‌های که ارمیانی از اورشلیم نزد بقیه مشایخ اسیران و کاهنان و انبیا و تمامی قومی که نبوکدنصر از اورشلیم به بابل به اسیری برده بود فرستاد.

۲ بعد از آنکه یکنیا پادشاه و خواجهرسرایان و سروران یهود او اورشلیم و صنعتگران و آهنگران از اورشلیم بیرون رفته بودند.

۳ (س آن را) به دست العاسه بن شافان و جمریا بن حلقیا که صد قیا پادشاه یهود ایشان را نزد نبوکدنصر پادشاه بابل به بابل فرستاد) رساله نموده (گفت:

«هوه صبا یوت خدای اسرائیل به تمامی اسیرانی که من ایشان را از اورشلیم به بابل به اسیری فرستادم، چنین میگوید:

خانمها ساخته در آنها ساکن شوید و باغها غرس نموده، میوه آنها را بخورید.  
 ۶ زنان گرفته، پسران و دختران به هم رسانید و زنان برای پسران خود بگیرد و دختران خود را به شوهر بدهید تا پسران و دختران بزنند و در آنجا زیاد شوید و کم نگردید.

۷ و سلامتی آن شهر را که شمارا به آن به اسیری فرستاد هام بطلبید و برایش نزد خداوند مسالت نمایید زیرا که در سلامتی آن شمارا سلامتی خواهد بود.

۸ زیرا که یهوه صبیوت خدای اسرائیل چنین میگوید: مگذارید که انبیای شما که در میان شما اند و فالگیران شما شمارا فریب دهند و به خوابهایی که شما ایشان را وامی دارید که آنها را ببینند، گوش مگیرید.

۹ زیرا خداوند میگوید که ایشان برای شما به اسم من کاذبانه نبوت میکنند و من ایشان را نفرستاد هام.

۱۰ و خداوند میگوید: چون مدت هفتاد سال بابل سپری شود من از شما تنفقد خواهم نمود و سخنان نیکورا که برای شما گفتم انجام خواهد داد؛ به اینکه شمارا به این مکان باز خواهم آورد.

۱۱ زیرا خداوند میگوید: فکراهی را که برای شما دارم میدانم که فکراهی سلامتی میباشد و نه بدی تا شمارا در آخرت امید بخشم.

۱۲ و مرا خواهید خواند و آمده، نزد من تضرع خواهید کرد و من شمارا اجابت خواهم نمود.

۱۳ و مرا خواهید طلبید و چون مرا به تمامی دل خود جستجو نمایید، مرا خواهید یافت.

۱۴ و خداوند میگوید که مرا خواهید یافت و اسیران شمارا باز خواهم آورد. و خداوند میگوید که شمارا از جمیع امتهای همه مکانهایی که شمارا در آنها راندهام، جمع خواهم نمود و شمارا از جایی که به اسیری فرستاد هام، باز خواهم آورد.

۱۵ از آن رو که گفتید خداوند برای مادر بابل انبیا مبعوث نموده است.

«س خداوند به پادشاهی که بر کرسی داود نشسته است و به تمامی قومی که در این شهر ساکنند، یعنی برادران شما که همراه شما به اسیری زفتهاند، چنین میگوید:

بلی یهوه صبیوت چنین میگوید: اینک من شمشیر و قحط و و بار بار ایشان خواهم فرستاد

و ایشان را مثل انجیرهای بد که آنها را ازیدی نتوان خورد، خواهم ساخت.  
 ۱۸ و ایشان را به شمشیر و ققط و وباتعاقب خواهم نمود و در میان جمیع ممالک جهان  
 مشوش خواهم ساخت تا برای همه امت هایی که ایشان را در میان آنها رانده ام، لعنت  
 و دهنشت و مسخره و عاری باشند.

۱۹ چونکه خداوند میگوید: کلام مرا که به واسطه بندگان خود انبیا نزد ایشان فرستادم  
 نشنیدند بآنکه صبح زود برخاسته، آن را فرستادم اما خداوند میگوید که شما نشنیدید.

۲۰ و شما ای جمیع اسیرانی که از اورشلیم به بابل فرستادم کلام خداوند را بشنوید.

۲۱ یهوه صبا یوت خدای اسرائیل در باره اخاب بن قولا یا و در باره صدقیا بن معسیا  
 که برای شما به اسم من کاذبانه نبوت میکنند، چنین میگوید: اینک من ایشان را به دست  
 نیوکدنصر پادشاه بابل تسلیم خواهم کرد و او ایشان را در حضور شما خواهد کشت.

۲۲ و از ایشان برای تمامی اسیران یهودا که در بابل میباشند لعنت گرفته، خواهند گفت  
 که خداوند تو را مثل صدقیا و اخاب که پادشاه بابل ایشان را در آتش سوزانید، بگرداند.

۲۳ چونکه ایشان در اسرائیل حماقت نمودند و با زنان همسایگان خود زنا کردند و به اسم  
 من کلامی را که به ایشان امر نموده بودم کاذبانه گفتند و خداوند میگوید که من  
 عارف و شاهد هستم.

«شمعیای نحلامی را خطاب کرده، بگو:

یهوه صبا یوت خدای اسرائیل تکلم نموده، چنین میگوید: از آنجایی که تو رسایل به اسم  
 خود نزد تمامی قوم که در اورشلیم اند و نزد صنفیا بن معسیا کاهن و نزد جمیع کاهنان فرستاده،  
 گفتی:

که خداوند تو را به جای یهویاداع کاهن به کهنات نصب نموده است تا بر خانه خداوند  
 و کلا باشید. برای هر شخص مجنون که خویشان رانجی مینماید تا او را در کندوها و  
 زنجیرها ببندی.

۲۷ پس الان چرا ارمیا عناتوتی را که خود را برای شما نبی مینماید تو بیخ نمی کنی؟

زیرا که او نزد ما به بابل فرستاده، گفت که این اسیری بطول خواهد انجامید پس خانها

بنا کرده، ساکن شوید و باغها غرس نموده، میوه آنها را بخورید.»  
 وصفنیای کاهن این رساله را به گوش ارمیانی خواند.  
 ۳۰ پس کلام خداوند بر ارمیاناازل شده، گفت:

«زد جمع اسیران فرستاده، بگو که خداوند در باره شمععیای نحلامی چنین میگوید: چونکه شمععیای برای شمانبوت میکنند و من اورانفرستادهام و او شمار او امیدارد که به دروغ اعتماد نماید،

بنابراین خداوند چنین میگوید: اینک من بر شمععیای نحلامی و ذریت وی عقوبت خواهم رسانید و برایش کسیکه در میان این قوم ساکن باشد، نخواهد ماند و خداوند میگوید او آن احسانی را که من برای قوم خود می کنم نخواهد دید، زیرا که در باره خداوند سخنان فتنه انگیز گفته است.»

### تفقد از اسرائیل

کلامی که از جانب خداوند بر ارمیاناازل شده، گفت:  
 «هو خدای اسرائیل تکلم نموده، چنین میگوید: تمامی سخنانی را که من به تو گفتم، در طوماری بنویس.»

۳ زیرا خداوند میگوید: اینک ایامی میآید که اسیران قوم خود اسرائیل و یهودا را باز خواهم آورد و خداوند میگوید: ایشان را به زمینی که به پدران ایشان دادهام، باز خواهم رسانید تا آن را به تصرف آورند.»

و این است کلامی که خداوند در باره اسرائیل و یهودا گفته است.

۵ زیرا خداوند چنین میگوید: «دای ارتعاش شنیدیم. خوف است و سلامتی فی. سوال کنید و ملاحظه نمایید که آیا ذکور اولاد میزاید؟ پس چرا هر مرد در امینیم که مثل زنی که میزاید دست خود را بر کمرش نهاده و همه چهرهها به زردی مبدل شده است؟»  
 وای بر ما زیرا که آن روز، عظیم است و مثل آن دیگری نیست و آن زمان تنگی یعقوب است اما از آن نجات خواهد یافت.

و یهوه صباوت میگوید: «راینه در آن روز یوغ اورا از گردنت خواهم شکست و بندهای

- تورا خواهم گسیخت. و غریبان باردیگراور بنده خود نخواهند ساخت.
- ۹ ایشان خدای خود یهوه و پادشاه خویش داود را که برای ایشان برمی انگیزانم خدمت خواهند کرد.
- ۱۰ پس خداوند میگوید کهای بنده من یعقوب مترس وای اسرائیل هر اسان مباش زیرا اینک من تورا از جای دور و ذریت تورا از زمین اسیری ایشان خواهم رهانید و یعقوب مراجعت نموده، در رفاهیت و امنیت خواهد بود و کسی او را نخواهد ترسانید.
- ۱۱ زیرا خداوند میگوید: من باتو هستم تا تورا نجاتبخشم و جمیع امتها را که تورا در میان آنها پراکنده ساختم، تلف خواهم کرد. اما تورا تلف نخواهم نمود، بلکه تورا به انصاف تادیب خواهم کرد و تورا بیسز نخواهم گذاشت.
- ۱۲ زیرا خداوند چنین میگوید: جراحت تو علاج ناپذیر و ضربت تو مهلک میباشد.
- ۱۳ کسی نیست که دعوی تورا فیصل دهد تا التیام یابی و برایت دواهای شفا بخشند های نیست.
- ۱۴ جمیع دوستان تورا فراموش کرده، در باره تو احوال پرسی نمی نمایند زیرا که تو رابه صدمه دشمن و به تادیب بیرحمی بهسبب کثرت عصیان و زیادتى گاهانت مبتلا ساختهم.
- ۱۵ چرا در باره جراحت خود فریاد مینمائی؟ درد تو علاج ناپذیر است. بهسبب زیادتى عصیان و کثرت گاهانت این کارها رابه تو کردهام.
- «نا بر این آنانی که تورا میباعدند، بلعیده خواهند شد و آنانی که تورا به تنگ میآورند، جمیع به اسیری خواهند رفت. و آنانی که تورا تاراج میکنند، تاراج خواهند شد و همه غارت کنند گانت رابه غارت تسلیم خواهم کرد.
- ۱۷ زیرا خداوند میگوید: به تو عافیت خواهم رسانید و جراحت تورا شفا خواهم داد، از این جهت که تورا (هر) متروک مینامند) می گویند (که این صهیون است که احدی در باره آن احوال پرسی نمی کند.
- ۱۸ خداوند چنین میگوید: اینک خیمه های اسیری یعقوب را باز خواهم آورد و به مسکنهایش ترحم خواهم نمود و شهر برتالش بنا شده، قصرش بر حسب عادت خود مسکون

خواهد شد.

۱۹ و تسبیح و آواز مطربان از آنها بیرون خواهد آمد و ایشان را خواهم افزود و کم نخواهند شد و ایشان را معزز خواهم ساخت و پست نخواهند گردید.

۲۰ و پسرانش مانند ایام پیشین شده، جماعتش در حضور من برقرار خواهند ماند و بر جمیع سمگرائش عقوبت خواهم رسانید.

۲۱ و حاکم ایشان از خود ایشان بوده، سلطان ایشان از میان ایشان بیرون خواهد آمد و او را مقرب میگردانم تا نزدیک من بیاید زیرا خداوند میگوید: کیست که جرات کند نزد من آید؟

و شما قوم من خواهید بود و من خدای شما خواهم بود.

۲۲ اینک باد شدید خداوند با حدت غضب و گردبادهای سخت بیرون میآید که بر سر شریران هجوم آورد.

۲۴ تا خداوند تدبیرات دل خود را بجای آورد و استوار نفرماید، حدت خشم او نخواهد برگشت. در ایام آخرین را خواهید فهمید.»

خداوند میگوید: «آن زمان من خدای تمامی قبایل اسرائیل خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود.

۲ خداوند چنین میگوید: قومی که از شمشیر رستند در بیابان فیض یافتند، هنگامی که من رفتم تا برای اسرائیل آرامگاهی پیدا کنم.»

خداوند از جای دور به من ظاهر شد (گفت: «محببت ازلی تو را دوست داشتم، از این جهت تو را به رحمت جذب نمودم.

۴ ای باکره اسرائیل تو را بار دیگر بنا خواهم کرد و تو بنا خواهی شد و بار دیگر باد فهای خود خویشتن را خواهی آراست و در رقصهای مطربان بیرون خواهی آمد.

۵ بار دیگر تا کستانها بر کوههای سامره غرس خواهی نمود و غرس کنندگان غرس نموده، میوه آنها را خواهند خورد.

۶ زیرا روزی خواهد بود که دیده بانان بر کوهستان افرایم ندا خواهند کرد که بر خیزید



و نزد یهوه خدای خود به صهیون برآیم.»

زیرا خداوند چنین میگوید: «ه جهت یعقوب به شادمانی ترنم نمائید و به جهت سرامتها آواز شادی دهید. اعلام نمائید و تسبیح بخوانید و بگویند: ای خداوند قوم خود بقیه اسرائیل را نجات بده!

اینک من ایشان را از زمین شمال خواهم آورد و از کرانه های زمین جمع خواهم نمود و با ایشان کوران و لنگان و آستان و زنانی که میزایند با هم گروه عظیمی به اینجا باز خواهند آمد.

۹ با گریه خواهند آمد و من ایشان را با تضرعات خواهم آورد. نزد نهرهای آب ایشان راه راه صاف که در آن نخواهند لغزید رهبری خواهم نمود زیرا که من پدر اسرائیل هستم و فرایم نخست زاده من است.

۱۰ ای امتها کلام خداوند را بشنوید و در میان جزایر بعیده اخبار نمائید و بگویند آنکه اسرائیل را پرآکنده ساخت ایشان را جمع خواهد نمود و چنانکه شبان گله خود را (گاه دارد) ایشان را محافظت خواهد نمود.

۱۱ زیرا خداوند یعقوب را فدیة داده و او را از دست کسی که از او قوی تر بود رها نموده است.

۱۲ و ایشان آمده، بر بلندی صهیون خواهند سرآید و نزد احسان خداوند یعنی نزد غله و شیر و روغن و نتاج گله و روم و روان خواهند شد و جان ایشان مثل باغ سیراب خواهد شد و بار دیگر هرگز غمگین نخواهند گشت.

۱۳ آنگاه با کرهها به رقص شادی خواهند کرد و جوانان و پیران بایکدیگر. زیرا که من ماتم ایشان را به شادمانی مبدل خواهم کرد و ایشان را از المی که کشید هاند تسلی داده، فرحناک خواهم گردانید.»

و خداوند میگوید: «ان کاهنان را از پیه تر و تازه خواهم ساخت و قوم من از احسان من سیر خواهند شد.»

خداوند چنین میگوید: «وازی در رماه شنیده شد ماتم و گریه بسیار تلخ که را حیل برای فرزندان خود گریه میکند و برای فرزندان خود تسلی نمی پذیرد زیرا که نیستند.»

خداوند چنین میگوید: «و از خود را از گریه و چشمان خویش را از اشک بازدار. زیرا خداوند میفرماید که برای اعمال خود اجرت خواهی گرفت و ایشان از زمین دشمنان مراجعت خواهند نمود.

۱۷ و خداوند میگوید که به جهت عاقبت تو امید هست و فرزندان تو به حدود خویش خواهند برگشت.

۱۸ به تحقیق افرایم را شنیدم که برای خود ماتم گرفته، میگفت: مرا تنبیه نمودی و متنبه شدم مثل گوساله‌ای که کار آزموده نشده باشد. مرا برگردان تا برگردانیده شوم زیرا که تو یهوه خدای من هستی.

۱۹ به درستی که بعد از آنکه برگردانیده شدم پشیمان گشتم و بعد از آنکه تعلیم یافتم بران خود زدم. نجلی شدم و رسوایی هم کشیدم چونکه عار جوانی خویش را متحمل گردیدم.

۲۰ آیا افرایم پسر عزیز من یا ولدا بتهاج من است؟ زیرا هر گاه به ضد او سخن میگویم او را تا بجال به یاد می‌آورم. بنابراین خداوند میگوید که احشای من برای او به حرکت می‌آید و هر آینه بر او ترحم خواهم نمود.

۲۱ نشانها برای خود نصب نما و علامتها به جهت خویشتن بر پا کن و دل خود را بسوی شاه راه به راهی که رفتهای متوجه ساز. ای باکره اسرائیل برگرد و به این شهرهای خود مراجعت نما.

۲۲ ای دختر مرتد تا به کی به اینطرف و به آنطرف گردش خواهی نمود؟ زیرا خداوند امر تازه‌های در جهان ابداع نموده است که زن مرد را احاطه خواهد کرد.»

یهوه صباوت خدای اسرائیل چنین میگوید: «اردیگر هنگامی که اسیران ایشان را برمی گردانم، این کلام را در زمین یهودا و شهرهایش خواهند گفت کهای مسکن عدالت وای کوه قدوسیت، خداوند تو را مبارک سازد.

۲۴ و یهودا و تمامی شهرهایش با هم و فلاحان و آنانی که با گلها گردش میکنند، در آن ساکن خواهند شد.

۲۵ زیرا که جان خستگان را تازه ساختهام و جان همه محزونان را سیر کرده‌ام.»

- در این حال بیدار شدم و نگرایستم و خوابم برای من شیرین بود.
- ۲۷ اینک خداوند میگوید: «یامی میآید که خاندان اسرائیل و خاندان یهودا را به بذر انسان و بذر حیوان خواهم کاشت.
- ۲۸ و واقع خواهد شد چنانکه برایشان برای کندن و خراب نمودن و منهدم ساختن و هلاک کردن و بیلارسانیدن مراقبت نمودم، به همینطور خداوند میگوید برایشان برای بنا نمودن و غرس کردن مراقب خواهم شد.
- ۲۹ و در آن ایام بار دیگر نخواهند گفت که پدران انگور ترش خوردند و دندان پسران کند گردید.
- ۳۰ بلکه هر کس به گناه خود خواهد مرد و هر که انگور ترش خورد دندان وی کند خواهد شد.»
- خداوند میگوید: «ینک ایامی میآید که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهد تازه‌ای خواهم بست.
- ۳۲ نه مثل آن عهدی که با پدران ایشان بستم در روزی که ایشان را دستگیری نمودم تا از زمین مصر بیرون آورم زیرا که ایشان عهد مرا شکستند، با آنکه خداوند میگوید من شوهر ایشان بودم.»
- اما خداوند میگوید: «ینست عهدی که بعد از این ایام با خاندان اسرائیل خواهم بست. شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد و آن را بر دل ایشان خواهم نوشت و من خدای ایشان خواهم بود و ایشان قوم من خواهند بود.
- ۳۴ و بار دیگر کسی به همسایه‌اش و شخصی به برادرش تعلیم نخواهد داد و نخواهد گفت خداوند را بشناس. زیرا خداوند میگوید: جمیع ایشان از خرد و بزرگ مرا خواهند شناخت، چونکه عصیان ایشان را خواهم آمرزید و گناه ایشان را دیگر به یاد نخواهم آورد.»
- خداوند که آفتاب را به جهت روشنائی روز و قانونهای ماه و ستارگان را برای روشنائی شب قرار داده است و در یارابه حرکت میآورد تا مواجش خروش نمایند و اسم او یهوه صباوت میباشد، چنین میگوید.

۳۶ پس خداوند می گوید: «گر این قانونها از حضور من برداشته شود، آنگاه ذریت اسرائیل نیز زایل خواهند شد تا به حضور من قوم دایمی نباشند.»

خداوند چنین میگوید: «گر آسمانهای علوی پیموده شوند و اساس زمین سفلی را تفحص توان نمود، آنگاه من نیز تمامی ذریت اسرائیل را بهسبب آنچه عمل نمودند ترک خواهم کرد. کلام خداوند این است.»

یهوه میگوید: «ینک ایامی میآید که این شهر از برج حنثیل تا دروازه زاویه بنا خواهد شد. ۳۹ و ریسمان کاربه خط مستقیم تا تل جارب بیرون خواهد رفت و بسوی جوعت دور خواهد زد.

۴۰ و تمامی وادی لاشها و خاکستر و تمامی زمینها تا وادی قدرون و بطرف مشرق تا زاویه دروازه اسبان، برای خداوند مقدس خواهد شد و بار دیگر تا ابد آباد کننده و منهدم نخواهد گردید.»

### مزرعه ارمیا

کلامی که در سال دهم صدقی پادشاه یهودا که سال هجدهم نبوکدرصر باشد از جانب خداوند برار میانازل شد.

۲ و در آن وقت لشکر پادشاه بابل اورشلم را محاصره کرده بودند و ارمیانی در سخن زندانی که در خانه پادشاه یهودا بود محبوس بود.

۳ زیرا صدقی پادشاه یهودا او را به زندان انداخته، گفت: «رانبوت میکنی و میگویی که خداوند چنین میفرماید. اینک من این شهر را به دست پادشاه بابل تسلیم خواهم کرد و آن را تسخیر خواهد نمود.

۴ و صدقی پادشاه یهودا از دست کلدانیان نخواهد رست بلکه البته به دست پادشاه بابل تسلیم شده، دهانش بادهان وی تکلم خواهد نمود و چشمش چشم وی را خواهد دید.

۵ و خداوند میگوید که صدقیارابه بابل خواهد برد و او در آنجا تا حینی که از او تفقد نمایم خواهد ماند. زیرا که شما با کلدانیان جنگ خواهید کرد، اما کامیاب نخواهید شد.» و ارمیا گفت: «لام خداوند بر من نازل شده، گفت:

اینک حنمئیل پسر عموی توشلوم نزد تو آمده، خواهد گفت مزرعه مرا که در عناتوت

است برای خود بخور زیرا حق انفکاک از آن تو است که آن را بخوری.»  
 پس حنمئیل پسر عموی من بروفق کلام خداوند نزد من در سخن زندان آمده، مرا گفت:  
 «من اینک مزرعه مرا که در عناتوت در زمین بنیامین است بخری زیرا که حق ارثیت  
 و حق انفکاکش از آن تو است پس آن را برای خود بخور.» آنگاه دانستم که این کلام از  
 جانب خداوند است.

۹ پس مرزعه‌های را که در عناتوت بود از حنمئیل پسر عموی خود خریدم و وجه آن  
 را هفده مثقال نقره برای وی وزن نمودم.

۱۰ و قباله را نوشسته، مهر کردم و شاهدان گرفته، نقره را در میزان وزن نمودم.

۱۱ پس قباله‌های خریدار هم آن را که بر حسب شریعت و فریضه مختوم بود و هم آن  
 را که باز بود گرفتم.

۱۲ و قباله خریدار به باروک بن نبیریا بن محسیابه حضور پسر عموی خود حنمئیل و به  
 حضور شهودی که قباله خریدار را امضا کرده بودند و به حضور همه یهودیانی که در سخن  
 زندان نشسته بودند، سپردم.

و باروک را به حضور ایشان وصیت کرده، گفتم:

«هوه صبايوت خدای اسرائیل چنین میگوید: این قباله‌هایی که قباله این خریدار، هم آن  
 را که مختوم است و هم آن را که باز است، بگیر و آنها را در ظرف سفالین بگذار تا روزهای  
 بسیار بماند.

۱۵ زیرا هوه صبايوت خدای اسرائیل چنین میگوید: دیگر باره خانه‌ها و مزرعه‌ها و تاکستان‌ها  
 در این زمین خریدار خواهد شد.»

و بعد از آنکه قباله خریدار به باروک بن نبیریا داده بودم، نزد خداوند تضرع نموده، گفتم:  
 «های خداوند هوه اینک تو آسمان و زمین را به قوت عظیم و بازوی بلند خود آفریدی و چیزی  
 برای تو مشکل نیست

که به هزاران احسان مینمایی و عقوبت نگاه‌پدران را به آغوش پسرانشان بعد از ایشان  
 میرسانی! خدای عظیم جبار که اسم تو هوه صبايوت میباشد.

۱۹ عظیم‌المشورت و قوی‌العمل که چشمانت بر تمامی راه‌های بنی آدم مفتوح است

- تا بهر کس بر حسب راههایش و بر وفق ثمره اعمالش جزادهی .
- ۲۰ که آیات و علامات در زمین مصر و در اسرائیل و در میان مردمان تا امر و زقرار دادی و از برای خود مثل امر و زاسمی پیدا نمودی .
- ۲۱ و قوم خود اسرائیل را به آیات و علامات و به دست قوی و بازوی بلند و هیبت عظیم از زمین مصر بیرون آوردی .
- ۲۲ و این زمین را که برای پدران ایشان قسم خوردی که به ایشان بدهی به ایشان دادی .  
زمینی که به شیر و شهد جاری است .
- ۲۳ و ایشان چون داخل شده ، آن را به تصرف آوردند کلام تو را نشنیدند و به شریعت تو سلوک ننمودند و به آنچه ایشان را امر فرمودی که بکنند عمل ننمودند . بنابراین تو تمام این بلا را به ایشان وارد آوردی .
- ۲۴ و اینک سنگرها به شهر رسیده است تا آن را تسخیر نمایند و شهر به دست کلدانیانی که با آن جنگ میکنند به شمشیر و قوط و و با تسلیم میشود و آنچه گفته بودی واقع شده است و اینک تو آن را مبینی .
- ۲۵ و تو ای خداوند یهوه به من گفتی که این مزرعه را برای خود به نقره و بخر و شاهدان بگیر و حال آنکه شهر به دست کلدانیان تسلیم شده است .»  
پس کلام خداوند به ارمیا نازل شده ، گفت :
- « ینک من یهوه خدای تمامی بشر هستم . آیا هیچ امر برای من مشکل میباشد ؟  
بنابر این خداوند چنین میگوید : اینک من این شهر را به دست کلدانیان و به دست نبوکدرصر پادشاه بابل تسلیم میکنم و او آن را خواهد گرفت .
- ۲۹ و کلدانیانی که با این شهر جنگ میکنند آمده ، این شهر را آتش خواهند زد و آن را با خانه هایی که بر باهای آنها برای بعل بخور سوزانیدند و هدایای ریختنی برای خدایان غیر ریخته خشم مرا بهیجان آوردند ، خواهند سوزانید .
- ۳۰ زیرا که بنیاسرائیل و بنی یهود از طفولیت خود پیوسته شرارت ورزیدند و خداوند میگوید که بنیاسرائیل به اعمال دستهای خود خشم مرا دایم بهیجان آوردند .

- ۳۱ زیرا که این شهر از روزی که آن را بنا کردند تا امروز باعث هیجان خشم و غضب من بوده است تا آن را از حضور خود دور اندازم.
- ۳۲ به سبب تمام شرارتی که بنیاسرائیل و بنی یهودا، ایشان و پادشاهان و سروران و کاهنان و انبیای ایشان و مردان یهودا و ساکنان اورشلیم کرده، خشم مرا بهیجان آورد هاند.
- ۳۳ و پشت به من داد هاند و نه رو. و هر چند ایشان را تعلیم دادم بلکه صبح زود بر خاسته، تعلیم دادم لیکن گوش نگرفتند و تا دیب نپذیرفتند.
- ۳۴ بلکه رجاسات خود را در خانه های که به اسم من مسمی است برپا کرده، آن را نجس ساختند.
- ۳۵ و مکان های بلند بعل را که در وادی ابن هنوم است بنا کردند تا پسران و دختران خود را برای مولک از آتش بگذرانند. عملی که ایشان را امر نفرمودم و به خاطر م خطور نمود که چنین رجاسات را بجا آورده، یهودا را مرتکب گناه گردانند.
- پس الان از این سبب یهوه خدای اسرائیل در حق این شهر که شما در بارهاش میگویند که به دست پادشاه بابل به شمشیر و قحط و وبا تسلیم شده است، چنین میفرماید:
- «ینک من ایشان را از همه زمینهای که ایشان را در خشم و حدت و غضب عظیم خود رانده ام جمع خواهم کرد و ایشان را به این مکان باز آورده، به اطمینان ساکن خواهم گردانید.
- ۳۸ و ایشان قوم من خواهند بود و من خدای ایشان خواهم بود.
- ۳۹ و ایشان را یک دل و یک طریق خواهم داد تا به جهت خیریت خویش و پسران خویش که بعد از ایشان خواهند بود همیشه اوقات از من بترسند.
- ۴۰ و عهد جاودانی با ایشان خواهم بست که از احسان نمودن به ایشان بر نخواهم گشت و ترس خود را در دل ایشان خواهم نهاد تا از من دوری نورزند.
- ۴۱ و از احسان نمودن به ایشان مسرور خواهم شد و ایشان را راستی و به تمامی دل و جان خود در این زمین غرس خواهم نمود.
- ۴۲ زیرا خداوند چنین میگوید: به نوعی که تمامی این بالای عظیم را به این قوم رسانیدم،

همچنان تمامی احسانی را که به ایشان وعده دادهام به ایشان خواهم رسانیده.  
 ۴۳ و در این زمین که شما در بارهاش میگویند که ویران و از انسان و بهایم خالی شده  
 و به دست کلدانیان تسلیم گردیده است، مزرعهها خریده خواهد شد.  
 ۴۴ و مزرعهها به نقره خریده، قبالهها خواهند نوشت و مختوم خواهند نمود و شاهدان  
 خواهند گرفت، در زمین بنیامین و حوالی اورشلیم و شهرهای یهودا و در شهرهای کوهستان  
 و شهرهای همواری و شهرهای جنوب زیرا خداوند میگوید اسپران ایشان را باز خواهم  
 آورد.»

#### و عده تفقد

و هنگامی که ارمیا در صحن زندان محبوس بود کلام خداوند بار دیگر بر او نازل شده، گفت:  
 «داوند که این کار را می کند و خداوند که آن را مصور ساخته، مستحکم می سازد و اسم  
 او یهوه است چنین میگوید:  
 مرا بخوان و تورا اجابت خواهم نمود و تورا از چیزهای عظیم و مخفی که آنها را ندانستهای  
 مخبر خواهم ساخت.»

۴ زیرا که یهوه خدای اسرائیل در باره خانه های این شهر و در باره خانه های پادشاهان  
 یهودا که در مقابل سنگرها و منجنیقها منهدم شده است،  
 و می آیند تا با کلدانیان مقاتله نمایند و آنها را به لاشهای کسانی که من در خشم و غضب  
 خود ایشان را کشته ام می بینم. زیرا که روی خود را از این شهر به سبب تمامی  
 شرارت ایشان مستور ساخته ام.  
 ۶ اینک به این شهر عافیت و علاج باز خواهم داد و ایشان را شفا خواهم بخشید و فراوانی  
 سلامتی و امانت را به ایشان خواهم رسانید.

۷ و اسپران یهودا و اسپران اسرائیل را باز آورده، ایشان را مثل اول بنا خواهم نمود.  
 ۸ و ایشان را از تمامی گگانهایی که به من ورزیده اند، طاهر خواهم ساخت و تمامی تقصیرهای  
 ایشان را که بدانها بر من نگاه ورزیده و از من تجاوز کرده اند، خواهم آمرزید.



۹ و این شهر برای من اسم شادمانی و تسبیح و جلال خواهد بود نزد جمیع امت های زمین که چون آنها همه احسانی را که به ایشان نموده باشم بشنوند خواهند ترسید. و به سبب تمام این احسان و تمامی سلامتی که من به ایشان رسانیده باشم خواهند لرزید.

۱۰ خداوند چنین میگوید که در این مکان که شما در بارهاش میگویید که آن ویران و خالی از انسان و بهایم است یعنی در شهرهای یهودا و کوچه های اورشلیم که ویران و خالی از انسان و ساکنان و بهایم است،

در آنها آواز شادمانی و آواز سرور و آواز داماد و آواز عروس و آواز کسانی که میگویند یهوه صباوت را تسبیح بخوانید زیرا خداوند نیکو است و رحمت او تا ابد الابد است، بار دیگر شنیده خواهد شد و آواز آنانی که هدایای تشکر به خانه خداوند می آورند. زیرا خداوند میگوید اسیران این زمین را مثل سابق باز خواهیم آورد.

۱۲ یهوه صباوت چنین میگوید: در اینجا بی که ویران و از انسان و بهایم خالی است و در همه شهر هایش بار دیگر مسکن شبانانی که گلهارا میخوابانند خواهد بود.

۱۳ و خداوند میگوید که در شهرهای کوهستان و شهرهای همواری و شهرهای جنوب و در زمین بنیامین و در حوالی اورشلیم و شهرهای یهودا گوسفندان بار دیگر از زیر دست شمارندگان خواهند گذشت.

۱۴ اینک خداوند میگوید: ایامی میآید که آن وعده نیکورا که در باره خاندان اسرائیل و خاندان یهودا داده ام وفا خواهم نمود.

۱۵ در آن ایام و در آن زمان شاخه عدالت برای داود خواهد رویانید و او انصاف و عدالت را در زمین جاری خواهد ساخت.

۱۶ در آن ایام یهودا نجات خواهد یافت و اورشلیم به امنیت مسکون خواهد شد و اسمی که به آن نامیده میشود این است: یهوه صدقینو.

۱۷ زیرا خداوند چنین میگوید که از داود کسی که بر کسی خاندان اسرائیل بنشیند کم نخواهد شد.

۱۸ و از لاویان کهنه کسی که قربانی های سوختنی بگذرانند و هدایای آردی بسوزاند و ذبایح همیشه ذبح نماید از حضور من کم نخواهد شد.»

و کلام خداوند بر ارمیا نازل شده، گفت:

«داوند چنین میگوید: اگر عهد مابار و زو عهد مابا شب باطل توانید کرد که روز و شب در وقت خود نشود،

آنگاه عهد من باینده من داود باطل خواهد شد تا برایش پسری که بر کرسی او سلطنت نماید نباشد و بالاویان کهنه که خادم من میباشند.

۲۲ چنانکه لشکر آسمان را نتوان شمرد و دریگ در یار اقیاس نتوان کرد، همچنان ذریت بنده خود داود و لاویان را که مرا خدمت مینمایند زیاده خواهم گردانید.»

و کلام خداوند بر ارمیا نازل شده، گفت:

«یا نومی بینی که این قوم چه حرف میزنند؟ میگویند که خداوند آن دو خاندان را که برگزیده بود ترک نموده است. پس قوم مرا خواری شمارند که در نظر ایشان دیگر قومی نباشند.

۲۵ خداوند چنین میگوید: اگر عهد من بار و زو شب نمی بود و قانون های آسمان و زمین را قرار نمی دادم،

آنگاه نیز ذریت یعقوب و نسل بنده خود داود را ترک مینمودم و از ذریت او بر اولاد ابراهیم و اسحاق و یعقوب حاکمان نمی گرفتم. زیرا که اسیران ایشان را باز خواهم آورد و برایشان ترحم خواهم نمود.»

### هشدار به صدقیا

کلامی که از جانب خداوند در حینی که نبوکدنصر پادشاه بابل و تمامی لشکرش و جمیع ممالک جهان که زیر حکم او بودند و جمیع قومها با اورشلیم و تمامی شهرهایش جنگ مینمودند بر ارمیا نازل شده، گفت:

«هوه خدای اسرائیل چنین میگوید: برو و صدقیا پادشاه یهودا را خطاب کرده، وی را بگو خداوند چنین میفرماید: اینک من این شهر را به دست پادشاه بابل تسلیم میکنم و او آن را به آتش خواهد سوزانید.

۳ و تو از دستش نخواهی رست. بلکه البته گرفتار شده، به دست او تسلیم خواهی

گردید و چشمان تو چشمان پادشاه بابل را خواهد دید و دهانش بادهان تو گفتگو خواهد کرد و به بابل خواهی رفت.

۴ لیگای صدقی پادشاه یهودا کلام خداوند را بشنو. خداوند در باره تو چنین میگوید: به شمشیر نخواهی مرد،

بلکه بسلامتی خواهی مرد. و چنانکه برای پدرانت یعنی پادشاهان پیشین که قبل از تو بودند (سوزانیدند، همچنان برای تو خواهند سوزانید و برای تو ماتم گرفته، خواهند گفت: آهای آقا. زیرا خداوند میگوید: من این سخن را گفتم.»

پس ارمیانی تمامی این سخنان را به صدقی پادشاه یهودا در اورشلیم گفت، هنگامی که لشکر پادشاه بابل با اورشلیم و با همه شهرهای باقی یهود یعنی بالاکیش و عزریقه جنگ مینمودند. زیرا که این دو شهر از شهرهای حصاردار یهود فقط باقیمانده بود.

۸ کلامی که از جانب خداوند بر میانازل شد بعد از آنکه صدقی پادشاه با تمامی قومی که در اورشلیم بودند عهد بست که ایشان به آزادی نمانند، تاهر کس غلام عبرانی خود و هر کس کنیز عبرانیه خویش را به آزادی رها کند و هیچکس برادر یهود خویش را غلام خود نسازد.

۱۰ پس جمیع سروران و تمامی قومی که داخل این عهد شدند اطاعت نموده، هر کدام غلام خود را و هر کدام کنیز خویش را به آزادی رها کردند و ایشان را دیگر به غلامی نگاه نداشتند بلکه اطاعت نموده، ایشان را رهایی دادند.

۱۱ لکن بعد از آن ایشان برگشته، غلامان و کنیزان خود را که به آزادی رها کرده بودند، باز آوردند و ایشان را به عنف به غلامی و کنیزی خود گرفتند. و کلام خداوند بر ارمیا از جانب خداوند نازل شده، گفت:

«هوه خدای اسرائیل چنین میگوید: من باید دران شما در روزی که ایشان را از زمین مصر از خانه بندگی بیرون آوردم عهد بسته، گفتم

که در آخر هر هفت سال هر کدام از شما برادر عبرانی خود را که خویشتن را به توفروخته باشد رها کنید. و چون تو را شش سال بندگی کرده باشد، او را از نزد خود به آزادی

رهایند دهی. اما پدران شما را اطاعت نمودند و گوش خود را به من فراداشتند.  
 ۱۵ و شما در این زمان باز گشت نمودید و آنچه در نظر من پسند است بجا آوردید. و هر  
 کس برای همسایه خود به آزادی ندامت داده، در خانهای که به اسم من نامیده شده است  
 عهد بستید.

۱۶ اما از آن روز تا فته اسم مرا ببعصمت کردید و هر کدام از شما غلام خود را و هر کس  
 کنیز خویش را که ایشان را بر حسب میل ایشان به آزادی رها کرده بودید، باز آوردید  
 و ایشان را به عنف به غلامی و کنیزی خود گرفتید.

۱۷ بنابراین خداوند چنین میگوید: چونکه شما را اطاعت نمودید و هر کس برای برادر  
 خود و هر کدام برای همسایه خویش به آزادی ندا نکردید، اینک خداوند میگوید: من  
 برای شما آزادی را به شمشیر و باو قحط ندای کم و شمار در میان تمامی ممالک جهان  
 مشوش خواهم گردانید.

۱۸ و تسلیم خواهم کرد کسانی را که از عهد من تجاوز نمودند و وفا نمودند به کلام عهدی  
 که به حضور من بستند، حینی که گوساله را دوپاره کرده، در میان پاره هایش گذاشتند.  
 ۱۹ یعنی سروران یهودا و سروران اورشلیم و خواجهرایان و کاهنان و تمامی قوم زمین  
 را که در میان پاره های گوساله گذر نمودند.

۲۰ و ایشان را بهدست دشمنان ایشان و بهدست آنانی که قصد جان ایشان دارند، خواهم  
 سپرد و لا شهای ایشان خوراک مرغان هوا و حیوانات زمین خواهد شد.

۲۱ و صد قیپاد شاه یهودا و سرورانش را بهدست دشمنان ایشان و بهدست آنانی که قصد  
 جان ایشان دارند و بهدست لشکر پادشاه بابل که از نزد شما رفتند تسلیم خواهم کرد.

۲۲ اینک خداوند میگوید من امری فرمایم و ایشان را به این شهر باز خواهم آورد و با  
 آن جنگ کرده، آن را خواهند گرفت و به آتش خواهند سوزانید و شهرهای یهودا را ویران  
 و غیر مسکون خواهم ساخت.»

### رکابیان

کلامی که از جانب خداوند در ایام یهوایم بن یوشیپاد شاه یهودا بر ارمیا نازل شده، گفت:

«خانه رکابیان برو به ایشان سخن گفته، ایشان را به یکی از حجره های خانه خداوند بیاور و به ایشان شراب بنوشان.»

پس یازنیا بن ارمیا بن حبصنیا و برادرانش و جمیع پسرانش و تمامی خاندان رکابیان را برداشتم، و ایشان را به خانه خداوند به حجره پسران حانان بن یجدلیا مرد خدا که به پہلوی حجره سروران و بالای حجره معسیا بن شلوم، مستحفظ آستانه بود آوردم.

۵ و کوزه های پر از شراب و پیاله ها پیش رکابیان نهاده، به ایشان گفتم: «راب بنوشید.» ایشان گفتند: «راب نمی نوشیم زیرا که پدر مایوناداب بن رکاب ما را وصیت نموده، گفت که شما و پسران شما بد شراب ننوشید.

۷ و خانه ها بنا نکنید و کشت ننمایید و تا کستانها غرس نکنید و آنها را انداخته باشید بلکه تمامی روزهای خود را در خیمه ها ساکن شوید تا روزهای بسیار به روی زمینی که شما در آن غریب هستید زنده بمانید.

۸ و ما به سخن پدر خود یوناداب بن رکاب و هر چه او به ما امر فرمود اطاعت نموده، در تمامی عمر خود شراب ننوشیدیم، نه ما و نه زنان ما و نه پسران ما و نه دختران ما.

۹ و خانه ها برای سکونت خود بنا نکردیم و تا کستانها و املاک و مزرعه ها برای خود نگرفتیم.

۱۰ و در خیمه ها ساکن شده، اطاعت نمودیم و به آنچه پدر مایوناداب ما را امر فرمود عمل نمودیم.

۱۱ لیکن وقتی که نبوکدرصر پادشاه بابل به زمین برآمد گفتیم: بیایید از ترس لشکر کلدانیان و لشکر ارمیان به اورشلیم داخل شویم پس در اورشلیم ساکن شدیم.» پس کلام خداوند بر ارمیا نازل شده، گفت:

«هوه صبا یوت خدای اسرائیل چنین میگوید: برو به مردان یهودا و ساکنان اورشلیم بگو که خداوند میگوید: آیات ادیب نمی پذیرید و به کلام من گوش نمی گیرید؟

سخنان یوناداب بن رکاب که به پسران خود وصیت نمود که شراب ننوشید استوار گردیده است و تا امر و شراب نمی نوشند و وصیت پدر خود را اطاعت مینمایند، اما من به شما سخن گفتم و صبح زود برخاسته، تکلم نمودم و مرا اطاعت نکردید.

۱۵ و بندگان خود انبیا را نزد شما فرستادم و صبح زود برخاسته، ایشان را ارسال نموده، گفتم هر کدام از راه بد خود بازگشت نمایند و اعمال خود را اصلاح کنید و خدایان غیر را پیروی ننمایید و آنها را عبادت نکنید تا در زمینی که به شما و به پدران شما داده‌ام ساکن شوید. اما شما گوش نگرفتید و مرا اطاعت نمودید.

۱۶ پس چونکه پسران یوناداب بن رکاب و صیت پدر خویش را که به ایشان فرموده است اطاعت مینمایند و این قوم مرا اطاعت نمی‌کنند،

بنابر این یهوه خدای صبا یوت خدای اسرائیل چنین میگوید: اینک من بر یهودا و بر جمیع سکنه اورشلیم تمامی آن بلارا که در باره ایشان گفتم وارد خواهم آورد زیرا که به ایشان سخن گفتم و نشنیدند و ایشان را خواندم و اجابت نمودند.»

و ارمیا به خاندان رکابیان گفت: «هوه صبا یوت خدای اسرائیل چنین میگوید: چونکه شما و صیت پدر خود یوناداب را اطاعت نمودید و جمیع اوامر او را نگاه داشته، بهر آنچه او به شما امر فرمود عمل نمودید،

بنابر این یهوه صبا یوت خدای اسرائیل چنین میگوید: از یوناداب بن رکاب کسی که دایم به حضور من بایستد کم نخواهد شد.»

### سوزاندن طومار

و در سال چهارم یهویا قیم بن یوشیا پادشاه یهودا واقع شد که این کلام از جانب خداوند بر ارمیا نازل شده، گفت:

«و ما را برای خود گرفته، تمامی سخنانی را که من در باره اسرائیل و یهودا و همه امتها به تو گفتم از روزی که به تو تکلم نمودم یعنی از ایام یوشیا تا امروز در آن بنویس.»

۳ شاید که خاندان یهودا تمامی بلارا که من میخواهم بر ایشان وارد بیاورم گوش بگیرند تا هر کدام از ایشان از راه بد خود بازگشت نمایند و من عصیان و گناهان ایشان را بیا مرزم.» پس ارمیا باروک بن نیریا را خواند و باروک از دهان ارمیا تمامی کلام خداوند را که به او گفته بود در آن طومار نوشت.

۵ و ارمیا باروک را امر فرموده، گفت: «نمحبوس هستم و نمی‌توانم به خانه خداوند

داخل شوم.

۶ پس تو برو و سخنان خداوند را از طوماری که از دهان من نوشتی در روز صوم در خانه خداوند در گوش قوم بخوان و نیز آنها را در گوش تمامی یهودا که از شهرهای خود میآیند بخوان.

۷ شاید که به حضور خداوند استغاثه نمایند و هر کدام از ایشان از راه بد خود بازگشت کنند زیرا که خشم و غضبی که خداوند در باره این قوم فرموده است عظیم میباشد.»  
پس باروک بن نیری یا هر آنچه ارمیانی او را امر فرموده بود عمل نمود و کلام خداوند را در خانه خداوند از آن طومار خواند.

۹ و در ماه نهم از سال پنجم یهو یاقیم بن یوشیا پادشاه یهودا برای تمامی اهل اورشلیم و برای همه کسانی که از شهرهای یهودا به اورشلیم میآمدند برای روزه به حضور خداوند ندا کردند.

۱۰ و باروک سخنان ارمیا را از آن طومار در خانه خداوند در حجره جمریابن شافان کاتب در صحن فوقانی نزد دهنه دروازه جدید خانه خداوند به گوش تمامی قوم خواند.

۱۱ و چون میکایا بن جمریابن شافان تمامی سخنان خداوند را از آن طومار شنید، به خانه پادشاه به حجره کاتب آمد و اینک جمیع سروران در آنجا نشسته بودند یعنی الیشامع کاتب و لایا بن شمعی و الناتان بن عکبور و جمریابن شافان و صدقیابن حنیا و سایر سروران. ۱۳ پس میکایا تمامی سخنانی را که از باروک وقتی که آنها را به گوش خلق از طومار میخواند شنید برای ایشان بازگفت.

۱۴ آنگاه تمامی سروران یهودی ابن نتنیا بن شلمبا بن کوشی را نزد باروک فرستادند تا بگویند: «ن طوماری را که به گوش قوم خواندی به دست خود گرفته، بیا.» پس باروک بن نیری یا طومار را به دست خود گرفته، نزد ایشان آمد.

و ایشان وی را گفتند: «نشین و آن را به گوشهای ما بخوان.» و باروک به گوش ایشان خواند.

۱۶ و واقع شد که چون ایشان تمامی این سخنان را شنیدند با ترس به یکدیگر نظر افکندند و به باروک گفتند: «لبته تمامی این سخنان را به پادشاه بیان خواهیم کرد.»

واز باروک سوال کرده، گفتند: «را خبریده که تمامی این سخنان را چگونه از دهان او نوشتی.»

باروک به ایشان گفت: «و تمامی این سخنان را از دهان خود برای من میخواند و من بامر کب در طومار مینوشتم.»

سروران به باروک گفتند: «و او میارفته، خویشتن را پنهان کنی تا کسی نداند که بجای باشید.»

پس طومار را در حجره الیشاماع کاتب گذاشته، بهسرای پادشاه رفتند و تمامی این سخنان را به گوش پادشاه بازگفتند.

۲۱ و پادشاه یهودی را فرستاد تا طومار را بیاورد و یهودی آن را از حجره الیشاماع کاتب آورده، در گوش پادشاه و در گوش تمامی سرورانی که به حضور پادشاه حاضر بودند خواند.

۲۲ و پادشاه در ماه نهم در خانه زمستانی نشسته و آتش پیش وی بر منقل افروخته بود.

۲۳ و واقع شد که چون یهودی سه چهار ورق خوانده بود، (پادشاه آن را با قلم تراش قطع کرده، در آتشی که بر منقل بود انداخت تا تمامی طومار در آتشی که در منقل بود سوخته شد.

۲۴ و پادشاه و همه بندگانش که تمامی این سخنان را شنیدند نه ترسیدند و نه جامه خود را چاک زدند.

لیکن الناتان و دلایا و جرمیا و زیاد شاه التماس کردند که طومار را نسوزاند اما به ایشان گوش نگرفت.

۲۶ بلکه پادشاه بر حیثیل شاهزاده و سرایا بن عزرائیل و شلمیا بن عبدئیل را امر فرمود که باروک کاتب و ارمیا بنی را بگیرند. اما خداوند ایشان را مخفی داشت.

و بعد از آنکه پادشاه طومار و سخنانی را که باروک از دهان ارمیا نوشته بود سوزانید کلام خداوند بر ارمیا نازل شده، گفت:

«و ماری دیگر برای خود باز گیر و همه سخنان اولین را که در طومار نخستین که یهو یاقیم پادشاه یهود آن را سوزانید بر آن بنویس.»

۲۹ و به یهو یاقیم پادشاه یهود با گو خداوند چنین میفرماید: تو این طومار را سوزانیدی



و گفتی چرا در آن نوشتی که پادشاه بابل البته خواهد آمد و این زمین را خراب کرده، انسان و حیوان را از آن نابود خواهد ساخت.

۳۰ بنابراین خداوند در باره یهو یاقیم پادشاه یهودا چنین میفرماید که برایش کسی نخواهد بود که بر کسی داود بنشیند و لاش او روز در گرما و شب در سرما بیرون افکنده خواهد شد.

۳۱ و بر او روزد یثش و بر بندگانش عقوبت نگاه ایشان را خواهم آورد و بر ایشان ویرسکنه اورشلیم و مردان یهودا تمامی آن بلا را که در باره ایشان گفته‌ام خواهم رسانید زیرا که مرا شنیدند.»

پس ارمیا طوماری دیگر گرفته، به باروک بن نیریای کاتب سپرد و او تمامی سخنان طوماری را که یهو یاقیم پادشاه یهودا به آتش سوزانیده بود از دهان ارمیا در آن نوشت و سخنان بسیاری نیز مثل آنها بر آن افزوده شد.

### ارمیا در زندان

۱ و صدقیان بن یوشیا پادشاه به جای کنیا هو این یهو یاقیم که نبوکدرصر پادشاه بابل او را بر زمین یهودا به پادشاهی نصب کرده بود سلطنت نمود.

۲ و او و بندگانش و اهل زمین به کلام خداوند که به واسطه ارمیانی گفته بود گوش ندادند.

۳ و صدقیان پادشاه، یهو کل بن شلمیا و صفنیا ابن معسیا کاهن را نزد ارمیای نبی فرستاد که بگویند: «زدیوه خدای ما به جهت ما استغاثه نما.»

و ارمیا در میان قوم آمد و شد می نمود زیرا که او را هنوز در زندان نینداخته بودند.

۵ و لشکر فرعون از مصر بیرون آمدند و چون کلدانیانی که اورشلیم را محاصره کرده بودند خبر ایشان را شنیدند از پیش اورشلیم رفتند.

آنگاه کلام خداوند بر ارمیانی نازل شده، گفت:

«هوه خدای اسرائیل چنین میفرماید: به پادشاه یهودا که شمار از من فرستاد تا از من مسألت نمایند چنین بگویند: اینک لشکر فرعون که به جهت اعانت شما بیرون آمده‌اند، به ولایت خود به مصر مراجعت خواهند نمود.

۸ و کلدانیان خواهند برگشت و با این شهر جنگ خواهند کرد و آن را تسخیر نموده، به

آتش خواهند سوزانید.

۹ و خداوند چنین میگوید که خویشتن را فریب ندهید و مگویید که کلدانیان از نزد ما البته خواهند رفت زیرا که نخواهند رفت.  
۱۰ بلکه اگر تمامی لشکر کلدانیانی را که باشما جنگ مینمایند چنان شکست میدادید که از ایشان غیر از مجروح شدگان کسی نمی ماند، باز هر کدام از ایشان از خیمه خود برخاسته، این شهر را به آتش میسوزانیدند.»

و بعد از آنکه لشکر کلدانیان از ترس لشکر فرعون از اورشلیم کوچ کرده بودند، واقع شد که ارمیا از اورشلیم بیرون میرفت تا به زمین بنیامین برود و در آنجا از میان قوم نصیب خود را بگیرد.

۱۳ و چون به دروازه بنیامین رسید رئیس کشیک چیان مسمی به یرثیا بن شلمیا بن حنیا در آنجا بود و او ارمیای نبی را گرفته، گفت: «زد کلدانیان میروی؟»  
ارمیا گفت: «روغ است نزد کلدانیان نمی روم.» لیکن یرثیا به وی گوش نداد و ارمیا را گرفته او را نزد سروران آورد.

۱۵ و سروران بر ارمیا خشم نموده، او را زدند و او را در خانه یونانان کاتب به زندان انداختند زیرا آن رازندان ساخته بودند.

۱۶ و چون ارمیا در سیاه چال به یکی از حجره ها داخل شده بود و ارمیا روزهای بسیار در آنجا مانده بود،

آنگاه صدقیا پادشاه فرستاده، او را آورد و پادشاه در خانه خود خفیه از او سوال نموده، گفت که «یا کلامی از جانب خداوند هست؟» ارمیا گفت: «ست و گفت به دست پادشاه بابل تسلیم خواهی شد.»

و ارمیا به صدقیا پادشاه گفت: «به تو و بندگانت و این قوم چه گناه کرده ام که مرا به زندان انداخته اید؟»

و انبیای شما که برای شما نبوت کرده، گفتند که پادشاه بابل بر شما و بر این زمین نخواهد آمد کجا میباشند؟

پس الانای اقایم پادشاه بشنو: تمنا اینکه استعدای من نزد تو پذیرفته شود که مرا به خانه یونانان کاتب پس نفرستی مبادا در آنجا بمیرم.»

پس صد قیاد شاه امر فرمود که ارمیاد در سخن زندان بگذازند. و هر روز قرص نانی از کوچه خبازان به او دادند تا همه نان از شهر تمام شد. پس ارمیاد در سخن زندان ماند.

### ارمیاد در سیاهچال

و شفقیا بن متان و جدلیا بن فشحور و یوکل بن شلهیا و فشحور بن ملکیا سخنان ارمیاد را شنیدند که تمامی قوم را بد آنها مخاطب ساخته، گفت:

«داوند چنین میگوید: هر که در این شهر بماند از شمشیر و قحط و وبا خواهد مرد ما هر که نزد کلدانیان بیرون رود خواهد زیست و جاننش برای او غنیمت شده، زنده خواهد ماند. ۳ خداوند چنین میگوید: این شهر البته به دست لشکر پادشاه بابل تسلیم شده، آن را تسخیر خواهد نمود.»

پس آن سروران به پادشاه گفتند: «منا اینکه این مرد کشته شود زیرا که بدین منوال دستهای مردان جنگی را که در این شهر باقیمانده اند و دستهای تمامی قوم راست میکند چونکه مثل این سخنان به ایشان میگوید. زیرا که این مرد سلامتی این قوم را نمی طلبد بلکه ضرر ایشان را.»

صد قیاد شاه گفت: «ینک او در دست شماست زیرا پادشاه به خلاف شما کاری نمی تواند کرد.»

پس ارمیاد را گرفته او را در سیاهچال ملکیا بن ملک که در سخن زندان بود انداختند و ارمیاد را به ریسمانها فرو هشتند و در آن سیاهچال آب نبود لیکن گل بود و ارمیاد به گل فرو رفت.

۷ و چون عبد ملک حبشی که یکی از خواجها سرایان و در خانه پادشاه بود شنید که ارمیاد را به سیاهچال انداختند) به دروازه بنیامین نشسته بود

آنگاه عبد ملک از خانه پادشاه بیرون آمد و به پادشاه عرض کرده، گفت:

«های آقا پادشاه این مردان در آنچه به ارمیاد نبی کرده و او را به سیاهچال انداخته اند شیرانه عمل نمودند و او در جایی که هست از گرسنگی خواهد مرد زیرا که در شهر هیچ نان باقی نیست.»

پس پادشاه به عبد ملک حبشی امر فرموده، گفت: «ی نفر از اینجا همراه خود بردار و ارمیاد را

نبی را قبل از آنکه بمیرد از سیاه چال برآورد.»

پس عبد ملک آن کسان را همراه خود برداشته، به خانه پادشاه از زیر خزانه داخل شد و از آنجا پارچه های مندرس و ورقه های پوسیده گرفته، آنها را باریسمانها به سیاه چال نزد ارمیا فرو هشت.

۱۲ و عبد ملک حبشی به ارمیا گفت: «بن پارچه های مندرس و ورقه های پوسیده را زیر بغل خود در زیر بسمانها بگذار.» و ارمیا چنین کرد.

۱۳ پس ارمیا را باریسمانها کشیده، او را از سیاه چال برآوردند و ارمیا در سخن زندان ساکن شد.

و صدقی پادشاه فرستاده، ارمیا نبی را به مدخل سوی که در خانه خداوند بود نزد خود آورد و پادشاه به ارمیا گفت: «ن از تو مطلبی میپرسم، از من چیزی مخفی مدار.»

ارمیا به صدقی گفت: «گرتورا خبر دهم آیا هر آینه مرا نخواهی کشت و اگرتورا پند دهم مرا نخواهی شنید؟»

آنگاه صدقی پادشاه برای ارمیا خفیه قسم خورده، گفت: «ه حیات یهوه که اینجان را برای ما آفرید قسم که تورا نخواهم کشت و تورا به دست این کسانی که قصد جان تو دارند تسلیم نخواهم کرد.»

پس ارمیا به صدقی گفت: «هوه خدای صبا یوت خدای اسرائیل چنین میگوید: اگر حقیقت نزد سروران پادشاه بابل بیرون روی، جان تو زنده خواهد ماند و این شهر به آتش سوخته نخواهد شد بلکه تو و اهل خانه ات زنده خواهید ماند.»

۱۸ اما اگر نزد سروران پادشاه بابل بیرون روی این شهر به دست کلدانیان تسلیم خواهد شد و آن را به آتش خواهند سوزانید و تو از دست ایشان نخواهی رست.»

اما صدقی پادشاه به ارمیا گفت: «ن از یهودیانی که به طرف کلدانیان شده اند میترسم، مبادا مرا به دست ایشان تسلیم نموده، ایشان مرا تفضیح نمایند.»

ارمیا در جواب گفت: «و را تسلیم نخواهند کرد. مستدعی آنکه کلام خداوند را که به تو میگویم اطاعت نمایی تا تورا خیریت شود و جان تو زنده بماند.»

۲۱ اما گرازی بیرون رفتن با نمایی کلامی که خداوند بر من کشف نموده این است:

اینک تمامی زنانی که در خانه پادشاه یهود باقیمانده اند نزد سروران پادشاه بابل بیرون برده خواهند شد و ایشان خواهند گفت: اصدقای تو تورا اغوا نموده، بر تو غالب آمدند و الان چونکه پایهای تو در لجن فرو رفته است ایشان به عقب برگشته اند.

۲۳ و جمیع زنان و فرزندان را نزد کلدانیان بیرون خواهند برد و تو از دست ایشان نخواهی رست بلکه به دست پادشاه بابل گرفتار خواهی شد و این شهر را به آتش خواهی سوزانید.»

آنگاه صدقیابه ارمیا گفت: «نهار کسی از این سخنان اطلاع نیابد و نخواهی مرد.

۲۵ و اگر سروران بشنوند که با تو گفتگو کرده ام و نزد تو آمده، تو را گویند تمنای من که ما را از آنچه به پادشاه گفتی و آنچه پادشاه به تو گفت اطلاع دهی و آن را از ما مخفی نداری تا تو را به قتل نرسانیم،

آنگاه به ایشان بگو: من عرض خود را به حضور پادشاه رسانیدم تا مرا به خانه یونان باز نفرستد تا در آنجا بمیرم.»

پس جمیع سروران نزد ارمیا آمده، از او سوال نمودند و او موافق همه این سخنانی که پادشاه به او امر فرموده بوده ایشان گفت. پس از سخن گفتن با او باز ایستادند چونکه مطلب فهمیده نشد.

۲۸ و ارمیا در صحن زندان تار و زفتح شدن اورشلیم ماند و هنگامی که اورشلیم گرفته شد در آنجا بود.

### سقوط اورشلیم

در ماه دهم از سال نهم صدقیابه پادشاه یهودا، نبوکدرصر پادشاه بابل با تمامی لشکر خود بر اورشلیم آمده، آن را محاصره نمودند.

۲ و در روز نهم ماه چهارم از سال یازدهم صدقیابه در شهر رخنه کردند.

۳ و تمام سروران پادشاه بابل داخل شده، در دروازه وسطی نشستند یعنی نرجل شراصر و سمحرنیو و سر سکیم رئیس خواجهرایان و نرجل شراصر رئیس مجوسیان و سایر سرداران پادشاه بابل.

۴ و چون صدقیابه پادشاه یهودا تمامی مردان جنگی این را دیدند فرار کرده، به راه باغ

شاه از دروازه‌های که در میان دو حصار بود در وقت شب از شهر بیرون رفتند و (ادشاه به راه عمر به رفت.

۵ و لشکر کلدانیان ایشان را تعاقب نموده، در عمر به اریحابه صد قیاسیدند و او را گرفتار

کرده، نزد نبوکدرصر پادشاه بابل به ربله در زمین حیات آوردند و او بروی فتوی داد.

۶ و پادشاه بابل پسران صد قیاس را پیش رویش در ربله به قتل رسانید و پادشاه بابل تمامی شرفای یهود را کشت.

۷ و چشمان صد قیاس را کور کرد و او را به زنجیرها بسته، به بابل برد.

۸ و کلدانیان خانه پادشاه و خانه‌های قوم را به آتش سوزانیدند و حصارهای اورشلیم را منهدم ساختند.

۹ و نبوزردان رئیس جلادان، بقیه قوم را که در شهر باقیمانده بودند و خارجین را که

بطرف او شده بودند و بقیه قوم را که مانده بودند به بابل به اسیری برد.

۱۰ لیکن نبوزردان رئیس جلادان فقیران قوم را که چیزی نداشتند در زمین یهودا وا گذاشت و تا کستانها و مزرعه‌ها در آن روز به ایشان داد.

و نبوکدرصر پادشاه بابل در باره ارمیاه نبوزردان رئیس جلادان امر فرموده، گفت:

«و را بگیر و به او نیک متوجه شده، هیچ اذیتی به وی مرسان بلکه هر چه به تو بگوید برایش

بعمل آور.»

پس نبوزردان رئیس جلادان و نبوشزبان رئیس خواجهسرایان و نرجل شراصر رئیس

محبوسیان و سایر سروران پادشاه بابل فرستادند.

۱۴ و ارسال نموده، ارمیاس را از سخن زندان برداشتند و او را به جدلیا بن اخیقام بن شافان

سپردند تا او را به خانه خود ببرد. پس در میان قوم ساکن شد.

و چون ارمیاه هنوز در سخن زندان محبوس بود، کلام خداوند بروی نازل شده، گفت:

«و رو عبد ملک حبشی را خطاب کرده، بگو: یهوه صبا یوت خدای اسرائیل چنین میفرماید:

اینک کلام خود را بر این شهر به بلا وارد خواهیم آورد و نه بخوبی و در آن روز در نظر تو واقع

خواهد شد.

۱۷ لیکن خداوند میگوید: من تو را در آن روز نجات خواهم داد و به دست کسانی

که از ایشان میترسی تسلیم نخواهی شد.

۱۸ زیرا خداوند می گوید که تو را البته رهایی خواهیم داد و به شمشیر نخواهی افتاد، بلکه از این جهت که بر من توکل نمودی جان تو برایت غنیمت خواهد شد.»

### آزادی ارمیا

کلامی که از جانب خداوند بر ارمیا نازل شد بعد از آنکه نبوزردان رئیس جلادان او را از زمام رهایی داد و وی را از میان تمامی اسیران اورشلیم و یهودا که به بابل جلائی وطن میشدند و او در میان ایشان به زنجیرها بسته شده بود برگرفت.

۲ و رئیس جلادان ارمیا را گرفته، وی را گفت: «هوه خدایت این بلارادر باره این مکان فرموده است.

۳ و خداوند بر حسب کلام خود این را به وقوع آورده، عمل نموده است.

و حال اینکه من امر و زورتور از زنجیرهایی که بردستهای تو است رها می کنم. پس

اگر در نظرت پسند آید که با من به بابل بیایی و تورا نیکو متوجه خواهم شد. و اگر

در نظرت پسند نیاید که همراه من به بابل آیی، پس میا و بدان که تمامی زمین پیش تو است هر جایی که در نظرت خوش و پسند آید که بروی به آنجا برو.»

و وقتی که او هنوز برنگشته بود (ی را گفت): «زد جدلیا بن اخیقام بن شافان که پادشاه

بابل او را بر شهرهای یهودا نصب کرده است برگرد و نزد او در میان قوم ساکن شو یا هر

جایی که می خواهی بروی برو.» پس رئیس جلادان او را توشه راه و هدیه داد و او را رها نمود.

۶ و ارمیا نزد جدلیا بن اخیقام به مصفیه آمده، نزد او در میان قومی که در زمین باقیمانده بودند ساکن شد.

### کشته شدن جدلیا

و چون تمامی سرداران لشکر که در صحرا بودند و مردان ایشان شنیدند که پادشاه بابل

جدلیا بن اخیقام را بر زمین نصب کرده و مردان و زنان و اطفال و فقیران زمین را که به

بابل برده نشده بودند به او سپرده است،

آنگاه ایشان نزد جدلیا به مصفیه آمدند یعنی اسماعیل بن نتنیا و یوحانان و یوناتان پسران قاریح

و سرایا بن تخومت و پسران عیفای نطوفاتی و یزنیاسر معکاتی ایشان و مردان ایشان.

۹ وجدلیا بن اخیقام بن شافان برای ایشان و کسان ایشان قسم خورده، گفت: «ز خدمت نمودن به کلدانیان مترسید. در زمین ساکن شوید و پادشاه بابل را بندگی نماید و برای شما نیکو خواهد شد.»

۱۰ و امامن اینک در مصفبه ساکن خواهم شد تا به حضور کلدانیانی که نزد ما آیند حاضر شوم و شما شراب و میوه جات و روغن جمع کرده، در ظروف خود بگذارید و در شهرهایی که برای خود گرفتهاید ساکن باشید.»

و نیز چون تمامی یهودیانی که در موآب و در میان بنی عمون و در ادم و سایر ولایات بودند شنیدند که پادشاه بابل و بقیه‌های از یهود را وا گذاشته وجدلیا بن اخیقام بن شافان را برایشان گماشته است،

آنگاه جمیع یهودیان از هر جایی که پراکنده شده بودند مراجعت کردند و به زمین یهودا نزد جدلیابه مصفبه آمدند و شراب و میوه جات بسیار و فراوان جمع نمودند.

و یوحانان بن قاریح و همه سرداران لشکری که در بیابان بودند نزد جدلیابه مصفبه آمدند، و او را گفتند: «یاهیچ میدانی که بعلیس پادشاه بنی عمون اسماعیل بن نتنیا را فرستاده است تا تورا بکشد؟» اما جدلیا بن اخیقام ایشان را باور نکرد.

۱۵ پس یوحانان بن قاریح جدلیا را در مصفبه خفیه خطاب کرده، گفت: «ذن بده که بروم و اسماعیل بن نتنیا را بکشم و کسی آگاه نخواهد شد. چرا او تورا بکشد و

جمیع یهودیانی که نزد تو فراهم آمده اند پراکنده شوند و بقیه یهودیان تلف گردند؟» اما جدلیا بن اخیقام به یوحانان بن قاریح گفت: «ین کار را ممکن زیرا که در باره اسماعیل دروغ میگوینی.»

و در ماه هفتم واقع شد که اسماعیل بن نتنیا بن الیشاماع که از نسل پادشاهان بود با بعضی از روسای پادشاه و ده نفر همراهش نزد جدلیا بن اخیقام به مصفبه آمدند و آنجا در مصفبه باهم نان خوردند.

۲ و اسماعیل بن نتنیا و آن ده نفر که همراهش بودند برخاسته، جدلیا بن اخیقام بن شافان را به شمشیر زدند و او را که پادشاه بابل به حکومت زمین نصب کرده بود کشت.



۳ و اسماعیل تمامی یهودیانی را که همراه او یعنی با جدلیا در مصفبه بودند و کلدانیانی را که در آنجا یافت شدند و مردان جنگی را کشت.

و در روز دوم بعد از آنکه جدلیا را کشته بود و کسی از آن اطلاع نیافته بود، هشتاد نفر باریش تراشیده و گریبان دریده و بدن خراشیده هدا یا و بخور با خود آورده، از شکیم و شیلو و سامره آمدند تا به خانه خداوند بپرند.

۶ و اسماعیل بن نتنیا به استقبال ایشان از مصفبه بیرون آمد و در رفتن گریه میکرد و چون به ایشان رسید گفت: «زد جدلیا بن اخیقام بیاید.»

و هنگامی که ایشان به میان شهر رسیدند اسماعیل بن نتنیا و کسانی که همراهش بودند ایشان را کشته، در حفره انداختند.

۸ اما در میان ایشان ده نفر پیدا شدند که به اسماعیل گفتند: «ارامکش زیرا که ما را ذخیره‌های از گندم و جو و روغن و عسل در صحرا میباشد.» پس ایشان را وا گذاشته، در میان برادران ایشان نکشت.

و حفره‌های که اسماعیل بد نه‌های همه کسانی را که به سبب جدلیا کشته در آن انداخته بود همان است که آسپاد شاه به سبب بعشپاد شاه اسرائیل ساخته بود و اسماعیل بن نتنیا آن را از کشتگان برگرد.

۱۰ پس اسماعیل تمامی بقیه قوم را که در مصفبه بودند با دختران پادشاه و جمیع کسانی که در مصفبه باقیمانده بودند که نبوزردان رئیس جلادان به جدلیا بن اخیقام سپرده بود، اسیر ساخت و اسماعیل بن نتنیا ایشان را اسیر ساخته، میرفت تا نزد بنی عمون بگذرد.

۱۱ اما چون یوحانان بن قاریج و تمامی سرداران لشکری که همراهش بودند از تمامی فتنه‌های که اسماعیل بن نتنیا کرده بود خبر یافتند،

آنگاه جمیع کسان خود را برداشتند و به قصد مقاتله با اسماعیل بن نتنیا روانه شده، او را نزد دریاچه بزرگ که در جبعون است یافتند.

۱۳ و چون جمیع کسانی که با اسماعیل بودند یوحانان بن قاریج و تمامی سرداران لشکر را که همراهش بودند دیدند خوشحال شدند.

۱۴ و تمامی کسانی که اسماعیل از مصفبه به اسیری میبرد و تافته، برگشتند و نزد یوحانان

بن قاریج آمدند.

۱۵ اما اسماعیل بن نتنیا با هشت نفر از دست یوحانان فرار کرد و نزد بنی عمون رفت.

فرار به مصر

یوحانان بن قاریج با همه سرداران لشکر که همراهش بودند، تمامی بقیه قومی را که از دست اسماعیل بن نتنیا از مصفیه بعد از کشته شدن جدلیا بن اخیقام خلاصی داده بود بگرفت، یعنی مردان دلیر جنگی و زنان و اطفال و خواجهرسرایان را که ایشان را در جبعون خلاصی داده بود؛

و ایشان رفته، در جبروت کهام که نزدیک لحم است منزل گرفتند تا بروند و به مصر داخل شوند،

به سبب کلدانیان زیرا که از ایشان میترسیدند چونکه اسماعیل بن نتنیا جدلیا بن اخیقام را که پادشاه بابل او را حاکم زمین قرار داده بود کشته بود.

پس تمامی سرداران لشکر و یوحانان بن قاریج و یزینیا بن هوشعیا و تمامی خاق از خرد و بزرگ پیش آمدند،

و به ارمیای نبی گفتند: «منا اینکه التماس ما نزد تو پذیرفته شود و به جهت ما و به جهت تمامی این بقیه نزدیکه خدای خود مسالت نمایی زیرا که ما قلیلی از کثیر باقیمانده ایم چنانکه چشمانت ما را میبیند.»

۳ تایهوه خدایت ما را به راهی که باید برویم و به کاری که باید بکنیم اعلام نماید.»

پس ارمیای نبی به ایشان گفت: «نیدم. اینک من بر حسب آنچه به من گفتاید، نزدیکه خدای شما مسالت خواهم نمود و هر چه خداوند در جواب شما بگوید به شما اطلاع خواهم داد و چیزی از شما باز نخواهم داشت.»

ایشان به ارمیا گفتند: «داوند در میان ما شاهد راست و امین باشد که بر حسب تمامی کلامی که یهوه خدایت به واسطه تو نزد ما بفرستد عمل خواهیم نمود.»

۶ خواه نیکو باشد و خواه بد، کلام یهوه خدای خود را که تو را نزد اومی فرستیم اطاعت خواهیم نمود تا آنکه قول یهوه خدای خود را اطاعت نموده، برای ما سعادت مندی بشود.»

و بعد از ده روز واقع شد که کلام خداوند بر ارمیا نازل شد.

۸ پس یوحانان بن قاریج و همه سرداران لشکر که همراهش بودند و تمامی قوم را از کوچک و بزرگ خطاب کرده،  
به ایشان گفت: «هوه خدای اسرائیل که شما را نزد وی فرستاد دیدتادعای شمارا به حضور او برسانم چنین میفرماید:

اگر فی الحقیقه در این زمین بمانید آنگاه شمارا بنا نموده، منهدم نخواهم ساخت و غرس کرده، نخواهم کند، زیرا از بلایی که به شما رسانیدم پشیمان شدم.

۱۱ از پادشاه بابل که از او بیم دارید ترسان مباشید. بلی خداوند می گوید از او ترسان مباشید زیرا که من باشما هستم تا شمارا نجاتبخشم و شمارا از دست او رهایی دهم.  
۱۲ و من بر شما رحمت خواهم فرمود تا او بر شما لطف نماید و شمارا به زمین خودتان پس بفرستد.

۱۳ اما اگر گوید که در این زمین نخواهیم ماند و اگر سخن یهوه خدای خود را گوش نگیرید،

و بگویند نی بلکه به زمین مصر خواهیم رفت زیرا که در آنجا جنگ نخواهیم دید و آواز کرنا نخواهیم شنید و برای نان گرسنه نخواهیم شد و در آنجا ساکن خواهیم شد، پس حال بنا بر اینای بقیه یهودا کلام خداوند را بشنوید: یهوه صبا یوت خدای اسرائیل چنین میگوید: اگر به رفتن به مصر جازم میباشید و اگر در آنجا رفته، ساکن شوید، آنگاه شمشیری که از آن میترسید البته آنجا در مصر به شما خواهد رسید و قطعی که از آن هراسان هستید آنجا در مصر شمارا خواهد دریافت و در آنجا خواهید مرد.  
۱۷ و جمیع کسانی که برای رفتن به مصر و سکونت در آنجا جازم شده اند، از شمشیر و قحط و وبا خواهند مرد و احدی از ایشان از آن بلایی که من بر ایشان میرسانم باقی نخواهد ماند و خلاصی نخواهد یافت.

۱۸ زیرا که یهوه صبا یوت خدای اسرائیل چنین میگوید: چنانکه خشم و غضب من بر ساکنان اورشلیم ریخته شد، همچنان غضب من به مجرد ورود شما به مصر بر شما ریخته خواهد شد و شما مورد نفرین و دهشت و لعنت و عار خواهید شد و این مکان را دیگر نخواهید دید.»

ای بقیه یهود خداوند به شما میگوید به مصر مروید، یقین بدانید که من امروز شمارا تهدید نمودم. ۲۰ زیرا خوبشتر را فریب دادید چونکه مرا نزد یهوه خدای خود فرستاده، گفتید که برای ما نزد یهوه خدای ما مسالت نما و ما را موافق هر آنچه یهوه خدای ما بگوید، مخبر ساز و آن را بعمل خواهیم آورد.

۲۱ پس امروز شمارا مخبر ساختم اما شما نه به قول یهوه خدای خود و نه به بیچیزی که به واسطه من نزد شما فرستاد گوش گرفتید.

۲۲ پس الان یقین بدانید که شما در مکانی که میخواهید بروید و در آن ساکن شوید از شمشیر و قحط و وبا خواهید مرد.

و چون ارمیا فارغ شد از گفتن به تمامی قوم، تمامی کلام یهوه خدای ایشان را که یهوه خدای ایشان آن را به واسطه او نزد ایشان فرستاده بود یعنی جمیع این سخن را،

انگاه عزریاب بن هوشعیار و یوحانان بن قاریح و جمیع مردان متکبر، ارمیا را خطاب کرده، گفتند: «دروغ میگوئی، یهوه خدای ما تورا نفرستاده است تا بگوئی به مصر مروید و در آنجا سکونت نمایی.»

۳ بلکه باروک بن نیریاتورا بر ما برانگیخته است تا ما را به دست کلدانیان تسلیم نموده، ایشان ما را بکشند و به بابل به اسیری ببرند.»  
و یوحانان بن قاریح و همه سرداران لشکر و تمامی قوم فرمان خداوند را که در زمین یهودا بمانند، اطاعت نمودند.

۵ بلکه یوحانان بن قاریح و همه سرداران لشکر، بقیه یهودارا که از میان تمامی امت هابی که در میان آنها پراکنده شده بودند برگشته، در زمین یهودا ساکن شده بودند گرفتند.

۶ یعنی مردان و زنان و اطفال و دختران پادشاه و همه کسانی را که نبوزردان رئیس جلا دان، به جدلیا بن اخیقام بن شافان سپرده بود و ارمیای نبی و باروک بن نیریارا.

۷ و به زمین مصر رفتند زیرا که قول خداوند را گوش نگرفتند و به تحفنجیس آمدند. پس کلام خداوند در تحفنجیس بر ارمیا نازل شده، گفت:

«نگهای بزرگ به دست خود بگیر و آنها را در نظر مردان یهودا در سعهای که نزد دروازه

خانه فرعون در تحفنجیس است با گچی پوشان.

۱۰ و به ایشان بگو که یهوه صبا یوت خدای اسرائیل چنین میگوید: اینک من فرستاده، بنده خود نبوکدرصر پادشاه بابل را خواهم گرفت و کرسی او را بر این سنگهایی که پوشانیدم خواهم نهاد و او سا بیان خود را بر آنها خواهد برافراشت.

۱۱ و آمده، زمین مصر را خواهد زد و آنانی را که مستوجب موتاند به موت و آنانی را که مستوجب اسیر یاند به اسیری و آنانی را که مستوجب شمشیرند به شمشیر (واهد سپرد). □□ و آنتی در خانه های خدایان مصر خواهم افروخت و آنها را خواهد سوزانید و یهوه اسیری خواهد برد و خویشتن را به زمین مصر ملبس خواهد ساخت مثل شبانی که خویشتن را به جامه خود ملبس سازد و از آنجا به سلامتی بیرون خواهد رفت.

۱۳ و تمثالهای بیت شمس را که در زمین مصر است خواهد شکست و خانه های خدایان مصر را به آتش خواهد سوزانید.»

### نتیجه شرارت

کلامی که درباره تمامی یهود که در زمین مصر ساکن بودند و در مجدل و تحفنجیس و نوف و زمین قتر و س سکونت داشتند، به ارمیا نازل شده، گفت:

«هوه صبا یوت خدای اسرائیل چنین میفرماید: شما تمامی بلایی را که من بر اورشلیم و تمامی شهرهای یهودا وارد آوردم دیدید که اینک امر و زخراب شده است و ساکنی در آنها نیست.

۳ به سبب شرارتی که کردند و خشم مرا به بیجان آوردند از اینکه رفته، بخور سوزانیدند و خدایان غیرا که نه ایشان و نه شما و نه پدران شما آنها را شناخته بودید عبادت نمودند.

۴ و من جمیع بندگان خود انبیا را نزد شما فرستادم و صبح زود بر خاسته، ایشان را ارسال نمودم، گفتم این رجاست را که من از آن نفرت دارم بعمل نیاورید.

۵ اما ایشان نشنیدند و گوش خود را فرانداشتند تا از شرارت خود بازگشت نمایند و برای خدایان غیر بخور نسوزانند.

۶ بنابراین خشم و غضب من ریخته و بر شهرهای یهودا و کوچه های اورشلیم افروخته گردید که آنها مثل امر و زخراب و ویران گردیده است.

۷ پس حال یهوه خدای صبايوت خدای اسرائیل چنین میگوید: شما چرا این شرارت عظیم را بر جان خود وارد میآوردید تا خویشتن را از مردوزن و طفل و شیرخواره از میان یهودا منقطع سازید و از برای خود بقیهای نگذارید؟

زیرا که در زمین مصر که به آنجا برای سکونت رفتاید برای خدایان غیر بخورسوزانیده، خشم مرا به اعمال دستهای خود به هیجان میآورد تا من شمارا منقطع سازم و شما در میان تمامی امت های زمین مورد لعنت و عار بشوید.

۹ آیا شرارت پدران خود و شرارت پادشاهان یهودا و شرارت زنان ایشان و شرارت خود و شرارت زنان خویش را که در زمین یهودا و کوچه های اورشلیم بعمل آوردید، فراموش کردهاید؟

و تا امروز متواضع نشده و ترسان نگشته اند و به شریعت و فرایض من که به حضور شما و به حضور پدران شما گذاشتم، سالک نگردیده اند.

«نا بر این یهوه صبايوت خدای اسرائیل چنین میگوید: اینک من روی خود را بر شما به بلا میگردانم تا تمامی یهودا را هلاک کنم.

۱۲ و بقیه یهودا را که رفتن به مصر و ساکن شدن در آنجا را جزم نموده اند، خواهم گرفت تا جمیع ایشان در زمین مصر هلاک شوند. و ایشان به شمشیر و قحط خواهند افتاد و از خرد و بزرگ به شمشیر و قحط تلف شده، خواهند مرد و مورد نفرین و دهشت و لعنت و عار خواهند گردید.

۱۳ و به آنانی که در زمین مصر ساکن شوند به شمشیر و قحط و و با عقوبت خواهم رسانید. چنانکه به اورشلیم عقوبت رسانیدم.

۱۴ و از بقیه یهودا که به زمین مصر رفته، در آنجا سکونت پذیرند احدی خلاصی نخواهد یافت و باقی نخواهد ماند تا به زمین یهودا که ایشان مشتاق برگشتن و ساکن شدن در آنجا خواهند شد مراجعت نماید. زیرا احدی از ایشان غیر از ناجیان مراجعت نخواهد کرد.»

آنگاه تمامی مردانی که آگاه بودند که زنان ایشان برای خدایان غیر بخورمیسوزانند و جمیع زنانی که حاضر بودند با گروهی عظیم و تمامی کسانی که در زمین مصر در قتر و وس ساکن

بودند، در جواب ارمیا گفتند:

«اتو را در این کلامی که به اسم خداوند به ما گفتی گوش نخواهیم گرفت.»

۱۷ بلکه بهر چیزی که از دهان ما صادر شود البته عمل خواهیم نمود و برای ملکه آسمان بخور سوزانیده، هدیه ریختنی به جهت او خواهیم ریخت چنانکه خود ما و پدران ما و پادشاهان و سروران مادر شهرهای یهودا و کوچه‌های اورشلیم می‌کردیم. زیرا که در آن زمان از نان سیر شده، سعادت مند می‌بودیم و یلارائی دیدیم.

۱۸ اما از زمانی که بخور سوزانیدن را برای ملکه آسمان و ریختن هدایای ریختنی را به جهت او ترک نمودیم، محتاج همه چیز شدیم و به شمشیر و قحط هلاک گردیدیم.

۱۹ و چون به جهت ملکه آسمان بخور می‌سوزانیدیم و هدیه ریختنی برای او می‌ریختیم، آیا بیاطلاع شوهران خویش قرصا به شبیه او می‌ریختیم و هدیه ریختنی به جهت او می‌ریختیم؟ پس ارمیا تمامی قوم را از مردان و زنان و همه کسانی که این جواب را بدو داده بودند خطاب کرده، گفت:

«یا خداوند بخوری را که شما و پدران شما و پادشاهان و سروران شما و اهل ملک در شهرهای یهودا و کوچه‌های اورشلیم سوزانیدند، بیاد نیاورده و آیا به خاطر او و خطور نکرده است؟ چنانکه خداوند به سبب شرارت اعمال شما و جاساتی که بعمل آورده بودید، دیگر نتوانست تحمل نماید. لہذا زمین شما و پدران و مورد دشت و لعنت و غیر مسکون گردیده، چنانکه امروز شده است.»

۲۳ چونکه بخور سوزانیدید و به خداوند نگاه ورزیده، به قول خداوند گوش ندادید و به شریعت و فرایض و شهادت او سلوک ننمودید، بنابراین این بلا مثل امروز بر شما وارد شده است.»

و ارمیا به تمامی قوم و به جمیع زنان گفت: «ای تمامی یهودا که در زمین مصر هستی کلام خداوند را بشنوید!»

یهوه صبا یوت خدای اسرائیل چنین می‌گوید: شما و زنان شما هم با دهان خود تکلم مینمایید و هم بادستهای خود بجای آوردید و می‌گویید نذرهایی را که کردیم البته وفا خواهیم نمود و بخور برای ملکه آسمان خواهیم سوزانید و هدایای ریختنی برای او خواهیم ریخت. پس

نذرهای خود را استوار خواهید کرد و نذرهای خود را وفا خواهید نمود. بنابراین ای تمامی یهودا که در زمین مصر ساکن هستید کلام خداوند را بشنوید. اینک خداوند میگوید: من به اسم عظیم خود قسم خوردم که اسم من بار دیگر به دهان هیچکدام از یهود در تمامی زمین مصر آورده نخواهد شد و نخواهند گفت: به حیات خداوند یهوه قسم.

۲۷ اینک من بر ایشان به بدی مراقب خواهم بود و نه به نیکویی تا جمیع مردان یهودا که در زمین مصر میباشند به شمشیر و فقط هلاک شده، تمام شوند.

۲۸ لیکن عدد قلیلی از شمشیر رهایی یافته، از زمین مصر به زمین یهودا مراجعت خواهند نمود و تمامی بقیه یهودا که به جهت سکونت آنجا در زمین مصر رفته‌اند، خواهند دانست که کلام کدامیک از من و ایشان استوار خواهد شد.

۲۹ و خداوند میگوید: این است علامت برای شما که من در اینجا به شما عقب‌ت خواهم رسانید تا بدانید که کلام من در باره شما البته به بدی استوار خواهد شد.

۳۰ خداوند چنین میگوید: اینک من فرعون حفر عیاد شاه مصر را به دست دشمنانش و به دست آنانی که قصد جان او دارند تسلیم خواهم کرد. چنانکه صد قیاد شاه یهودا را به دست دشمنش نبوکد نصر یاد شاه بابل که قصد جان او میداشت، تسلیم نمودم.»

### پیام به باروک

کلامی که از میان بنی به باروک بن نیر یا خطاب کرده، گفت، هنگامی که این سخن را از دهان او می‌آید در سال چهارم یهویا قیم بن یوشیا پادشاه یهودا در طومار نوشت:

«ی باروک یهوه خدای اسرائیل به تو چنین می‌فرماید:

تو گفتی ای وای بر من زیرا خداوند بر درد من غم افزوده است. از ناله کشیدن خسته شده‌ام و استراحت نمی‌یابم.

۴ او را چنین بگو، خداوند چنین می‌فرماید: آنچه بنا کرده‌ام، منهدم خواهم ساخت و آنچه غرس نمودم یعنی تمامی این زمین را، از ریشه خواهم کند.

۵ و آیات و چیزهای بزرگ برای خویشتن می‌طلبی؟ آنها را طلب منماز را خداوند میگوید:



اینک من بر تمامی بشر بلا خواهم رسانید. اما در هر جایی که بروی جانت رابه توبه غنیمت خواهم بخشید.»

### کلام خدا در باره مصر

کلام خداوند در باره امتهای که به ارمیا نازل شد؛

در باره مصر و لشکر فرعون نکو که نزد نهر فرات در کره‌ش بودند و نبودند و نوک در صر یادشاه بابل ایشان را در سال چهارم به یو یاقیم بن یوشیا پادشاه یهودا شکست داد:

«جن و سپهر را حاضر کنید و برای جنگ نزدیک آید.

۴ ای سواران اسبان را بیارید و سوار شوید و با خودهای خود بایستید. نیزه‌ها را صیقل دهید و زره‌ها را پوشید.

۵ خداوند میگوید: چرا ایشان را میبینم که هراسان شده، به عقب برمی گردند و شجاعان ایشان خرد شده، بالکل منزه میشوند و به عقب نمی نگرند، زیرا که خوف از هر طرف میباشد.

۶ تیزروان فرار نکنند و زورآوران رهایی نیابند. بطرف شمال به کنار نهر فرات می‌غزند و می‌افتند.

۷ این کیست که مانند رود نیل سیلان کرده است و آبهای او مثل نهرهایش متلاطم میگردد؟

مصر مانند رود نیل سیلان کرده است و آبهایش مثل نهرهای متلاطم گشته، میگوید: من سیلان کرده، زمین را خواهم پوشانید و شهر و ساکنانش را هلاک خواهم ساخت.

۹ ای اسبان، برآید و ای اراجها تند بروید و شجاعان بیرون بروند. ای اهل حبش و فوت که سپرداران هستید و ای لودیان که کمان را میگیرید و آن را می کشید.

۱۰ زیرا که آن روز روز انتقام خداوند یهوه صبا یوت میباشد که از دشمنان خود انتقام بگیرد. پس شمشیر هلاک کرده، سیر میشود و از خون ایشان مست میگردد. زیرا خداوند یهوه صبا یوت در زمین شمال نزد نهر فرات ذبحی دارد.

۱۱ ای باکره دختر مصر به جلعاد برای و بلسان بگیر. درمانهای زیاد را عبث به کار میبری. برای تو علاج نیست.

۱۲ امتهار سوایی تو را می شنوند و جهان از ناله تو پر شده است زیرا که شجاع بر شجاع میلغزد و هر دو ی ایشان با هم میافتند.»

کلامی که خداوند در باره آمدن نبوکدرصر پادشاه بابل و مغلوب ساختن زمین مصر به ارمیانی گفت:

«مصر خبر دهد و به مجدل اعلام نماید و به نوف و تحفنجیس اطلاع دهید. بگویند برپاشوید و خویشتان را آماده سازید زیرا که شمشیر مجاورت راهلاک کرده است. ۱۵ زور آورانت چرا به زیر افکنده میشوند و نمی توانند ایستاد؟ زیرا خداوند ایشان را پراکنده ساخته است.»

۱۶ بسیاری را الغزائیده است و ایشان بر یکدیگر میافتند، و میگویند: بر خیزید و از شمشیر بران نزد قوم خود و به زمین مولد خویش برگردیم.

۱۷ در آنجا فرعون، پادشاه مصر راهلاک مینامد و فرصت را از دست داده است. ۱۸ پادشاه که نام او بهوه صبایوت میباشد می گوید به حیات خود قسم که او مثل تابور، در میان کوهها و مانند کرمل، نزد دریا خواهد آمد.

۱۹ ای دختر مصر که در (منبت) ساکن هستی، اسباب جلای وطن را برای خود مهیا ساز زیرا که نوف ویران و سوخته و غیر مسکون گردیده است.

۲۰ مصر گوساله بسیار نیکو منظر است اما هلاکت از طرف شمال میآید و میآید.

۲۱ سپاهیان به مزد گرفته او در میانش مثل گوساله های پرواری میباشند. زیرا که ایشان نیز روتافته، باهم فراری کنند و نمی ایستند. چونکه روز هلاکت ایشان و وقت عقوبت ایشان برایشان رسیده است.

۲۲ آواز آن مثل مار میروند زیرا که آنها با قوت میخراهند و با تبرها مثل چوب بران بر او می آیند.

۲۳ خداوند میگوید که جنگل او را قطع خواهند نمود اگر چه لایحی میباشند. زیرا که ایشان از ملنخها زیاده و از حد شماره افزونند.

۲۴ دختر مصر نجل شده، به دست قوم شمالی تسلیم گردیده است.

۲۵ بهوه صبایوت خدای اسرائیل میگوید: اینک من بر آمون نو و فرعون و مصر و خدایانش

و یاد شاهانش یعنی بر فرعون و آنانی که بروی تو کل دارند، عقوبت خواهم رسانید.  
 ۲۶ و خداوند میگوید که ایشان را به دست آنانی که قصد جان ایشان دارند، یعنی به دست  
 نبوکدرص پادشاه بابل و به دست بندگانش تسلیم خواهم کرد و بعد از آن، مثل ایام سابق  
 مسکون خواهد شد.

۲۷ اما تو ای بنده من یعقوب مترس و ای اسرائیل هر اسان مشوزیرا اینک من تو را از  
 جای دور و ذریت تو را از زمین اسیری ایشان نجات خواهم داد و یعقوب برگشته، در امنیت  
 و استراحت خواهد بود و کسی او را نخواهد ترسانید.

۲۸ و خداوند میگوید: ای بنده من یعقوب مترس زیرا که من باتو هستم و اگر چه تمام  
 امتها را که تو در میان آنها پراکنده ساختهم بالکل هلاک سازم لیکن تو را بالکل هلاک  
 نخواهم ساخت. بلکه تو را به انصاف تادیب خواهم نمود و تو را هرگز بیسزا نخواهم  
 گذاشت.»

### کلام خدا در باره فلسطین

کلام خداوند در باره فلسطینیان که برار میانی نازل شد قبل از آنکه فرعون غزه را مغلوب  
 بسازد.

۲ خداوند چنین میگوید: «ینک آبها از شمال برمی آید و مثل نهری سیلان میکند و زمین  
 را با آنچه در آن است و شهر و ساکنانش را در می گیرد. و مردمان فریاد برمی آورند و  
 جمیع سکنه زمین و لوله مینمایند

از صدای سمهای اسبان زور آورش و از غوغای ارا به هایش و شورش چرخهایش. و پدران  
 به سبب سستی دستهای خود به فرزندان خویش اعتنائی کنند.

۴ به سبب روزی که برای هلاکت جمیع فلسطینیان می آید که هر نصرت کنندهای  
 را که باقی میماند از صورت و صید و منقطع خواهد ساخت. زیرا خداوند فلسطینیان  
 یعنی بقیه جزیره گفتور را هلاک خواهد ساخت.

۵ اهل غزه بریده مو گشته اند و اشقون و بقیه وادی ایشان هلاک شده است. تابه  
 کی بدن خود را خواهی خراشید؟

آهای شمشیر خداوند تابه کی آرام نخواهی گرفت؟ به غلاف خود برگشته، مستریخ و آرام

شو.

۷ چگونه میتوانی آرام بگیری، با آنکه خداوند تورا بر اشقلون و بر ساحل دریای مامور فرموده و تورا به آنجا تعیین نموده است؟»

### پیغام درباره موآب

درباره موآب، یهوه صبا یوت خدای اسرائیل چنین میگوید: «ای برنوزیرا که خراب شده است. قریه تایم نخل و گرفتار گردیده است. و مسجاب رسوا و منهدم گشته است.

۲ نخر موآب زایل شده، در حشبون برای وی تقدیرهای بد کردند. بیایید او را منقطع سازیم تا دیگر قوم نباشد. تونیزای مدین ساکت خواهی شد و شمشیر تورا تعاقب خواهد نمود.

۳ آواز ناله از حور و نایم مسموع میشود. هلاکت و شکستگی عظیم.

۴ موآب بهم شکسته است و صغیرهای او فریاد بر می آورند.

۵ زیرا که به فراز لو حیت با گریه سخت بر می آیند و از سر آزریری حور و نایم صدای شکست یافتن از دشمنان شنیده میشود.

۶ بگریزید و جانهای خود را بر هانید و مثل درخت عمر عرد در بیابان باشید.

۷ زیرا از این جهت که به اعمال و گنجهای خویش توکل نمودی تونیز گرفتار خواهی شد. و کموش با کاهنان و سرورانش با هم به اسیری خواهند رفت.

۸ و غارت کننده به همه شهرها خواهد آمد و هیچ شهر خلاصی نخواهد یافت و بر حسب فرمان خداوند اهل وادی تلف خواهند شد و اهل همواری هلاک خواهند گردید.

۹ بالها به موآب بدهید تا پرواز نموده، بگریزد و شهرهایش خراب و غیر مسکون خواهد شد.

۱۰ ملعون باد کسیکه کار خداوند را با غفلت عمل نماید و ملعون باد کسیکه شمشیر خود را از خون بازدارد.

۱۱ موآب از طفولیت خود مستریج بوده و بر دردهای خود نشسته است و از ظرف به ظرف ریخته نشده و به اسیری نرفته است. از این سبب طعمش در او مانده است و خوشبویی او تغییر نیافته است.

- ۱۲ بنابراین اینک خداوند میگوید: روزها میآید که من ریزندگان میفرستم که او را بریزند و ظروف او را خالی کرده، مشکهایش را پاره خواهند نمود.
- ۱۳ و موآب از کوش شرمنده خواهد شد چنانکه خاندان اسرائیل از بیت تیل که اعتماد ایشان بود، شرمنده شدهاند.
- ۱۴ چگونه میگویند که ما شجاعان و مردان قوی برای جنگ میباشیم؟
- موآب خراب شده و دود شهرهایش متصاعد می شود و جوانان برگزیده هاشم به قتل فرود می آیند. پادشاه که نام او یهوه صبا یوت میباشد این را میگوید:
- رسیدن هلاکت موآب نزدیک است و بلای او بزودی هرچه تمامتر میآید.
- ۱۷ ای جمیع مجاورانش و همگانی که نام او را می دانید برای وی ماتم گیرید. بگویند عصای قوت و چوب دستی زیبایی چگونه شکسته شده است!
- ای دختر دیون (که) رامنیت (ساکن هستی از جلال خود فرود آی و در جای خشک بنشین زیرا که غارت کننده موآب بر تو هجوم میآورد و قلعه های تو را منهدم میسازد.
- ۱۹ ای تو که در عرو و غیر ساکن هستی به سر راه بایست و نگاه کن و از فراریان و ناجیان پیرس و بگو که چه شده است؟
- موآب نخل شده، زیرا که شکست یافته است پس ولوله و فریاد بر آورید. در انون اخبار نماید که موآب هلاک گشته است.
- ۲۱ و داوری بر زمین همواری رسیده است.
- و بردیون و نبوویت دبلتایم،
- و برقریه تایم و بیت جامول و بیت معون،
- و برقریوت و بصره و بر تمامی شهرهای بعید و قریب زمین موآب.
- «داوند میگوید که شاخ موآب بریده و بازویش شکسته شده است.
- ۲۶ او را مست سازید زیرا به ضد خداوند تکبر مینماید. و موآب در قی خود غوطه میخورد و او نیز مضحکه خواهد شد.
- ۲۷ آیا اسرائیل برای تو مضحکه نبود؟ و آیا او در میان دزدان یافت شده حدی که هر وقت که درباره او سخن میگفتی سر خود را می جنبانیدی؟

ای ساکنان موآب شهرها را ترک کرده، در صخره ساکن شوید و مثل فاختهای باشید که آشیانه خود را در کنار دهنه مغاره میسازد.

۲۹ غرور موآب و بسیاری تکبر او را و عظمت و خیلا و کبر و بلندی دل او را شنیدیم.

۳۰ خداوند میگوید: خشم او را میدانم که هیچ است و خنجرهای او را که از آنها هیچ بر نمی آید.

۳۱ بنابراین برای موآب و لوله خواهم کرد و به جهت تمامی موآب فریاد بر خواهم آورد. برای مردان قیر حارس ماتم گرفته خواهد شد.

۳۲ برای توای موسمه به گریه یعزیر خواهم گریست. شاخه های تو از دریا گذشته بود و به دریاچه یعزیر رسیده، بر میوهها و انگورهایت غارت کننده هجوم آورده است.

۳۳ شادی و ابتهاج از بستانها و زمین موآب برداشته شد و شراب را از چرخشته های ایل ساختم و کسی آنها را به صدای شادمانی به پا نخواهد فشرد. صدای شادمانی صدای شادمانی نیست.

۳۴ به فریاد حشبون آواز خود را تا اعاله و یا هص بلند کردند و از صوغر تا حور و نایم عجلت شلیشیا، زیرا که آبهای نمریم نیز خرابه شده است.

۳۵ و خداوند می گوید من آنانی را که در مکان های بلند قربانی میگذرانند و برای خدایان خود بخور می سوزانند از موآب نابود خواهم گردانید.

۳۶ لهذا دل من به جهت موآب مثل نای صدای کند و دل من به جهت مردان قیر حارس مثل نای صدا میکند، چونکه دولتی که تحصیل نمودند تلف شده است.

۳۷ و هر سر پیچو گشته و هر ریش تراشیده شده است و همه دستها خراشیده و بر هر کمر پلاس است.

۳۸ بر همه پشت بامهای موآب و در جمیع کوچه هایش ماتم است زیرا خداوند میگوید موآب را مثل ظرف ناپسند شکستام.

۳۹ چگونه منهدم شده و ایشان چگونه و لوله میکنند؟ و موآب چگونه به رسوایی پشت داده است؟ پس موآب برای جمیع مجاوران خود مضحکه و باعث ترس شده است.

- ۴۰ زیرا خداوند چنین میگوید: او مثل عقاب پرواز خواهد کرد و بالهای خویش را بر موآب پهن خواهد نمود.
- ۴۱ شهر هایش گرفتار و قلعه هایش تسخیر شده، و دل شجاعان موآب در آن روز مثل دل زنی که در دزه داشته باشد خواهد شد.
- ۴۲ و موآب خراب شده، دیگر قوم نخواهد بود چونکه به ضد خداوند تکبر نموده است.
- ۴۳ خداوند میگوید: ای ساکن موآب خوف و حفره و دام پیش روی تو است.
- ۴۴ آنکه از ترس بگریزد در حفره خواهد افتاد و آنکه از حفره برآید گرفتار دام خواهد شد، زیرا خداوند فرموده است که سال عقوبت ایشان را بر ایشان یعنی بر موآب خواهم آورد.
- ۴۵ فراریان بیتاب شده، در سایه حشبون ایستاده اند زیرا که آتش از حشبون و نار از میان سیحون بیرون آمده، حدود موآب و فرق سرفتنه انگیزان را خواهد سوزانید.
- ۴۶ و ای بر توای موآب! قوم کموش هلاک شده اند زیرا که پسرانت به اسیری و دخترانت به جلای وطن گرفتار گردیده اند.
- ۴۷ لیکن خداوند می گوید که در ایام آخر، اسیران موآب را باز خواهم آورد. حکم درباره موآب تا اینجا است.»

### کلام خدا درباره بنی عمون

- درباره بنی عمون، خداوند چنین می گوید: «یا اسرائیل پسران ندارد و آیا او را وارثی نیست؟ پس چرا ملکم جاد را به تصرف آورده و قوم او در شهر هایش ساکن شده اند؟
- لذا اینک خداوند میگوید: ایامی میآید که نعره جنگ را در ربه بنی عمون خواهم شنوایید و تل ویران خواهد گشت و دهاتش به آتش سوخته خواهد شد. و خداوند میگوید که اسرائیل متصرفان خویش را به تصرف خواهد آورد.»
- ای حشبون و لوله کن، زیرا که عای خراب شده است. ای دهات ربه فریاد برآورید و پلاس پوشیده، ماتم گیرید و بر حصارها گردش نمایید. زیرا که ملکم با کاهنان و سروران خود با هم به اسیری میروند.

۴ ای دختر مرتد چرا از وادیهای بی‌معنی وادیهای برومند خود نفرمی نمایی؟ ای تو که به خزاین خود توکل مینمایی (کیست که نزد من تواند آمد؟  
اینک خداوند یهوه صباوت میگوید: «ن از جمیع مجاورانت خوف بر تو خواهم آورد و هر یکی از شما پیش روی خود پراکنده خواهد شد و کسی نخواهد بود که پراکنندگان را جمع نماید.

۶ لیکن خداوند میگوید: بعد از این اسیران بنی عمون را باز خواهم آورد.»

### کلام خدا در باره دوم

در باره دوم یهوه صباوت چنین میگوید: «یاد دیگر حکمت در تیمان نیست؟ و آیا مشورت از فهیمان زایل شده و حکمت ایشان نابود گردیده است؟  
ای ساکنان ددان بگریزید و رو تافته در جایهای عمیق ساکن شوید. زیرا که بلای عیسو و زمان عقوبت وی را بر او خواهم آورد.

۹ اگرانگور چینان نزد تو آید، آیا بعضی خوشه‌ها را نمی‌گذاری؟ و اگر گردان در شب (بند) آید، آیا به قدر کفایت غارت نمی‌نمایند؟

امامان عیسو را برهنه ساخته و جایهای مخفی او را مکشوف گردانید، هام که خویشتر را نتواند پنهان کرد. ذریت او و برادران و همسایگانش هلاک شده‌اند و خودش نابود گردیده است.

۱۱ یتیمان خود را ترک کن و من ایشان را زنده نگاه خواهم داشت و بیوه‌زنانت بر من توکل بنمایند.

۱۲ زیرا خداوند چنین میگوید: اینک آنانی که رسم ایشان نبود که اینجام را بنوشند، البته خواهند نوشید و آیاتو بیسزا خواهی ماند؟ بیسزا خواهی ماند بلکه البته خواهی نوشید.

۱۳ زیرا خداوند میگوید به ذات خودم قسم میخورم که بصره مورد دهشت و عار و خرابی و لغت خواهد شد و جمیع شهرهایش خرابه ابدی خواهد گشت.

۱۴ از جانب خداوند خبری شنیدم که رسولی نزد امتهای ستاده شده، (ی گوید): «مع شوید و بر او هجوم آورید و برای جنگ بر خیزید!



زیرا که هان من تورا کوچکترین امته و در میان مردم خوار خواهم گردانید.  
 ۱۶ ای که در شکافهای صخره ساکن هستی و بلندی تلها را گرفته‌ای، هیبت تو و تکبر دلت تورا فریب داده است اگر چه مثل عقاب آشیانه خود را بلند بسازی، خداوند میگوید که من تورا از آنجا فرود خواهم آورد.

۱۷ وادوم محل تعجب خواهد گشت به حدی که هر که از آن عبور نماید متحیر شده، به سبب همه صد ماتش صفیر خواهد زد.

۱۸ خداوند میگوید: چنانکه سدوم و عموره و شهرهای مجاور آنها و از گون شده است، همچنان کسی در آنجا ساکن نخواهد شد و احدی از بنی آدم در آن ما و آن خواهد گزید.  
 ۱۹ اینک او مثل شیر از طغیان اردن به آن مسکن منیع بر خواهد آمد، زیرا که من وی را در لحظهای از آنجا خواهم راند. و کیست آن برگزیده‌ای که او را بر آن بگزام؟ زیرا کیست که مثل من باشد و کیست که مرا به محاکمه بیاورد و کیست آن شبانی که به حضور من تواند ایستاد؟»

بنابراین مشورت خداوند را که در باره ادوم نموده است و تقدیرهای او را که در باره ساکنان تیمان فرموده است بشنوید. البته ایشان صغیران گله را خواهند بود و هر آینه مسکن ایشان را برای ایشان خراب خواهد ساخت.

۲۱ از صدای افتادن ایشان زمین متزلزل گردد و آواز فریاد ایشان تا به بحر قلزم مسموع شد.

۲۲ اینک او مثل عقاب برآمده، پرواز میکند و بالهای خویش را بر بصره پهن مینماید و دل شجاعان ادوم در آن روز مثل دل زنی که در دزه داشته باشد خواهد شد.

### کلام خدا در باره دمشق

در باره دمشق: «مات وارفاد نخل گردید هاند زیرا که خبر بد شنیده، گداخته شده اند. دمشق ضعیف شده، رو به فرار نهاده و لرزه او را در گرفته است. آلام و دردها او را مثل زنی که میزاید گرفته است.

۲۵ چگونه شهر نامور و قریه ابتهاج من متروک نشده است؟

لذا پیوه صبا یوت میگوید: جوانان او در کوچه‌هایش خواهند افتاد و همه مردان جنگی

اودر آن روز هلاک خواهند شد.

۲۷ و من آتش در حصارهای دمشق خواهم افروخت و قصرهای بنهد را خواهد سوزانید.»

### کلام خدا در باره قیدار و حاصور

در باره قیدار و ممالک حاصور که نبوکدرصر پادشاه بابل آنها را مغلوب ساخت، خداوند چنین میگوید: «رخیزید و بر قیدار هجوم آورید و بنی مشرق را تاراج نمایید.

۲۹ خیمهها و گلههای ایشان را خواهند گرفت. پردهها و تمامی اسباب و شتران ایشان را برای خویشان خواهند برد و بر ایشان ندا خواهند داد که خوف از هر طرف! بگریزید و به زودی هر چه تمامتر فرار نمایید. ای ساکنان حاصور در جایهای عمیق ساکن شوید.» زیرا خداوند میگوید: «بوکدرصر پادشاه بابل به ضد شما مشورتی کرده و به خلاف شما تدبیری نموده است.

۳۱ خداوند فرموده است که بر رخیزید و بر امت مطمئن که در امنیت ساکنانده هجوم آورید. ایشان را نه دروازهها و نه پشت بندها است و به تنهایی ساکن میباشند.

۳۲ خداوند میگوید که شتران ایشان تاراج و کثرت مواشی ایشان غارت خواهد شد و آنانی را که گوشههای موی خود را می تراشند بسوی هر یاد پراکنده خواهم ساخت و هلاکت ایشان را از هر طرف ایشان خواهم آورد.

۳۳ و حاصور مسکن شغالها و ویرانه ابدی خواهد شد به حدی که کسی در آن ساکن نخواهد گردید و احدی از بنی آدم در آن ما و نخواهد گزید.»

### کلام خدا در باره عیلام

کلام خداوند در باره عیلام که بر ارمیانی در ابتدای سلطنت صدقیاد شاه یهودانازل شده، گفت:

«هوه صباوت چنین میگوید: اینک من کمان عیلام و مایه قوت ایشان را خواهم شکست.

۳۶ و چهار باد را از چهار سمت آسمان بر عیلام خواهم وزانید و ایشان را بسوی همه این بادها پراکنده خواهم ساخت به حدی که هیچ امتی نباشد که پراکنندگان عیلام نزد آنها نیایند.

۳۷ واهل عیلام رابه حضورد شمنان ایشان وبه حضورآنانی که قصد جان ایشان دارند مشوش خواهم ساخت. و خداوند میگوید که برایشان بلا یعنی حدت خشم خویش را وارد خواهم آورد و شمشیر را در عقب ایشان خواهم فرستاد تا ایشان را بالکل هلاک سازم.

۳۸ و خداوند میگوید: من کرسی خود را در عیلام برپا خواهم نمود و پادشاه و سروران را از آنجا نابود خواهم ساخت.

۳۹ لیکن خداوند میگوید: در ایام آخر اسیران عیلام را باز خواهم آورد.»

### کلام خدا در باره بابل

کلامی که خداوند در باره بابل وزمین کلدانیان به واسطه ارمیانی گفت: «رمیان امته اخبار و اعلام نمائید، علمی برافراشته، اعلام نمائید و مخفی مدارید. بگوئید که بابل گرفتار شده، و بیل نخل گردیده است. مروتک خرد شده و اصنام اورسو او بتپایش شکسته گردیده است

زیرا که امتی از طرف شمال بر او میآید و زمینش را ویران خواهد ساخت به حدی که کسی در آن ساکن نخواهد شد و هم انسان و هم بهایم فرار کرده، خواهند رفت. ۴ خداوند میگوید که در آن ایام و در آن زمان بنیاسرائیل و بنی یهودا باهم خواهند آمد. ایشان گریهکنان خواهند آمد و یهوه خدای خود را خواهند طلبید.

۵ و رویهای خود را بسوی صهیون نهاده، راه آن را خواهند پرسید و خواهند گفت بیایید و به عهد ابدی که فراموش نشود به خداوند ملصق شویم.

«و من گوسفندان گم شده بودند و شبانان ایشان ایشان را گمراه کرده، بر کوهها آواره ساختند. از کوه به تل رفته، آرامگاه خود را فراموش کردند.

۷ هر که ایشان را مییافت ایشان را میخورد و دوشمنان ایشان میگفتند که گناه نداریم زیرا که به یهوه که مسکن عدالت است و به یهوه که امید پدران ایشان بود، گناه ورزیدند. ۸ از میان بابل فرار کنید و از زمین کلدانیان بیرون آید. و مانند بزهای نر پیش روی گله راه روید.

- ۹ زیرا اینک من جمعیت امت های عظیم را از زمین شمال برمی انگیزانم و ایشان را بر بابل میآورم و ایشان در برابر آن صف آرایی خواهند نمود و در آنوقت گرفتار خواهد شد. تیرهای ایشان مثل تیرهای جبار هلاک کننده که یکی از آنها خالی برنگردد خواهد بود.
- ۱۰ خداوند میگوید که کلدانیان تاراج خواهند شد و هر که ایشان را غارت نماید سیر خواهد گشت.
- ۱۱ زیرا شما ای غارت کنندگان میراث من شادی و وجد کردید و مانند گوساله های که خرمن را پامال کند، جست و خیز نمودید و مانند اسبان زور آورشیده زدید.
- ۱۲ مادر شما بسیار نجل خواهد شد و والده شما رسوا خواهد گردید. هان او موخر امتهای بیابان و زمین خشک و عریض خواهد شد.
- ۱۳ به سبب خشم خداوند مسکون نخواهد شد بلکه بالکل ویران خواهد گشت. و هر که از بابل عبور نماید متحیر شده، به جهت تمام بلایایش صفر خواهد زد.
- ۱۴ ای جمیع کمان داران در برابر بابل از هر طرف صف آرایی نمائید. تیرها بر او بیندازید و دریغ ننمائید زیرا به خداوند نگاه ورزیده است.
- ۱۵ از هر طرف بر او نعره زنید چونکه خویشان را تسلیم نموده است. حصارهایش افتاده و دیوارهایش منهدم شده است زیرا که این انتقام خداوند است. پس از او انتقام بگیری و بطوری که او عمل نموده است همچنان با او عمل نمائید.
- ۱۶ و از بابل، بزرگان و آثانی را که داس را در زمان درو بکار میبرند منقطع سازید. و از ترس شمشیر برنده هر کس بسوی قوم خود توجه نماید و هر کس به زمین خویش بگریزد.
- «اسرائیل مثل گوسفند، پراکنده گردید. شیران او را تعاقب کردند. اول پادشاه آشور او را خورد و آخرین نبوکدرصر پادشاه بابل استخوانهای او را خورد کرد.»
- بنابراین یهوه صبا یوت خدای اسرائیل چنین میگوید: «یک من پادشاه بابل و بر زمین او عقوبت خواهیم رسانید چنانکه پادشاه آشور عقوبت رسانیدم.
- ۱۹ و اسرائیل را به مرتع خودش باز خواهیم آورد و در کرمل و ایشان خواهد چرید و بر کوهستان افرایم و جلعاد جان او سیر خواهد شد.

- ۲۰ خداوند میگوید که در آن ایام و در آن زمان عصیان اسرائیل را خواهند جست و نخواهد بود و گناه یهود را اما پدید نخواهد شد، زیرا آنان را که باقی میگذارم خواهم آمرزید.
- «رزمین مرا تا ایم برآی یعنی بر آن و بر ساکنان فقود. خداوند میگوید: بکش و ایشان را تعاقب نموده، بالکل هلاک کن و موافق هر آنچه من تو را امر فرمایم عمل نما.
- ۲۲ آواز جنگ و شکست عظیم در زمین است.
- ۲۳ کوپال تمام جهان چگونه بریده و شکسته شده و بابل در میان امتهای چگونه ویران گردیده است.
- ۲۴ ای بابل از برای تو دام گسترده و تونیز گرفتار شده، اطلاع نداری. یافت شده، تسخیر گشتهای چونکه با خداوند مخاصمه نمودی.
- ۲۵ خداوند اسلحه خانه خود را گشوده، اسلحه خشم خویش را بیرون آورده است. زیرا خداوند یهوه صباوت بازمین کلدانیان کاری دارد.
- ۲۶ براو از همه اطراف بیاید و انبارهای او را بگشاید، او را مثل توده های انباشته بالکل هلاک سازید و چیزی از او باقی نماند.
- ۲۷ همه گاوانش را به سلاح خانه فرود آورده، بکشید. وای بر ایشان! زیرا که یوم ایشان و زمان عقوبت ایشان رسیده است.
- ۲۸ آواز فراریان و نجات یافتگان از زمین بابل مسموع میشود که از انتقام یهوه خدای ما و انتقام هیکل او در صهیون اخبار مینمایند.
- ۲۹ تیراندازان را به ضد بابل جمع کنید. ای همگانی که کمان راز می کنید، در برابر او از هر طرف اردو زیند تا احدی رهایی نیابد و بروفق اعمالش او را جزا دهید و مطابق هر آنچه کرده است به او عمل نمایید. زیرا که به ضد خداوند و به ضد قدوس اسرائیل تکبر نموده است.
- ۳۰ لهذا خداوند می گوید که جوانانش در کوچه هایش خواهند افتاد و جمیع مردان جنگیش در آن روز هلاک خواهند شد.
- «ینک خداوند یهوه صباوت میگوید: ای متکبر من بر ضد تو هستم. زیرا که یوم تو و زمانی که به تو عقوبت برسانم رسیده است.

- ۳۲ و آن متکبر لغزش خورده، خواهد افتاد و کسی اورا نخواهد بر خیزانید و آتش در شهر هایش خواهد افروخت که تمامی حوالی آنها را خواهد سوزانید.
- ۳۳ یهوه صبا یوت چنین میگوید: بنیاسرائیل و بنی یهودا با هم مظلوم شدند و همه آنانی که ایشان را اسیر کردند ایشان را محکم نگاه میدارند و از رها کردن ایشان با منماینند.
- ۳۴ اما ولی ایشان که اسم او یهوه صبا یوت میباشد زور آوراست و دعوی ایشان را البته انجام خواهد داد و زمین را آرامی خواهد بخشید و ساکنان بابل را بی آرام خواهد ساخت.
- ۳۵ خداوند میگوید: شمشیری بر کلدانیان است و بر ساکنان بابل و سرورانش و حکیماناش.
- ۳۶ شمشیری بر کاذبان است و احمق خواهند گردید. شمشیری بر جباران است و مشوش خواهند شد.
- ۳۷ شمشیری بر اسبانش و بر اربه هایش میباشد و بر تمامی مخلوق مختلف که در میانش هستند و مثل زنان خواهند شد. شمشیری بر خزانه هایش است و غارت خواهد شد.
- ۳۸ خشکسالی بر آبهایش میباشد و خشک خواهد شد زیرا که آن زمین تنهاست و بر اصنام دیوانه شده هاند.
- بنابراین وحوش صحرا با گرگان ساکن خواهند شد و شتر مرغ در آن سکونت خواهد داشت و بعد از آن تا به ابد مسکون نخواهد شد و نسلا بعد نسل معمور نخواهد گردید.»
- خداوند می گوید: «نانکه خدا سدوم و عموره و شهرهای مجاور آنها را و از گون ساخت، همچنان کسی آنجا ساکن نخواهد شد و احدی از بنی آدم در آن ما و نخواهد گردید.
- ۴۱ اینک قومی از طرف شمال می آیند و امتی عظیم و پادشاهان بسیار از کرانه های جهان برانگیخته خواهند شد.
- ۴۲ ایشان کمان و نیزه خواهند گرفت. ایشان ستم پیشه هستند و ترحم نخواهند نمود. آواز ایشان مثل شورش دریا است و بر اسبان سوار شده، در برابر توای دختر بابل مثل مردان جنگی صف آرایی خواهند نمود.
- ۴۳ پادشاه بابل آوازه ایشان را شنید و دستهایش سست گردید. و الم و درد او را مثل زنی که میزاید در گرفته است.
- ۴۴ اینک او مثل شیر از طغیان اردن به آن مسکن منبع بر خواهد آمد زیرا که من ایشان

رادر لحظهای از آنجا خواهیم راند. و کیست آن برگزیده‌های که اورا بر آن بگمارم؟ زیرا کیست که مثل من باشد و کیست که مرا به محاکمه بیاورد و کیست آن شبانی که به حضور من تواند ایستاد؟»

بنابراین مشورت خداوند را که درباره بابل نموده است و تقدیرهای او را که درباره زمین کلدانیان فرموده است بشنوید. البته ایشان صغیران گله را خواهند ربود و هر آینه مسکن ایشان را برای ایشان خراب خواهد ساخت.

۴۶ از صدای تسخیر بابل زمین متزلزل شد و آواز آن در میان امتها مسموع گردید.

«داوند چنین میگوید:» ینک من بر بابل و بر ساکنان و بر سطمقاومت کنندگان بادی مهلک برمی‌انگیزانم.

۲ و من بر بابل خرمن کوبان خواهم فرستاد و آن را خواهند کوبید و زمین آن را خالی خواهند ساخت زیرا که ایشان در روز بلاء آن را از هر طرف احاطه خواهند کرد.

۳ تیرانداز بر تیرانداز و بر آنکه به زره خویش مفتخر مییاشد تیر خود را ببندد. و بر جوانان آن ترحم ننمایید بلکه تمام لشکران را بالکل هلاک سازید.

۴ ایشان بر زمین کلدانیان مقتول و در کوچه‌هایش مجروح خواهند افتاد.

۵ زیرا که اسرائیل و یهود از خدای خویش یهوه صباوت متروک نخواهند شد، اگر چه زمین ایشان از گاهی که به قدوس اسرائیل ورزید هاند پر شده است.

۶ از میان بابل بگریزید و هر کس جان خود را بر هاند مباد در گناه آن هلاک شوید. زیرا که این زمان انتقام خداوند است و او مکافات به آن خواهد رسانید.

۷ بابل در دست خداوند جام طلایی است که تمام جهان رامست میسازد. امتها از شرابش نوشیده، و از این جهت امتها دیوانه گردیده‌اند.

۸ بابل به ناگهان افتاده و شکسته شده است برای آن ولوله نمایید. بلسان به جهت جراحت آن بگریید که شاید شفا یابد.

۹ بابل را معالجه نمودیم اما شفا نپذیرفت. پس آن را ترک کنید و هر کدام از ما به زمین خود برویم زیرا که داوری آن به آسمانها رسیده و به افلاک بلند شده است.

۱۰ خداوند عدالت ما را مکشوف خواهد ساخت. پس بیایید و اعمال یهوه خدای

خویش را در صهیون اخبار نمایم.

۱۱ تیرهاراتیز کنید و سپهرها را به دست گیرید زیرا خداوند روح پادشاهان مادیان را برانگیخته است و فکرا و به ضد بابل است تا آن را هلاک سازد. زیرا که این انتقام خداوند و انتقام هیکل اومی باشد.

۱۲ بر حصارهای بابل، علمها برافرازید و آن را نیکو حراست نموده، کشیک چنان قرار دهید و کمین بگذارید. زیرا خداوند قصد نموده و هم آنچه را که درباره ساکنان بابل گفته به عمل آورده است.

۱۳ ای که بر آبهای بسیار ساکنی و از گنجها معمور میباشی! عاقبت تو و نهایت طمع تو رسیده است!

یهوه صبیوت به ذات خود قسم خورده است که من تو را از مردمان مثل ملخ بر خواهم ساخت و بر تو گلبانگ خواهند زد.

«وزمین رابه قوت خود ساخت و ربع مسکون رابه حکمت خویش استوار نمود. و آسمانها رابه عقل خود گسترانید.

۱۶ چون آوازی دهد غوغای آبهادر آسمان پدید میآید. ابرها از اقصای زمین برمی آورد و بر قهاری باران میسازد و باد را از خزانه های خود بیرون میآورد.

۱۷ جمیع مردمان وحشیانند و معرفت ندارند و هر که تمثالی میسازد نجمل خواهد شد. زیرا که بت ریخته شده او دروغ است و در آن هیچ نفس نیست.

۱۸ آنها باطل و کار مسخره میباشند. در روزی که به محاکمه میآیند تلف خواهند شد.

۱۹ او که نصیب یعقوب است مثل آنها نمی باشد. زیرا که او سازنده همه موجودات است (و اسرائیل (عصای میراث وی است و اسم او یهوه صبیوت می باشد).

«و برای من کویال و اسلحه جنگ هستی. پس از تو امتهارا خرد خواهم ساخت و از تو ممالک را هلاک خواهم نمود.

۲۱ و از تو اسب و سوارش را خرد خواهم ساخت و از تو رابه و سوارش را خرد خواهم ساخت.



۲۲ واز تو مردوزن را خرد خواهم ساخت و از تو پیر و طفل را خرد خواهم ساخت و از تو جوان و دوشیزه را خرد خواهم ساخت.

۲۳ و از تو شبان و گلهاش را خرد خواهم ساخت. و از تو خویشان و گاوانش را خرد خواهم ساخت. و از تو حاکمان و والیان را خرد خواهم ساخت.

۲۴ و خداوند میگوید: به بابل و جمیع سکنه زمین کلدانیان جزای تمامی بدی را که ایشان به صهیون کرده اند در نظر شما خواهم رسانید.

۲۵ اینک خداوند میگوید: ای کوه مخرب که تمامی جهان را خراب میسازی من به ضد تو هستم! و دست خود را بر تو بلند کرده، تو را از روی صخرهها خواهم غلطانید و تو را کوه سوخته شده خواهم ساخت!

و از تو سنگی به جهت سرز او به یاسنگی به جهت بنیاد نخواهند گرفت، بلکه خداوند میگوید که تو خرابی ابدی خواهی شد.

«لمهاد رزمین برافرازید و کرنا در میان امتهابنوازید. امتهارابه ضد او حاضر سازید و ممالک آزارات و منی و اشگاز را بروی جمع کنید. سرداران به ضد وی نصب نمایند و اسبان را مثل ملخ مودار بر آورید.

۲۸ امتهارابه ضد وی مهیا سازید. پادشاهان مادیان و حاکمانش و جمیع والیانش و تمامی اهل زمین سلطنت او را.

۲۹ و جهان متزلزل و در دنیا خواهد شد. زیرا که فکرهاى خداوند به ضد بابل ثابت میماند تا زمین بابل را ویران و غیر مسکون گرداند.

۳۰ و شجاعان بابل از جنگ دست برمی دارند و در ملاذهای خویش مینشینند و جبروت ایشان زایل شده، مثل زن گشته اند و مسکنهای سوخته و پشت بندهایش شکسته شده است.

۳۱ قاصد برابر قاصد و پیک برابر پیک خواهد دوید تا پادشاه بابل را خبر دهد که شهرش از هر طرف گرفته شد.

۳۲ معبرها گرفتار شد و نیهارابه آتش سوختند و مردان جنگی مضطرب گردیدند. «برا که یهوه صبا یوت خدای اسرائیل چنین میگوید: دختر بابل مثل خرمن در وقت کوبیدنش شده است و بعد از اندک زمانی وقت دروید و خواهد رسید.

- ۳۴ نیوکدرصر پادشاه بابل را خورده و تلف کرده است و مرا ظرف خالی ساخته مثل ازدها مرا بلعیده، شکم خود را از نفایس من پر کرده و مرا مطرود نموده است.
- ۳۵ و ساکنه صهیون خواهد گفت ظلمی که بر من و بر جسد من شده بر بابل فرود شود. و اورشلیم خواهد گفت: خون من بر ساکنان زمین کلدانیان وارد آید.
- ۳۶ بنا بر این خداوند چنین میگوید: اینک من دعوی تو را به انجام خواهم رسانید و انتقام تو را خواهم کشید و نهرو را خشک ساخته، چشم‌هایش را خواهم خشکانید.
- ۳۷ و بابل به تله‌ها و مسکن شغالها و محل دهشت و مسخره مبدل شده، احدی در آن ساکن نخواهد شد.
- ۳۸ مثل شیران باهم غرش خواهند کرد و مانند شیر بچگان نعره خواهند زد.
- ۳۹ و خداوند میگوید: هنگامی که گرم شوند برای ایشان بز می‌بریا کرده، ایشان را مست خواهم ساخت تا وجد نموده، به خواب دایمی بخوابند که از آن بیدار نشوند.
- ۴۰ و ایشان را مثل بره‌ها و قوچ‌ها و بزهای نریه مسلخ فرود خواهم آورد.
- ۴۱ چگونه شیشک گرفتار شده و افتخار تمامی جهان تسخیر گردیده است! چگونه بابل در میان امتهای دهشت گشته است!
- در بابل برآمده و آن به کثرت امواجش مستور گردیده است.
- ۴۲ شهرهایش خراب شده، به زمین خشک و بیابان مبدل گشته.
- و من بیل را در بابل سزا خواهم داد و آنچه را که بلعیده است از دهانش بیرون خواهم آورد.
- و امتهای دیگر به زیارت آن نخواهند رفت و حصار بابل خواهد افتاد.
- «ی قوم من از میانش بیرون آید و هر کدام جان خود را از حدت خشم خداوند برهانید.
- ۴۶ و دل شما ضعف نکند و آوازه‌های که در زمین مسموع شود مترسید. زیرا که در آن سال آوازه‌های شنیده خواهد شد و در سال بعد از آن آوازه‌های دیگر. و در زمین ظلم خواهد شد و حاکم به ضد حاکم) و اهد بر آمد.
- بنا بر این اینک ایامی می‌آید که به بهای بابل عقوبت خواهم رسانید و تمامی زمینش نخل خواهد شد و جمیع مقتولانش در میانش خواهند افتاد.

۴۸ اما آسمانها و زمین و هر چه در آنها باشد بر بابل ترنم خواهند نمود. زیرا خداوند میگوید که غارت کنندگان از طرف شمال بر او خواهند آمد.

۴۹ چنانکه بابل باعث افتادن مقتولان اسرائیل شده است، همچنین مقتولان تمامی جهان در بابل خواهند افتاد.

۵۰ ای کسانی که از شمشیر سرستگار شده اید بروید و توقف ننمایید و خداوند را از جای دور متذکر شوید و اورشلیم را به خاطر خود آورید.»

مانجل گشته ایم ز آنرو که عار را شنیدیم و رسوایی چهره ما را پوشانیده است. زیرا که غریبان به مقدسهای خانه خداوند داخل شده اند.

۵۲ بنابراین خداوند میگوید: «ینک ایامی میآید که به بتپایش عقوبت خواهیم رسانید و در تمامی زمینش مجروحان ناله خواهند کرد.

۵۳ اگر چه بابل تا به آسمان خویشتن را برافرازد و اگر چه بلندی قوت خویش را حصین نماید، لیکن خداوند میگوید: غارت کنندگان از جانب من بر او خواهند آمد.

۵۴ صدای غوغا از بابل میآید و آواز شکست عظیمی از زمین کلدانیان.

۵۵ زیرا خداوند بابل را تاراج مینماید و صدای عظیم را از میان آن نابود میکند و امواج ایشان مثل آبهای بسیار شورش مینماید و صدای آواز ایشان شنیده میشود.

۵۶ زیرا که بر آن یعنی بر بابل غارت کننده برمی آید و جبارانش گرفتار شده، کانهای ایشان شکسته میشود. چونکه یهوه خدای مجازات است و البته مکافات خواهد رسانید.

۵۷ و پادشاه که اسم او یهوه صبیوت است میگوید که من سروران و حکیمان و حاکمان و والیان و جبارانش را مست خواهم ساخت و به خواب دایمی که از آن بیدار نشوند، خواهند خوابید.

۵۸ یهوه صبیوت چنین میگوید که حصارهای وسیع بابل بالکل سرنگون خواهد شد و دروازه های بلندش به آتش سوخته خواهد گردید و امتهابه جهت بطالت مشقت خواهند کشید و قبایل به جهت آتش خویشتن را خسته خواهند کرد.»

کلامی که در میان بنی بصریا این نیریا بن محسیامرافر مودهنگاهی که او با صدقیان پادشاه یهودا در سال چهارم سلطنت وی به بابل میرفت. و سرایارئیس دستگاه بود.

۶۰ و ارمیا تمام بلارا که بر بابل میبایست بیاید در طوماری نوشت یعنی تمامی این سخنانی را که در باره بابل مکتوب است.

۶۱ و ارمیا بهسرایا گفت: «ون به بابل داخل شوی، آنگاه بین و تمامی این سخنان را بخوان. ۶۲ و بگو: ای خداوند تو در باره این مکان فرمودهای که آن راهلاک خواهی ساخت به حدی که احدی از انسان یا از بهایم در آن ساکن نشود بلکه خرابه ابدی خواهد شد. ۶۳ و چون از خواندن این طومار فارغ شدی، سنگی به آن ببند و آن را به میان فرات ببند از. ۶۴ و بگو همچین بابل بهسبب بلایی که من بر او وارد میآورم، غرق خواهد گردید و دیگر بر آن نخواهد شد و ایشان خسته خواهند شد.»  
تا اینجا سخنان ارمیا است.

### سقوط اورشلیم

صد قیایست و یکساله بود که آغاز سلطنت نمود و یازده سال در اورشلیم پادشاهی کرد و اسم مادرش حمیطل دختر ارمیا از زبینه بود.

۲ آنچه در نظر خداوند ناپسند بود موافق هر آنچه یهو یاقیم کرده بود، بعمل آورد. ۳ زیرا بهسبب غضبی که خداوند بر اورشلیم و یهودا داشت به حدی که آنها را از نظر خود انداخت واقع شد که صد قیای پادشاه بابل عاصی گشت.

۴ و واقع شد که نبوکدرصر پادشاه بابل با تمامی لشکر خود در روز دهم ماه دهم سال نهم سلطنت خویش بر اورشلیم برآمد و در مقابل آن اردو زده، سنگری گرداگردش بنا نمودند.

۵ و شهر تا سال یازدهم صد قیای پادشاه در محاصره بود.

۶ و در روز نهم ماه چهارم قحطی در شهر چنان سخت شد که برای اهل زمین نان نبود.

۷ پس در شهر رخنهای ساختند و تمام مردان جنگی در شب از راه دروازه های که در میان دو حصار نزدیک پادشاه بود فرار کردند. و کلدانیان شهر را احاطه نموده بودند. و ایشان به راه عرب رفتند.

۸ و لشکر کلدانیان پادشاه را تعاقب نموده، در بیابان اریحابه صد قیای رسیدند و تمامی لشکرش

از او پراکنده شدند.

۹ پس پادشاه را گرفته، او را نزد پادشاه بابل به ربله در زمین حمات آوردند و او بروی فتوی داد.

۱۰ و پادشاه بابل پسران صدقیار را پیش رویش به قتل رسانید و جمیع سروران یهود را را نیز در ربله کشت.

۱۱ و چشمان صدقیار را کور کرده، او را بدوزنجیر بست. و پادشاه بابل او را به بابل برده، وی را تا روز وفاتش در زندان انداخت.

و در روز دهم ماه پنجم از سال نوزدهم سلطنت نبوکدصر ملک پادشاه بابل، نبوزردان رئیس جلادان که به حضور پادشاه بابل میایستاد به اورشلم آمد.

۱۳ و خانه خداوند و خانه پادشاه را سوزانید و همه خانه های اورشلم و هر خانه بزرگ را به آتش سوزانید.

۱۴ و تمامی لشکر کلدانیان که همراه رئیس جلادان بودند تمامی حصارهای اورشلم را بر طرف منهدم ساختند.

۱۵ و نبوزردان رئیس جلادان بعضی از فقیران خلق و بقیه قوم را که در شهر باقیمانده بودند و خارجین را که بطرف پادشاه بابل شده بودند و بقیه جمعیت را به اسیری برد.

۱۶ اما نبوزردان رئیس جلادان بعضی از مسکینان زمین را برای باغبانی و فلاحی وا گذاشت.

۱۷ و کلدانیان ستونهای برنجینی که در خانه خداوند بود و پایها و دریاچه برنجینی که در خانه خداوند بود، شکستند و تمامی برنج آنها را به بابل بردند.

۱۸ و دیگرها و خاکندازها و گلگیرها و کاسهها و قاشقها و تمامی اسباب برنجینی را که به آنها خدمت می کردند بردند.

۱۹ و رئیس جلادان پیالهها و مجررها و کاسهها و دیگرها و شمعدانها و قاشقها و لگنها را یعنی طلای آنچه را که از طلا بود و نقره آنچه را که از نقره بود برد.

۲۰ اما دو ستون و یک دریاچه و دوازده گاو برنجینی را که زیر پایها بود و سلیمان پادشاه آنها را برای خانه خداوند ساخته بود. برنج همه این اسباب بیاندازه بود.

۲۱ و اما ستونها، بلندی یکستون هجده ذراع و ریسمان دوازده ذراعی آنها را احاطه داشت و حجم آن چهار انگشت بود و تهی بود.

۲۲ و تاج برنجین بر سرش و بلندی یکنجای پنج ذراع بود. و شبکه و انارها گردا گرد تاج همه از برنج بود. و ستون دوم مثل اینها و انارها داشت.

۲۳ و بهر طرف نود و شش انار بود. و تمام انارها به اطراف شبکه یکصد بود.

۲۴ و رئیس جلادان، سرایارئیس کهنه، و صفنیای کاهن دوم و سه مستحفظ در را گرفت.

۲۵ و سرداری را که بر مردان جنگی گماشته شده بود و هفت نفر از آنانی را که روی پادشاه را میدیدند و در شہریافت شدند و کاتب سردار لشکر را که اهل ولایت راسان میدید و شصت نفر از اهل زمین را که در شہریافت شدند، از شهر گرفت.

۲۶ و نبوزردان رئیس جلادان ایشان را برداشته، نزد پادشاه بابل به ربله برد.

۲۷ و پادشاه بابل ایشان را در ربله در زمین حمات زده، به قتل رسانید پس یهود از ولایت خود به اسیری رفتند.

۲۸ و این است گروهی که نبوکدرصر به اسیری برد. در سال هفتم سه هزار و بیست و سه نفر از یهود را.

۲۹ و در سال هجدهم نبوکدرصر هشتصد و سی و دو نفر از اورشلیم به اسیری برد.

۳۰ و در سال بیست و سوم نبوکدرصر نبوزردان رئیس جلادان هفتصد و چهل و پنج

نفر از یهود را به اسیری برد. پس جمله کسان چهار هزار و ششصد نفر بودند.

و در روز بیست و پنجم ماه دوازدهم از سال سی و هفتم اسیری یهو یاقیم پادشاه یهودا واقع شد که اوایل مردک پادشاه بابل در سال اول سلطنت خود سر یهو یاقیم پادشاه یهودا را از زندان برافراشت.

۳۲ و با او سخنان دلاویز گفت و کرسی او را بالاتراز کرسیهای سایر پادشاهانی که با او در بابل بودند گذاشت.

۳۳ و لباس زندانی او را تبدیل نمود و او در تمامی روزهای عمرش همیشه نزد وی نان میخورد.

۳۴ و برای معیشت او و وظیفه دایمی یعنی قسمت هر روز در روزش در تمام ایام عمرش تار و زوفاش از جانب پادشاه بابل به او داده میشد.

cxix

قدیم ترجمہ

**The Old Persian Version of the Holy Bible in the Persian  
language of Iran**

Public Domain

Language: فارسی (Persian)

Translation by: Wycliffe Bible Translators

---

PDF generated using Haiola and XeLaTeX on Apr from source files dated Aug  
cf233a-073b-5751-ab25-e35dacee289f